

رسیدگی به نیازمندان و حمایت از محرومان، فرمان فطرت‌های سالم و فراخوان عقل و اندیشه و راه و رسم تمام پیام آوران الهی و از وظایف بزرگ اغنیا و شخصیت‌های اجتماعی است. همیشه در کشورها و جوامع گوناگون، کسانی وجود داشته و دارند که به دلیل حوادث طبیعی یا شرائط جسمی، روحی و اجتماعی، نمی‌توانند نیازهای خود را تأمین کنند، کسانی که در سایه لطف الهی و هوش و تلاش بیشتر و شرائطی که خداوند پدید آورده است، قدرت، ثروت و اعتبار مردمی دارند، نسبت به محرومان و نیازمندان مسئولاند و وظایفی مقدس و بزرگ بر عهده دارند که برخی از آنها عبارتند از:

1. شناخت نیازمندان؛

2. هدایت نیازمندان؛

3. کمک به نیازمندان؛

4. تشویق دیگران به حمایت از محرومان؛

5. سازماندهی مردم و کمک‌های مردمی برای کمک محترمانه به نیازمندان

6. دفاع از حقوق محرومان در برابر استثمارگران خارجی و داخلی و کارگزاران آنان

تأکید بر رعایت عدالت در تقسیم بیت المال و اموال عمومی

مقابله با اسراف و تبذیرها برای تأمین نیازهای محرومان و حوائج عمومی و مبارزه با حبس و راکد گذاشتن اموال عمومی، بخشی از وظایف مدیران، مسئولان، عالمان دین، ثروتمندان و تمام گروه‌های دارای اعتبار و اقتدار اجتماعی است.

پیام آوران الهی منادیان نخستین دفاع و حمایت از محرومان می‌باشند و نخستین گامها را آنان در دفاع از مظلومان و محرومان برداشته و راه و رسم حمایت از ضعیفان را به بشریت آموخته‌اند.

نگاه مردم دوستانه و مهرورزانه، یکی از ویژگی‌های پاسداران راه پیامبران الهی است

ابو حمزه ثمالی می‌گوید، از امام باقر- علیه السلام - شنیدم که چنین می‌فرمود: «**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّيَ وَ مَنْ سَرَّيَ فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ**؛ پیامبر گرامی اسلام- صلی الله علیه و آله - می‌فرمود: هر کس مؤمنی را شاد کند مرا مسرور ساخته و هر کس مرا شاد سازد به راستی خدا را شاد کرده است.»

در کتاب اصول کافی، ابواب مختلفی مبنی بر حمایت از محرومان وجود دارد که عبارتند از:

- باب شادی رساندن به مؤمن؛

- باب روا ساختن حاجت مؤمن؛

- باب کوشش در راه حاجت مؤمن؛

- باب برطرف کردن گرفتاری مؤمن؛

- باب اطعام مؤمن؛

- باب لباس دادن به مؤمن؛

- باب محبت و تکریم مؤمن؛

- باب خدمت به مؤمن؛

- باب خیرخواهی مؤمن

- باب احیای مؤمن؛

باب اهتمام به امور مسلمین و خیرخواهی برای آنان

یکی از بزرگ‌ترین گردها در مسیر تکامل انسان، گذشت از منافع و مصالح شخصی و گروهی و رسیدگی به حوائج نیازمندان و محرومان جامعه است

قرآن کریم می‌فرماید: **(فَلَا افْتَحِمَ الْعَقَبَةَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَرَ سَعَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ)**؛^{۱۱} «توانست از گرده بالا برود؛ و تو چه دانی که گرده چیست؟ آزاد کردن برده‌ای، غذا دادن روزانه گرسنه‌ای؛ یتیمی خویشاوند یا نیازمندی خاک‌نشین.»

پیامبران و پیشوایان اهل بیت- علیهم السلام - در آزادسازی بردگان، رسیدگی به ایتمام و محرومان و خدمت‌رسانی به نیازمندان، همنشینی با فقیران، الگوی جامعه بشری بوده و هستند

در حدیث قدسی خطاب به حضرت مسیح- علیه السلام - چنین آمده است: «يَا عِيسَى إِنَّكَ مَسْئُوكٌ فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِيَّاكَ وَ لَا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ؛ ای عیسی! تو مسئولی، با ضعیف مهربانی کن آن طور که من تو را مورد مهربانی قرار دادم، و با یتیم بی‌مهری مکن.»

هنوز آوای مولای مؤمنان در گوش زمان طنین انداز است که در نامه به مالک اشتر یادآوری فرمود «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَائِمًا وَمُعْتَرًا أَحْفَظُ [اللَّهُ] لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكٍ»^۴ خدا را! خدا را! درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش؛ کسانی که راه چاره ای ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و زمین گیران، در میان آنان افراد قانع و اهل اعلام نیاز وجود دارند، حق الهی را که از تو خواسته است؛ درباره آنان پاس بدار و بخشی از بیت المال [حکومت] را برای آنان قرار ده.»

در اندیشه امام خمینی- رحمه الله -

سیره و اندیشه امام خمینی- رحمه الله -، این پیشوای بزرگ تاریخ در زمینه حمایت از محرومان، الگوی عالمان معاصر و عالمان آینده است، ایشان فرمودند

«علمای اسلام موظف اند با انحصارطلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران غارتگر و حرامخوار در ناز و نعمت به سر برند.»^۵

«این بر عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه های سازنده و در برگیرنده منافع محرومین و پابرنهها را ارائه دهند و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند»^۶

«همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظف اند که با فقرا و مستمندان و پابرنهها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مرادوه و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین و در کنار مستمندان و پابرنهها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملاً به شبها و الطائات خاتمه می دهد.»^۷

فرمان امام خمینی- رحمه الله - در زمینه تأسیس جهاد سازندگی، دستور ایشان در زمینه تأسیس کمیته امداد امام در سال 1357 ش، فرمان امام- رحمه الله - مبنی بر تشکیل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و حساب صد امام- رحمه الله - و صدها رهنمود و فتوای ایشان در سراسر زندگی، قبل از پیروزی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احساس مسئولیت الهی و دلسوزی برای فقیران و نیازمندان و اقشار کم درآمد را نشان میدهد.

در هفته احسان و نیکوکاری و جشن عاطفه ها، در نظام اسلامی نباید به اقدامی موسمی و محدود و انفاق اندک پرداخت و به یک صدقه مستحبی اکتفا کرد؛ بلکه باید برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور تأمل شود و همتی برای اصلاح فرهنگ مصرفزدگی و برنامه ریزی و همفکری و همکاری و نجات محرومان جامعه و جهان بشری پدید آید. نگاه امام خمینی- رحمه الله - به فقرستیزی و نجات محرومان و کنترل غارتگران خارجی و داخلی و مسئله فقر و غنا، نگاهی جامع و عدالت خواهانه و برخاسته از اندیشه توحیدی و عرفانی است

و این تنها امام خمینی- رحمه الله - نیست که دغدغه خدمت به فقیران و محرومان را دارد، بلکه تمام عالمان ربانی در طول تاریخ در دو جبهه اثباتی و سلبی به یاری مستضعفان و فقیران برخاسته و نسبت به مسئله فقر و غنا و ظلم و عدالت بی تفاوت نبوده اند.

فعالیتهاى اثباتی در حمایت از محرومان

تأسیس صندوقهای قرض الحسنه، تأسیس دارالایتام، تأسیس درمانگاه و بیمارستان، تأسیس کارگاههای کوچک برای اشتغال بیکاران، ارائه خدمت مشاوره، سرمایه گذاری و کارآفرینی برای محرومان و ایجاد سرپناه برای بینوایان و حتی تأمین زغال زمستان و افطاری ماه رمضان و لباس عید برای نیازمندان در سیره و سنت بسیاری از عالمان دین به چشم می خورد.

اقدامات عالمان دین در دفاع از محرومان، محدود به تأسیس نهادهای خیریه و مؤسسات امدادی نبوده و نیست؛ بلکه فعالیتهاى دیگری در راستای خدمت، نیازمندان و درماندگان جامعه به چشم می خورد که عبارتند از:

1. گردآوری زکات و توزیع آن در میان محرومان با هدایت علما و اقدام مستقیم خود مردم؛

2. جمع آوری خمس و رسیدگی به سادات فقیر و امور خیریه عمومی؛

3. ساده زیستی و زهد و پارسایی عالمان و منسوبان ایشان در خانه و لباس و غذا و لوازم زندگی؛

4. تشکیل و اعزام گروههای امدادی در حوادث و سوانح طبیعی مثل زلزله، سیل و خشکسالی؛

5. وقف و نذر اموال و امکانات برای امور عام المنفعه و اقشار محروم؛

6. تأسیس مدارس و مساجد و خانه های ویژه محرومان؛

7. تشکیل انجمنهای خیریه در زمینه های درمانی، پژوهشی، آموزشی و اقتصادی و کمک به همسریابی

فعالیتهاى سلبی در دفاع از محرومان

مبارزه با رباخواری، قماربازی، احتکار و انحصار، گران فروشی و کم فروشی، بیکاری و تنبلی، شرکتهای گلدکوبیستی و بخت آزمائی، اسراف و تبذیر، مواد مخدر، مشروبات الکلی، تشریفات زائد اداری و ...، بخشی دیگر از تلاشهای عالمان دین در دفاع از محرومان و فقرا است. چه کسی است که نداند ریشه های فقر و گرسنگی، نظام اقتصادی رباخوارانه و احتکار و توزیع ظالمانه امکانات و اموال عمومی و تبلیغات دروغین نظام سرمایه داری است.

مبارزه عالمان دین با دروغ و تبلیغات دروغین کالاها و خدمات، نقش بارزی در حمایت از محرومان دارد

وظایف امروز روحانیان

امروزه روحانیت در راستای خدمت‌رسانی به محرومان، دو وظیفه مهم دارد

1. حمایت از شیعیان جهان؛
 2. حمایت از مسلمانان عالم.
- حمایت از مظلومان دنیا و فقیران و نیازمندان در سطح جهانی، بخشی از رسالت حوزه ها و عالمان دین و همه پاسداران فرهنگ اسلام و قرآن و تمام انسانهای مؤمن و آگاه است.

موفقیت در انجام این وظیفه جهانی، شرائط و پیش‌نیازهاک دارد که در اینجا فهرستی از آنان یادآوری می‌گردد:

1. حفظ ایمان و سیمای معنوی روحانیت در جامعه؛
2. افزایش دانش و آگاهی سیاسی و بصیرت خویش و مردم؛
3. افزایش مهارتها در برابر هجوم فرهنگی؛
4. شجاعت مبارزه با خرافات و برداشت نادرست از اسلام؛
5. امیدآفرینی و مقابله با یأس پراکنی دشمن؛
6. پاسداری از عقاید و اخلاق و احکام اسلامی در جامعه؛
7. تقویت روابط عاطفی با مردم؛
8. تقویت اعتماد متقابل نظام و مردم؛
9. نقد منصفانه عملکرد دولت و ملت؛
10. رسیدگی به فقیران و نیازمندان و حفظ زکّ طلبگی و همدردی با طبقات ضعیف جامعه

برافراشتن پرچم جهانی اسلام و گسترش بیداری اسلامی در سطح جهان، بدون هماهنگی حوزه و دانشگاه و حمایت جدّی از محرومان امکانپذیر نیست.

ارکان چهارگانه موفقیت عالمان دینی

1. حمایت‌های گسترده از محرومان؛
2. کمک‌های غیرمستقیم به نیازمندان؛
3. حمایت‌های پنهانی و مخفیانه؛
4. حمایت‌های مادی در کنار هدایت‌های فکری و اخلاقی

ابراهیم بن عباس در باره امام هشتم - علیه السلام - چنین می‌گوید: «وَ كَانَ إِذَا خَلَا وَ نُصِبَتْ مَائِدَتُهُ أَجْلَسَ عَلَيَّ مَائِدَتَهُ مَوَالِيَهُ وَ مَمَالِيكَهُ حَتَّى الْبُيُوتِ وَ السَّائِسِ وَ كَانَ قَلِيلَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ كَثِيرَ السَّهْرِ بَحْيِي أَكْثَرَ لَبَائِيهِ مِنْ أَوْلِيَّهَا إِلَى الصُّبْحِ وَ كَانَ لَيَّرَ الصُّوْمَ وَ لَا يَغُوْنُهُ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي السَّهْرِ وَ يَقُولُ ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ وَ كَانَ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَ أَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ رَأَى مِنْهُ فِي قَضِيهِ فَلَا تُصَدِّقُوهُ»^{viii} وقتی مجلس خلوت می‌شد و سفره را می‌گستردند، غلامان خویش را حتی دربان و مأموران نگهداری حیوانات را سر سفره خویش می‌نشاند. شبها کمتر می‌خوابید و بیشتر به شب زنده داری می‌پرداخت، بیشتر شبها را تا صبح اهل تهجد و نیایش بود. روزه بسیار می‌گرفت و به سه روزه هر ماه مقید بود. و می‌فرمود: این روزه همه سال [روزه دهر] است. بسیار نیکی می‌کرد و پنهانی صدقه می‌داد. و بیشترین انفاق‌های حضرت در شبهای ظلمانی بود. هر کس خیال کند کسی را در فضیلت مثل او دیده است او را تصدیق نکنید»

روحانیت میراث دار پیامبران و پیشوایان معصوم - علیهم السلام - است و رسیدگی به محرومان و حمایت از آنان و مبارزه در راه باز ستاندن حقوق آنان از ستمگران، راه و رسم پیامبران الهی است

پیامبران - صلی الله علیه وآله - عموماً از میان محرومان برخاسته و درد گرسنگی، برهنگی، فقر و درد مردم را به خوبی احساس کرده‌اند.

- انفاقها و احسانهای نبوی- صلی الله علیه وآله - ؛

- انفاق و ایثارهای علوی- علیه السلام - ؛

- انفاق و اطعامهای امام حسن مجتبی- علیه السلام - ؛

- انفاق و احسانهای حضرت سیدالشهداء- علیه السلام - ؛

- فعالیتهای اینترگرانه حضرت امام سجاد، امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری- علیهم السلام-؛ همه آینه مهرورزی، یتیم نوازی، حمایت از محرومان و چتر حمایتی آنان بر سر طبقات پایین جامعه و الگوهای تاریخی عالمان دین است

موفقیت حوزویان در نشر اندیشه اسلامی در سراسر جهان، چهار رکن اصلی دارد

1. آشنائی عمیق با معارف قرآن و حدیث؛

2. تزکیه اخلاقی و خودسازی براساس فرهنگ اسلامی؛

3. کسب آگاهیهای سیاسی و شناخت دوست و دشمن و فتح قلههای علوم اجتماعی؛

4. حمایت از عدالت و رسیدگی به محرومان کشور و جهان اسلام

روحانیت و مبلغان دین هرگز نباید در عبادت الهی، عدالت اجتماعی، تقویت عقلانیت و رشد علمی و کسب تقوا و تقویت خودسازی، غفلت و کوتاهی نشان دهند؛ چرا که حمایت از عدالت اجتماعی، بخشی از رسالت همه مدیران و مسئولان و در صدر وظایف اجتماعی مبلغان گرامی است

تفاوت حمایتها

حمایتهای روحانیت از محرومان با اقدامات دیگران از دیدگاه کمی و کیفی قابل مقایسه نیست و دارای ویژگیهای زیر است

1. تداوم حمایتها در طول تاریخ؛

2. اخلاص در حمایتها و حفظ انگیزه الهی؛

3. حفظ شخصیت محرومان و آبرو و احترام آنان؛

4. حمایتهای بدون نام و نشان؛

5. حمایتهای با واسطه و غیرمستقیم؛

6. حمایتهای پنهانی؛

7. حمایت بدون انتظار ستایش و کرنش؛

8. حمایت بدون انتظار مزد و منت؛

9. انفاق از مال حلال؛

10. انفاق بدون ادبیت؛

11. انفاق بدون ریاکاری و خودنمایی

کارنامه روحانیت در زمینه خدمات اجتماعی، بسیار درخشان و افتخارآمیز است و گویی عالمان دین در زبان و عمل، این پیام را به جامعه هر رسانند که:

تا توانی ز کرم خدمت محتاجان کن به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی

روحانیت در طول تاریخ در خدمت تهیدستان و محرومان و از کارافتادگان بوده است، و به همزیستی با آنان افتخار کرده است

مؤسسات خیریه استیجاری و تبشیری؛ مؤسسات خیریه استعمارگران غربی؛ مؤسسات خیریه با انگیزه های غیر الهی و با انگیزه های شهرت طلبی و قدرت طلبی؛ گزارش دهی به داخل و خارج در جهان، کم نبوده است، ولی پاسداران راه پیامبران- علیهم السلام - از امکانات خویش برای محرومان استفاده می کردند نه آنکه آنان را ابزار دست پابی به اهداف و آرمانهای شخصی قرار دهند

قوای سه گانه و حمایت از محرومان

قدرت در نظام اسلامی، برای پاسداری از دین الهی، پاسداری از عدالت اجتماعی و کمک به محروم و دفاع از مظلوم است . مجلس شورای اسلامی و منتخبان ملت، قوه قضائیه و قضات کشور، رؤسای جمهوری و اعضای هیئت دولت، وزیران، وکیلان و استانداران و فرمانداران و امامان جمعه و جماعات و صاحبان هر گونه اقتدار اجتماعی، وظیفه ای بزرگ در برابر توحید و عدالت بر دوش دارند در نظام اسلامی قدرت برای دفاع از حق و عدالت است، برای اقامه قسط و انجام وظیفه الهی و پیشبرد جامعه در مسیر فرمان خداست . حمایت از محرومان و مبارزه با ستمگران، فلسفه تشکیل حکومت و دولت اسلامی است.

حمایت از محرومان، مصادیق و نمونه های فراوان دارد:

1. حفظ امنیت جامعه و حمایت از جان، مال، ناموس و آبروی مردم؛

2. پاسداری از حقوق الهی و طبیعی و عدالت اجتماعی؛

3. تدوین و تصویب بودجه کشور با رعایت اولویتها در رسیدگی به محرومان؛

4. بررسی لوایح با حذف و کاهش بار مالی از دوش طبقات پایین جامعه؛

5. تدوین طرحها و پیشنهادهای و تأیید و امضای برنامه‌های اثرگذار در بهبود زندگی محرومان؛

6. مبارزه با هر گونه انحصار و محدودسازی مردم و دریافت مالیاتهای ناروا از محرومان.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید مجموعه مصوبات خویش را با معیار حمایت از دینداری عمومی و عدالت اجتماعی و رعایت حق الله و حق الناس ارزیابی کنند و ببینند چه میزان از مصوبات آنان در جهت اجرای این اهداف الهی بوده است اگر مصوبات و مقررات مجلس و دولت در راستای دینداری عمومی و تحقق عدالت اجتماعی باشد، تلاش آنان مثبت و مقبول و مأجور است، ولی تصویب و تأیید قوانین و لوایح و طرحهایی که مستقیم یا غیرمستقیم عامل فقر عمومی شود، و اموال عمومی را ناعادلانه تخصیص دهد، دینداری جامعه را با خطر مواجه سازد و سرانجام سرمایه‌داران و دشمنان اسلام را بر سرنوشت و قدرت و منابع ملی حاکم سازد، از مصادیق منکرات قانون‌گذاری و بودجه نویسی و لغزشهایی است که از آن باید استغفار کرد و به خدا پناه برد

هر گونه تذکر و سؤال و استیضاح و حمایت در مجلس، توسط نمایندگان ملت باید با هدف حمایت از قانون الهی و دفاع از محرومان انجام شود

فهرست منابع :

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۸ش.
۴. موسوی خمینی- رحمه الله -، سید روح الله، صحیفه نور، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی- رحمه الله -، تهران.
۵. _____، ولایت فقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.

بررسی رویدادهای قیام توّابین

ابوالفضل هادی منش

چکیده:

پس از قیام حسینی دو روحیه در بین مردم تجلی یافت: یکی روحیه پشیمانی و دیگری روحیه انتقام. حس پشیمانی در قیام توّابین و حس انتقام در قیام مختار رخ نمود. این مقاله بر آن است تا قیام نخست را بررسی کند

کلید واژه:

قیام توّابین، مختار ثقفی، سلیمان بن سرد، عاشورا، یزید

گردهمایی توأین

توأین، اولین گردهمایی خویش را در خانه سلیمان بن صُرد خزاعی تشکیل دادند و بیش از یکصد نفر از جنگجویان و بزرگان شیعه در آن شرکت کردند.^{ix} این در همان سالی بود که فرزند رسول خدا-صلی الله علیه وآله - به شهادت رسید؛ یعنی سال 61 هجری. چندین نفر در آن جلسه سخنرانی کردند؛ مانند

1. مسیب بن نجبه

مسیب بن نجبه، جلسه را با سخنانش آغاز کرد و حمد و ثنای خدا را بجای آورد و گفت:

ما به طول عمر، مبتلا و به انواع فتنه ها گرفتار شدیم. از خداوند می‌خواهیم که ما را جزو کسانی قرار ندهد که درباره آنان فرمود: (أَوْلِمَ نَعْمِرَكُمْ مَا يَنْكَرُ فِيهِ مَنْ تَدَكَّرُ)؛ «شما را آن قدر عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می‌گرفت.» همچنین امیر مؤمنان علی-صلی الله علیه و آله - فرمود: «الْعُمْرُ الَّذِي أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ إِلَيَّ ابْنِ آدَمَ سِتُونَ سَنَةً» عمری که خداوند، انسان را در آن معذور می‌دارد شصت سال است؛ در حالی که همه ما از این سن گذشته‌ایم.

پیش از این، پیوسته خود را پاک و راستگو وانمود می‌کردیم؛ ولی خداوند، ما را راستگو نیافت؛ زیرا فرزند دختر رسولش را یاری ندادیم؛ در حالی که پیش از آن برایش نامه نوشته و خواسته بودیم که نزد ما بیاید؛ ولی هنگامی که از ما کمک خواست، جان خویش را دریغ کردیم و او در کنار ما کشته شد. او را یاری ندادیم و با زبان خویش از وی دفاع نکردیم و با اموال خویش او را تقویت نساختم و از خاندان خودی برایش کمک نخواستیم

عذر ما نزد خدا و هنگام ملاقات با پیامبر-صلی الله علیه وآله - چیست؛ در حالی که فرزند حبیبش رسول خدا-صلی الله علیه وآله - در میان ما کشته شد؟ به خدا قسم! عذری نزد خدا نداریم، جز اینکه قاتلان او را بکشیم یا در این راه کشته شویم، شاید خداوند از ما راضی شود

ای قوم! از میان شما مردی را بر خود والی قرار دهید؛ زیرا نیازمند امیری هستید که به او پناه ببرید و نیازمند پرچمی هستید که زیر آن قرار بگیرید

این سخن، پشیمانی شدید و ترس آنان از عذاب خدا را نشان می‌دهد؛ زیرا آنان در یاری ندادن و تنها گذاشتن فرزند پیامبر-صلی الله علیه وآله - مرتکب گناه بزرگی شدند. آنان بدون دلیل، خود را تبرئه می‌کردند؛ زیرا وقتی خداوند آنها را به جهاد در کنار فرزند رسول اکرم-صلی الله علیه وآله - آزمود، وی را اجابت نکردند و زندگی دنیا را ترجیح دادند و مستحق کیفر و ناخشنودی خداوند شدند که هیچ کفاره‌ای بر گناهشان وجود نداشت، جز اینکه به خونخواهی امام حسین-علیه السلام - به پا خیزند و قاتلانش را از بین ببرند

2. رفاعه بن شداد

پس از مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد سخن گفت. او بعد از حمد خدا چنین گفت:

خداوند، سخن حق را بر زبانت جاری ساخت تو ما را به بهترین کار یعنی جهاد با فاسقان و توبه از این گناه دعوت کردی ما سخنت را اجابت می‌کنیم.

همچنین با ما گفتی: باید مردی از میان خود انتخاب کنید تا به او پناه ببرید و زیر پرچمش قرار بگیرید اگر تو همان مرد باشی ما به تو راضی هستیم و نزد ما پسندیده هستی. اگر صلاح بدانی و اصحاب نیز صلاح بدانند این شیخ بزرگ و صحابی رسول خدا-صلی الله علیه وآله - که سابقه فراوانی در اسلام دارد یعنی سلیمان بن صُرد خزاعی را که دیندار و مورد اعتماد است به رهبری انتخاب کنیم^x

این خطاب، سخنان مسیب بن نجبه را در دعوت به جهاد و انتخاب کسی که به او پناه بیند تأیید کرد.

3. سلیمان بن صرد

سلیمان بن صرد، خطبه‌ای حماسی خواند و به خیانت و یاری ندادن سرور آزادگان اشاره کرد و بعد از ستایش خدا چنین گفت:

روزگار ملعونی است! فاجعه در آن دردناک گشته و ترس و مصیبت فراگیر شده است. ما چشم به راه آمدن اهل بیت-علیهم السلام - بودیم و به آنان وعده نصرت می‌دادیم و ایشان را برای آمدن نزد ما تشویق می‌کردیم؛ اما چون نزد ما آمدند عاجز و سست شدیم تا اینکه فرزند رسول خدا-صلی الله علیه وآله - و سلاله پاکش و عصاره وجودش و پاره تنش در میان ما کشته شد. او هر چه فریاد زد کسی به کمکش نرفت و هر چه دعوت کرد، اجابت نشد. او رعایت انصاف را طلب کرد؛ ولی کسی توجهی نکرد

فاسقان او را هدف تیرها و نیزه‌هایشان قرار دادند و کشتند و اموالش را غارت کردند و پس از کشتن اولاد و اهل بیت-علیهم السلام - و شیعیانش، حرمتش را هتک کردند.

به پا خیزید و تقوای الهی را پیشه سازید که خدا بر شما غضب کرده است! نزد همسران و فرزندان برنگردید تا زمانی که خدا از شما راضی شود. گمان نمی‌کنم خدا از شما راضی شود؛ مگر اینکه بجنگید با کسانی که او را به قتل رساندند یا در قتلش شریک بودند

از مرگ نهراسید که به خدا قسم هر که از مرگ بهراسد دلیل می‌شود. به پا خیزید و مانند باقی مانده بنی اسرائیل باشید که به آنها گفته شد: خود را بکشید یا از دیار خویش خارج شوید. شمشیرها را بکشید و نیزه‌ها را آماده سازید. با جدیت به جنگ بپردازید و قدرت و اسباب جنگی را آماده سازید، و در جنگ با فاسقان، سستی نوزید.^{xi}

این کلمات سلیمان [که از قلبی سرشار از درد برمی‌آمد] احساسات حاضران را برانگیخت؛ زیرا آنان فرزند پیامبر-صلی الله علیه وآله - را یاری ندادند. هیچ کفاره‌ای برای این گناه بزرگ جز خونخواهی امام حسین-علیه السلام - و شهید شدن وجود نداشت؛ شاید خداوند از گناه بزرگشان بگذرد

تصمیمات گردهمایی توّابین

در این گردهمایی تصمیمهای مهمی گرفته شد که نشان از همبستگی و رشد سیاسی آنها داشت این تصمیمها عبارت بود از:

1. انتخاب سلیمان بن صرد خزاعی به رهبری قیام و طرح نقشه سیاسی و نظامی، و ارسال نامه به یثیابن برای پیوستن به قیام؛
2. پنهان نگه داشتن قیام از حکومت ظالم و انجام امور به صورت مخفیانه؛
3. جمع آوری کمکهای شیعیان برای خریداری وسایل جنگی؛
4. تعیین تاریخ برای اعلام قیام؛ [اول ربیع الثانی 65 ق]؛
5. انتخاب «نخيله» به عنوان مرکز اصلی انقلابیون و نقطه شروع قیام؛
6. انتخاب عبد الله تمیمی برای جمع آوری کمکهای مردمی.

کمکهای مردم

بعضی از حاضران، کمکهای داوطلبانه خود را سخاوتمندانه پرداخت کردند تا به قیام کمک کنند آنان عبارت بودند از:

1. خالد بن سعد: او به پا خاست و گفت: به خدا قسم اگر بدانم خداوند، گناهم را نبخشد و از من راضی نشود، جز به اینکه خود را بکشم، خود را خواهم کشت. شما را شاهد میگیرم همه اموالم جز سلاح خویش را صدقه قرار میدهم تا مسلمانان بر دشمن پیروز شوند

2. ابو المعتمر کنانی: او از سران توّابین بود که متعهد شد تمام اموالش را در راه قیام مصرف کند.

نامه سلیمان به رهبران شیعه

سلیمان، نامههایی به بزرگان شیعه نوشت و آنان را از گردهمایی توّابین و تصمیمهایی که برای انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام - گرفته شد باخبر ساخت. بعضی از بزرگان شیعه که سلیمان به آنان نامه نوشته عبارت بودند از

1. منّی بن مخربه: او بیرون کوفه زندگی میکرد. سلیمان به وی نامه نوشت و او را به همراهی با توّابین، دعوت کرد^{xiii}

او دعوت سلیمان را اجابت کرد و چنین نوشت: نامه شما را خواندم و آن را برای دیگر برادران قرائت کردم آنان رأی شما را پسندیدند و دعوت شما را اجابت کردند. إن شاء الله در زمانی که مشخص کردی نزدتان میآئیم. والسلام^{xiv}

او پایان نامه اش را با این ابیات زینت داد:

تَبَصَّرَ كَاتِبِي قَدْ أَتَيْتَكَ مُعَلِّمًا طَوِيلَ الْقَرَأَةِ نَهْدِ الشَّوَاءِ مُقَلِّصِ يُكَلِّمُ قَتِي لَا يَمَلَأُ الرُّوْعَ قَلْبُهُ أَخِي ثِقَّةٍ يَنْوِي الْأَلَةَ بِسَعْيِهِ	عَلَى أَتْلَعِ الْهَادِي أَحْسَنَ هَزِيمِ مُلِحَّ عَلَيَّ قَارِي اللَّجَامِ أَرْوِمِ مِحْسَ لِنَارِ الْحَرْبِ غَيْرِ سَوْوِمِ صَرُوبٍ يَنْصَلِ السَّيْفِ غَيْرِ أَيْمِ
---	---

آگاه باش، گویا من به عنوان خبر دهنده نزد تو میآیم. من کسی را که بلند قامت و دارای عصا و صدای بلند است با صدایم میشکنم. کمرم مانند شیر بهن است و قامت بلند و به ساکنان روستا اصرار می ورزم و آنها را با خود می آورم. من با جوانانی می آیم که در دلشان ترس نیست، و آتش جنگ را بدون خستگی شعله ور می سازند. مورد اعتمادی که سعی در رضایت خدا دارد، و با لبه شمشیر میزند؛ در حالی که او از گناه به دور است^{xv}

این نامه نشان میدهد که منّی بن مخربه به درخواست سلیمان، پاسخ مثبت میدهد و قومش را برای پیوستن به توّابین آمادگی دارند

2. سعد بن حذیفه: سلیمان، نامه ای به سعد بن حذیفه بن یمان، از ساکنان مدائن نوشت و وی را از تصمیم توّابین، آگاه و او و قومش را برای یاری این قیام دعوت کرد. نامه این بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

از سلیمان بن صرد خزاعی به سعد بن حذیفه و دیگر مؤمنان؛

سلام علیکم؛

بدانید که خوبیهای دنیا پشت کرده و بدیهای آن روی آورده است، و به مردان عاقل، بغض و کینه می ورزد. بندگان خوب خدا با سرعت از آن گذشتند و متاع اندک دنیا را در مقابل ثواب فراوان خداوند که فنا نمیشود عوض کردند.

اولیای خدا از برادران و شیعیان آل رسول-صلی الله علیه و آله - در آنچه به آن امتحان شدند درباره فرزند رسول خدا-صلی الله علیه و آله - که دعوت شد و اجابت کرد، پس دعوت کرد و اجابت نشد، خواست برگردد مانع شدند، امان طلبید، داده نشد، مردم را رها ساخت، ولی آنها رهاش نساختند، بلکه به او

تعذی کردند و او را کشتند، سپس او را غارت کردند و به جور و ظلم برهنه‌اش ساختند و از روی جهل و غرور به خدا، این کار را انجام دادند و هر آنچه کردند در برابر خدا بود و به سوی او برمی‌گردند. آنان که ظلم کردند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت

وقتی برادرانتان به کارهای اشتباه خویش فکر کردند و دریافته‌اند که مرتکب چه گناهی شدند در یاری ندادن فرزند پاك رسول خدا- صلی الله علیه و آله - ، دانستند که راهی برای توبه وجود ندارد، جز اینکه قاتلان امام-علیه السلام- را بکشند یا خودشان کشته شوند

اکنون برادرانتان برای قیام آماده شده‌اند و برای دیگر برادرانشان زمانی و مکانی معین کرده‌اند تا در آن زمان و مکان به آنان بپیوندند . زمان قیام، اول ربیع الثانی 65 ق و مکان آن نخيله است.

چون شما همیشه موالیان و برادرانمان بودید، بر خویش واجب دیدیم شما را به کاری که خدا برای برادرانتان خواسته دعوت کنیم . آنان اظهار می‌دارند که می‌خواهند توبه کنند و شما به کسب فضل و به دست آوردن اجر و توبه از گناه سزاوارید، هرچند این کار به مرگ خویش یا مرگ فرزندان و از دست دادن اموال و از بین رفتن خویشان منجر شود

آنان که در عذراء به شهادت رسیدند [حجر بن عدی و یارانش] چه ضرری کردند از اینکه در این دنیا نیستند؟ زیرا آنان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آنان شهدایی هستند که صبر کردند و خداوند، اجر صابران را به آنان داد

به برادرانتان که با تحمل شکنجه، کشته و به ظلم به دار آویخته و مثله شدند و به آنها تعذی شد، چه ضرری رسیده است که امروز زنده نیستند و به بلا و گراهی که شما گرفتار آن شدید گرفتار نشدند؟ خداوند، راه درست را برای آنان برگزید و به سوی پروردگارشان رفتند و خداوند، اجرشان را عطا کرد، پس در سختی و سستی و جنگ، صبر کنید که خداوند، شما را رحمت کند. به سرعت توبه کنید که به خدا سوگند شما سزاوارید همان‌گونه که برادرانتان به قصد دریافت ثواب خدا در تحمل بلا صبر کردند، شما نیز برای کسب اجر، صبر کنید کسی که به دنبال رضایت خدا است به دنبال چیز دیگری نیست رضایت خدا را کسب کنید؛ حتی اگر کشته شوید

تقوا در دنیا بهترین توشه است و جز آن، همه چیز، فانی است . به آخرت [که دار عافیت است] و به جهاد با دشمنان خدا و دشمن خویش و دشمن اهل بیت- علیهم السلام- رغبت داشته باشید تا به توبه و رغبت به نزد خداوند بروید. خداوند ما و شما را زندگی پاك و نيك عطا کند، از آتش جهنم دور سازد و مرگ ما را شهادت در راهش به وسیله بدترین بندگان و دشمن ترین آنان نزد او قرار دهد، که او بر همه چیز توانا است و هر آنچه می‌خواهد برای اولیایش انجام می‌دهد؛ و سلام بر شما.^{xvi}

این نامه، نشانگر تصمیم راسخ سلیمان و یارانش بر فداکاری و از خود گذشتگی است؛ هر چند مجبور باشند بهای سنگینی مانند از دست دادن جان و فرزندان یا خاندان بپردازند آنان به دنبال چیزی جز اجر و از بین بردن گناهان خویش در تنها گذاشتن فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله - نبودند.

پاسخ سعد

سعد نیز در پاسخ نامه به رغبت خویش در خونخواهی سالار شهیدان- علیه السلام- تأکید کرد. متن نامه چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

به سلیمان بن سرد از سعد بن حذیفه و هر که نزد او از مؤمنان است؛

سلام علیکم؛

نامه را خواندیم و مقصود از آن نامه را [که نظر برادرانتان نیز هست] دریافتیم.

تو، به سوی نصیب و اجر هدایت شدی و در مسیر رشد، گام گذاشتی. ما نیز به صورت جدی آماده‌ایم. اسبها را زین کرده و لجام زده‌ایم و منتظر امر و گوش به فریاد منادی هستیم. هر گاه منادی را شنیدیم، نزد تو می‌آییم، والسلام.^{xvii}

این نامه، نیت صادقانه و سلامت عزم آنان را نمایان می‌سازد و نشان می‌دهد که آنان در آمادگی کامل برای مقابله با دشمن بودند

تعداد بیعت کنندگان

شانزده هزار نفر، آمادگی خود را برای خونخواهی امام حسین- علیه السلام- اعلام کردند؛ اما در اول ربیع الثانی [زمان اعلام قیام] این تعداد به چهار هزار نفر کاهش یافت، این امر باعث اضطراب و نگرانی رهبران توابین شد.^{xviii}

مختار و توابین

مختار به توابین در خونخواهی حسین بن علی- علیهما السلام- و انتقام‌جویی از دشمنانش هم‌عقیده بود؛ اما بین آنها اختلاف نظرهایی وجود داشت

1. مختار، سلیمان بن سرد را برای فرماندهی توابین شایسته نمی‌دید؛ زیرا او تجربه‌ای در امور سیاسی و نظامی نداشت. مختار تصریح می‌کرد: سلیمان، مردی است که تخصصی در امور جنگ و سیاست ندارد.^{xix}

به این دلیل، مختار به قیام توابین راضی نبود؛ زیرا از نگاه او، این قیام یک نوع خودکشی بود و معتقد بود که آنان در میدان سیاست جنگ موفق نمی‌شوند.

2. مهم‌ترین هدف توّابین و مختار، کشتن مجرمان بود که دستشان به خون امام حسین- علیه السلام - آغشته بود؛ اما بیشتر آن مجرمان از بزرگان و رؤسای خاندانهای کوفه بودند، و مختار معتقد بود پیش از رفتن به جنگ امویان باید این گروه را از بین برد

عبدالله بن سعد نیز همین مطلب را به سلیمان گوشزد کرد و گفت: ما برای خونخواهی امام حسین- علیه السلام - به پا خواسته‌ایم؛ در حالی که همه قاتلان او از جمله عمر بن سعد و رؤسا و اشراف قبایل در کوفه هستند، پس ما کجا برویم؟^{xx}

به همین سبب، مختار، معتقد بود توّابین نباید برای جنگ با امویان به شام بروند

3. مختار می‌دانست که توّابین به علت کمی تجهیزات نظامی و نبود امکانات اقتصادی کافی نمی‌توانند در مقابل سپاه شام مقاومت کنند؛ در حالی که حکومت، از سپاه شام حمایت می‌کرد و تجهیزات لازم را به آنها می‌داد. البته توّابین از این موضوع آگاه بودند؛ ولی چون قیامشان یک عمل انتحاری و برای پاک شدن از گناهان بود به زیاد بودن نیروهای اموی توجهی نداشتند

4. توّابین به دنبال تشکیل یک حکومت مستقل دارای قدرت و سیادت نبودند؛ بلکه تنها هدفشان انتقام از قاتلان سید الشهداء- علیه السلام - بود؛ در حالی که هدف مختار، تشکیل یک حکومت مستقل بود که در سایه آن، مجرمان و قاتلان امام حسین- علیه السلام - کشته شوند.

5. قیام مختار از تأیید محمد بن حنفیه، برادر امام حسین- علیه السلام - بهره می‌گرفت و ابن‌حنفیه به مختار اجازه داده بود که به خونخواهی برادرش به پا خیزد. به همین علت، افراد بسیاری به قیام مختار پیوستند و به رهبری‌اش اعتراف کردند؛ در حالی که چنین تأییدی در قیام توّابین دیده نمی‌شود.

توّابین و حکومت کوفه

حکومت محلی کوفه زیر نظر حکومت مرکزی ابن زبیر بود و عبدالله بن یزید انصاری، والی آن و ابراهیم به محمد بن طلحه، مسئول جَطّوئی خراج بود. حرکت توّابین باعث رضایتمندی حکومت محلی کوفه شد؛ زیرا این قیام باعث تضعیف حکومت مرکزی اموی از نظر نظامی و اقتصادی می‌شد و این برای حکومت ابن زبیر و والیانش خوشایند بود

همچنین ضعف قیام توّابین به سود ابن‌زبیر بود؛ زیرا او از امیرمؤمنان- علیه السلام - بغض شدیدی در دل داشت. پس ضرری که به شیعیان می‌رسید برای حکومت ابن‌زبیر پیروزی محسوب می‌شد.

به هر حال، توّابین با استقبال عبدالله بن یزید، والی کوفه از جانب ابن‌زبیر روبه‌رو شدند؛ ولی او هیچ کمکی به آنان نمی‌کرد.

آنان با کمبود اموال و اسلحه روبه‌رو بودند؛ ولی عبدالله بن یزید فقط به ترغیب و تشویق آنان اکتفا می‌کرد و به آنان اطلاع داد که عبیدالله بن زیاد قاتل امام حسین- علیه السلام - برای تصرف کوفه در حال حرکت است و بر آنان واجب است به خونخواهی امام- علیه السلام - با او مبارزه کنند.^{xxi}

اعلام قیام توّابین

هنگامی که روز اعلام قیام توّابین [روز اول ربیع الثانی 65 ق] فرا رسید، سلیمان به حکم بن منقذ کنندی و ولید بن عصیر کنانی دستور داد در خیابان‌های کوفه، شعار «یا لثارات الحسین» را سر دهند.

این شعار مانند صاعقه بر فاسقان و مجرمان که در کشتن امام حسین- علیه السلام - نقش داشتند فرود آمد، و باعث شادی دلهای شیعیان شد

عبدالله بن حازم چون این شعار را شنید به سرعت لباسهایش را پوشید و زره و لباس جنگی را بر تن کرد، همسرش تعجب کرد و به او گفت: دیوانه شده‌ای؟ پاسخ داد: خیر، ولی صدایی شنیدم که ما را به سوی خدا دعوت می‌کند، من آن را اجابت می‌کنم و به دنبال خونخواهی امام حسین- علیه السلام - هستیم تا بمیرم.

همسرش ملتسمانه به او گفت: خانواده‌ات را به که می‌سپاری؟

وی با حرارت ایمان پاسخ داد: به خدا!

سپس گفت: خدایا! فرزند و اهل‌م را به تو سپردم، آنان را حفظ کن و توبه‌ام را برای کوتاهی در یاری فرزند دخت رسول خدا- صلی الله علیه و آله - بپذیر.^{xxii} این‌گونه می‌توان به پشیمانی مردم از یاری ندادن امام حسین- علیه السلام - پی برد.

میعاد در کربلا

اولین جایی که توّابین در ابتدای مسیرشان به آن رفتند، مرقد سید الشهداء- علیه السلام - بود. آنان در آنجا به شدت گریستند و به درگاه خداوند تضرع کردند که از گناهشان بگذرد

سپس کنار قبر ایستادند و فریاد برآوردند: خدایا! شاهد باش که ما بر دین آنها هستیم و دشمن قاتلان آنها هستیم. خدایا! ما فرزند دختر پیامبران را یاری ندادیم، پس ما را بیامرز و توبه ما را قبول کن و حسین- علیه السلام - و اصحاب شهید و صدیقش را بیامرز. خدایا! ما تو را شاهد می‌گیریم که بر دین آنها هستیم و به آنچه آنان برای آن کشته شدند معتقدیم

سپس گفتند: (وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^{xxiii} «اگو بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود»^{xxiv}

و هب بن زعمه جعفی^{xxv} در کنار قبر ایستاد و به شدت گریست و اشعار عبیدالله بن حرّ جعفی را خواند

تَبَيْتُ النَّشَاوِي مِنْ أُمَّيَّةٍ نَوْمًا
وَمَا صَيَّعَ الْإِسْلَامَ إِلَّا قَبِيلَهُ
وَأَصْحَتْ قِ نَاهُ الدِّينِ فِي كَفِّ ظَالِمٍ
فَأَقْسَمْتُ لَا تَنْقُكَ نَفْسِي حَزِينَةً
حَيَاتِي أَوْ تَلْفِي أُمَّيَّةَ حَزِينَةً
وَ بِالطَّفِّ قَتْلِي مَا يَنَامُ حَمِيمُهَا
تَأَمَّرَ تَوَكَّاهَا وَدَامَ تَعِيمُهَا
إِذَا عَوَّجَ مِنْهَا جَانِبٌ لَا يُقِيمُهَا
وَ عَيْتِي تَبْكِي لَا يَجِفُّ سُجُومُهَا
يَذِلُّ لَهَا حَتَّى الْمَمَاتِ قُرُومُهَا؛

بني امیه از شدت مستی و خوشحالی به خواب می روند و دوستانداران کشته های کربلا، شب را نمی خوابند. اسلام را تباه ساخت، جز قبيله اي که سفیهانشان فرمانروايي مي کنند و نعمتشان پایدار است. دين در دست ظالمني افتاده که اگر نیاز به اصلاح باشد نمی تواند اصلاح کند. قسم خورده ام که همیشه اندوهگین باشم و چشمانم همیشه گریان و اشکهایشان خشک نشود. یا جانم را از دست می دهم یا امیه خوار می شود، و سران آن تا دم مرگ ذلیل و خوار باشند.

عبدالله بن احمر با اشعار انقلابی اش حماسه را در توأیین ایجاد کرد و سرود

صَحَوْتُ وَوَدَعْتُ الصِّبَا وَالْعَوَانِيَا
وَقَوْلُوا لَهُ إِذْ قَامَ يَدْعُو إِلَى الْهُدَى
وَ قُلْتُ لِأَصْحَابِي أَجِيبُوا الْمُنَادِيَا
وَ قَبِلَ الدُّعَا لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا

به هوش آمدم و جواني و دختران زيبا روي را رها ساختم، و به ياران خود گفتم: فرياد منادي را پاسخ دهيد و چون منادي به سوي هدايت دعوت کرد، او را اجابت کنيد؛ بلکه قبل از نداي او لبیک بگويد

سپس شاعر، مردم را به تأمل در شهادت امام و آنچه از سختیها در این راه کشید فرا میخواند و میگوید:

فَاصْحِي حُسَيْنَ لِلرَّمَاحِ دَرِيئَةً
فَيَا لَبَيْتِي إِذْ ذَاكَ كُنْتُ شَهِيدَةً
سَقَى اللَّهُ قَبْرًا صَمِيمًا الْمَجْدَ الثَّقِيَّ
وَ عُودِرَ مَسْلُوبًا لَدَى الطَّفِّ ثِيَابًا
فَصَارَبْتُ عَنْهُ الشَّانِيَةَ الْأَعَادِيَا
بِعَرِيَّةِ الطَّفِّ الْعَمَامِ الْعَوَادِيَا

امام حسين - عليه السلام - هدف نيزه ها قرار گرفت و او را پس از شهادت، غارت کردند و رها ساختند. اي كاش! آنجا نزد او بودم و بدخواهان و دشمنانش را با شمشير می زد. خداوند، قبري را که در کربلا قرار دارد و تقوي و بزرگي را در خود جاي داده با ابرهاي پير آب سيراب سازد

سپس شاعر، امت اسلام را سرزنش می کند و میگوید:

فَيَا أُمَّةً تَاهَتْ وَضَلَّتْ سَفَاهَةً
آيِنُوا فَأَرْضُوا الْوَالِدَ الْمُتَعَالِيَا

اي امتي که به سفاهت گمراه گشتيد، توبه کنيد و خدای متعال را راضي کنيد^{xxvi}

این شعر و امثال آن، توأیین را تشویق کرد تا برای از بین بردن قاتلان امام حسین-علیه السلام - کوشش کنند.

توأیین در حالی قبر ابي عبد الله-عليه السلام - را ترك کردند که غرق در پشيماني و اندوه بودند

در عين الورده

توأیین در مسیر خود براي جهاد از بيابانها گذشتند و عبد الله عوي در حالی که جلوي سپاه حرکت مي کرد اين اشعار را خواند:

خَرَجَنَ يُلْمَعْنَ بِنَا أَرْسَالًا
تُرِيدُ أَنْ تَلْقَى بِهَا الْأَقْبَالَ
وَ قَدْ رَفَضْنَا الْأَهْلَ وَالْأَمْوَالَ
نُرْخُو بِهِ التَّحْفَةَ وَالنُّوَالَ
عَوَاسِيَا يَحْمِلُنَا أَبْطَالَ
الْقَاسِطِينَ الْعُدْرَ الصُّلَالَ
وَالْحَفَرَاتِ الْبَيْضَ وَالْجِجَالَ
لِنُرْضِيَ الْمُهَيِّمِينَ الْمُفْضَالَ

شترهاي ژولیده موي و روشن در حالی که فهرمانان را بر پشت دارند، خارج شدند مي خواهيم به وسيله آنها با عهدشکنان منحرف، خيانتکار و گمراه، مبارزه کنیم. اموال، فرزندان و کنيزان با حيا و سفيدروي و حمله ها را رها ساختيم. با اين کارمان اميد داريم که تحفه و توشه اي داشته باشيم تا خداوند را راضي کنیم.^{xxvii}

این شعر حماسي که نزد توأیین رایج بود، آنان را به مبارزه تشویق کرد

آغاز جنگ

سپاه توأبین به عین الورد رسیده و آنجا اردو زدند مدت زیادی نگذشت که سپاهیان شام به رهبری ابن‌مرجانہ خبیث نیز به آنجا رسیدند جنگی شدید بین آنان در گرفت و توأبین از خود، شجاعت و مقاومت بی نظیری نشان دادند. سلیمان بن صُرد، رهبر توأبین در حالی که آنان را به جنگ تشویق می کرد و به مغفرت و رضوان خدا بشارت میداد، در شهادت‌طلبی، پیشتاز بود و این اشعار را با صدای بلند می‌خواند:

أَلَيْكَ رَبِّي تَبْتُ مِنْ دُنُوبِي وَ قَدْ عَلَانِي فِي الْوَرَى مَشِيْبِي
فَارْحَمْ عَبْدًا غَيْرَ مَا تَكْذِبُ وَأَعْفِرْ دُنُوبِي سَيِّدِي وَ حَوْبِي

خدایا! از گناهان خویش توبه می‌کنم در حالی که پیری مرا فرا گرفته، به بندت رحم کن و او را تکذیب مکن خدایا! گناه و معصیتم را بیامرز.^{xxviii}

تیرها مانند باران به سوی او فرود آمد و به شهادت رسید که مخلصانه توبه کرد و دینش را خالص ساخت خداوند وی را ببخشد و از گناهانش بگذرد. سپس مسیب بن نجبه با رشادت بی نظیری جنگید و در میدان شرف و کرامت شهید شد. پس از آن بیشتر بزرگان توأبین شهید شدند و جانیشان را با اخلاص نثار کردند.

پایان جنگ

توأبین به علت نداشتن تجهیزات نظامی و اقتصادی نتوانستند به جنگ ادامه دهند؛ در نتیجه شبانه، میدان جنگ را ترک کردند و به وطن خویش بازگشتند. شهادت سران توأبین، موجی از غم و اندوه را در میان شیعیان به جا گذاشت

سپاهیان توأبین از سوی کربلا بدون توجه به مرگ به سوی ابن زیاد حرکت کردند بعضی از آنها برای رسیدن به اجر و ثواب متقین، و بعضی برای توبه از گناه، رفتند. سپاه شام پی در پی مانند امواج دریا از هر طرف به سوی آنها آمد در آنجا ماندند تا اینکه تار و مار شدند و جز گروه اندکی زنده نماند

دکتر یوسف خلیف می‌نویسد: نتیجه این قیام هر چه باشد، در این مطلب هیچ شکگی وجود ندارد که قیام توأبین، بزرگ‌ترین قهر شیعه پس از شهادت امام علی- علیه السلام - است که خاکستر را از شعله شیعیان کنار زد و آتش آنان را شعله ور و زمینه را برای سقوط امویان هموار ساخت و راه را برای قیام مختار که بزرگ‌ترین قیام شیعیان بود مهیا نمود^{xxix}

جمع‌بندی

قیام توأبین با شکست مواجه شد؛ اما بار دیگر، روح جهاد و مبارزه در جامعه اسلامی دمیده شد. این قیام توانست به سهم خود پایه‌های نظام سلطه را متزلزل کند و امویان را با نابودی مواجه سازد

حرکت توأبین قیامی بهنگام در حمایت از قیام عاشورا نبود و نتوانست آن گونه که باید دین خود را به این انقلاب بزرگ برآورده سازد؛ اما این حرکت تأثیر زیادی در بزرگداشت نام و یاد شهیدان کربلا و بزرگداشت خط جهاد داشت و برای تاریخ این پیام بزرگ را دارد که باید تا وقتی ندای مظلومیت بلند است به دفاع از مظلوم پرداخت نه پس از او

فهرست منابع

1. ابن اثير جزري، عز الدين ابو الحسن علي بن محمد، **الكامل في التاريخ**، دار الكتاب العربية، بيروت، چاپ دوم، 1378 ق.
2. ابن الحزم الأندلسي، ابو محمد علي بن احمد بن سعيد، **المجهره انساب العرب**، دارالمعارف، مصر، چاپ سوم، 1391 ق.
3. بلاذري، احمد بن يحيى بن جابر، **انساب الاشراف**، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، 1394 ق.
4. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير بن يزيد، **تاريخ طبري**، مؤسسه عزالدين، بيروت، چاپ سوم، 1413 ق.
5. طوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، **رجال الطوسي**، مطبعة الحيدرية، نجف، چاپ اول، 1381 ق.
6. قرشي، باقر شريف، **مختار الثقفي**، دار الثقليين، قم، 1431 ق.
7. مجلسي، محمد باقر، **بحار الانوار**، مؤسسة الرسالة، بيروت، 1403 ق.
8. مسعودي، ابو الحسن علي بن الحسين، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابو القاسم پاينده، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، 1360 ش.

شیوه های برخورد امام حسن عسکری-علیه السلام - با انحرافات

سیدجواد حسینی

چکیده:

امام حسن عسکری-علیه السلام - در دوره امامت، با گروه هایی رو به رو بودند که هر یک به نوبه خود، انحرافی عظیم در دین ایجاد می‌کردند؛ از این رو در برخورد با این گونه انحرافات، دو روش غیرمستقیم و مستقیم را پیش گرفتند و با تلاش وسیع علمی و پرورش شاگردان و همچنین توجیه و راهنمایی بزرگان شیعه در روش غیرمستقیم و برخورد با غلات، صوفیان، ثنویه و... در روش مستقیم و معرفی جانشین خود، از انحرافات بسیاری در دین جلوگیری کردند

کلید واژه:

امام حسن عسکری-علیه السلام - ، برخورد غیرمستقیم، برخورد مستقیم، منحرفان.

امام حسن عسکری- علیه السلام - ، در عصری زندگی می کرد که گروه های مختلفی از غلات، صوفیه، ثنویه و ... اختلافهای بسیاری را در دین وارد کرده بودند، حتی برخی از شیعیان، در امامت ایشان دچار تردید شدند تا آنجا که امام-علیه السلام - فرمود: «مَا مَنِيَّ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي بِمِثْلِ مَا مَنِيْتُ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعَصَاةِ فِيَّ فَإِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْرًا أَعْتَدْتُمُوهُ وَدِنْتُمْ بِهِ إِلَيَّ وَقَدْ تَمَّ بَيْنَ قَطْعِ فَلْسِكِ مَوْضِعٍ وَإِنْ كَانَ مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَتْ أُمُورُ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى هَذَا الشُّكِّ»^{xxx} هیچ یک از پدرانم، آن گونه که من گرفتار تردید [گروهی از] شیعیان خود شدم مورد تردید واقع نشدند. اگر این موضوع [امامت] که شما به آن معتقد و پایبندید موقت و منقطع بود، جای شک و تردید داشت، و اگر امامت امری پیوسته و مستمر است [که چنین است] تا زمانی که امور الهی جریان دارد [پا برجاست]، دیگر این شک و تردید چه معنایی دارد؟.

حضرت برای بیرون رفتن از این بحران و برخورد با منحرفان برنامه‌های وسیعی را ترتیب داد که به اهم آنها اشاره می‌شود:

روشهای برخورد امام حسن عسکری- علیه السلام - با منحرفان

الف. برخورد غیرمستقیم

برای از بین بردن انحرافات در جامعه، باید فرهنگ‌سازی کرد. این کار در واقع مبارزه ریشه‌ای و غیرمستقیم با انحرافات است. حضرت عسکری- علیه السلام - در این زمینه برنامه‌های زیر را اجرا کردند:

1. تلاش وسیع علمی: همچون تربیت شاگردان، تشویق نویسندگان، تألیف کتب توسط خود آن حضرت و شاگردانش، پاسخ به شبهات^{xxxii} و

2. توجیه و راهنمایی بزرگان شیعه

الف. «محمد بن حسن میمون» می گوید: به امام عسکری- علیه السلام - نامه ای نوشتم و از فقر و تنگدستی شکایت کردم؛ ولی بعد با خود گفتم: امام صادق- علیه السلام - فرمود: «فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران و کشته شدن با ما بهتر از زنده ماندن با دشمنان ما است»

حضرت عسکری- علیه السلام - در پاسخ نوشتند: هرگاه گناهان دوستان، زیاد شود، خداوند آنها را به فقر گرفتار می کند و گاهی از گناهان بسیاری گذشت می کند، همچنان که پیش خود گفته ای: فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است. ما برای کسانی که به ما پناهنده شوند، پناهگاهییم «و نُورٌ لِمَنْ اسْتَبَصَّرَ بِنَا وَ عِصْمَةٌ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِنَا، مَنْ أَحْبَبَنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّامِ الْأَعْلَى وَ مَنْ انْحَرَفَ عَنَّا فَالَى النَّارِ»^{xxxiii} و برای کسانی که از ما هدایت و بصیرت بجویند، نوریم، و ما نگهدار کسانی هستیم که [برای نجات از گمراهی] به ما پناه آورده اند، هر کس ما را دوست بدارد، در رتبه بلند [تقریب به خدا] با ما می بلشد و کسی که از ما جدا شود، به سوی آتش خواهد رفت»

ب. نامه حضرت- علیه السلام - به «علی بن حسین بن بابویه قمی»، یکی از فقهای بزرگ شیعه که در آن، بعد از ذکر توصیه‌ها و رهنمودها می فرماید: «عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ ... فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ يَا أَمْرَ حَمِيْعٍ شَيْعِيَّتِي بِالصَّبْرِ»^{xxxiii} صبر کن و منتظر فرج باش ... ای شیخ من! ای ابوالحسن! بر کار همه شیعیان ما صبر کن ...»

3. استفاده وسیع از علوم غیبی: «محمد بن عیّاش» می گوید: چند نفر بودیم که در مورد کرامات امام عسکری- علیه السلام - با هم گفتگو می کردیم. فردی ناصبی [دشمن اهل بیت] گفت: من نوشته ای بدون جوهر برای او می نویسم، اگر آن را پاسخ داد، می پذیرم که او بر حق است. مسائل خود را نوشتیم. ناصبی نیز بدون جوهر، مطلب خود را نوشت و آن را با نامه‌ها به خدمت امام- علیه السلام - فرستادیم. حضرت پاسخ سؤالهای ما را مرقوم فرمود و روی برگه فرد ناصبی، اسم او و اسم پدرش را نوشت! ناصبی چون آن را دید، از هوش رفت، و چون به هوش آمد، حقانیت حضرت را تصدیق کرد و در زمره شیعیان ایشان قرار گرفت.^{xxxiv}

ب. برخورد مستقیم با منحرفان

1. برخورد با غلات

«غلات» کسانی هستند که قائل به الوهیت امام یا امامان بوده‌اند.

شخصی به امام عسکری- علیه السلام - نوشت: «فدایت شوم! ای آقای من! «علی بن حسکه»^{xxxv} ادعا می کند که از دوستان شما است و می گوید: شما اول و قدیم هستی، و اینکه او باب شما و فرستاده شما است و شما امر فرموده ای که مردم را به این امر دعوت کند، و اعتقادش این است که تمام نماز، زکات، حج و روزه، معرفت شما و کسانی چون علی بن حسکه است که ادعای بابیت و نبوت دارد. چنین فردی مؤمن کامل است که بندگی با نماز و روزه و حج از او قطع می گردد. او می گوید: تمام شرایع دین؛ یعنی آنچه که برای شما ثابت است، برای او نیز ثابت می باشد. مردمان زیادی به او گرایش پیدا کرده اند، از این رو منت گذارید و به دوستان خود جواب دهید تا آنان را از هلاکت برهانید

حضرت عسکری- علیه السلام - نوشت: «كَذَبَ ابْنُ حَسَكَةَ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ يَحْسَبُكَ أَيُّيَ لَا أَعْرِفُهُ فِي مَوَالِي مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ فَوَ اللَّهُ مَا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ الْأَنْبِيَاءَ قَبْلَهُ إِلَّا بِالْحَقِيقَةِ وَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ، وَ مَا دَعَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - إِلَّا إِلَى اللَّهِ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ كَذَلِكَ تَحْنُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ عِبِيدُ اللَّهِ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، إِنْ أَطَعْنَا رَحِمْنَا وَ إِنْ عَصَيْنَاهُ عَذَّبْنَا، مَا لَنَا عَلَى اللَّهِ مِنْ حُجَّةٍ بَلِ الْحُجَّةُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ يَقُولُ ذَلِكَ وَ أَنْتَ فِي إِيَّايَ مِنَ هَذَا الْقَوْلِ، «فَاهْجُرُوهُمْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ» وَ أَلْجُوهُمْ إِلَيْكَ ضَيْقِ الطَّرِيقِ! فَإِنْ وَجَدْتَ مِنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ خَلْوَةً فَاحْرَسْ»^{xxxvi} رأسه بالخجر^{xxxviii} این حسکه دروغ گفته است، خدا او را لعنت کند. تو را همین بس که من او را جزء دوستانم نمی‌شناسم. چه شده است او را؟ خدا لعنتش کند، پس به خدا سوگند! خداوند، محمد- صلی الله علیه و آله - و انبیاء قبلش را جز به [دین] حنیف [و ابراهیمی] و نماز، زکات، روزه، حج و ولایت مبعوث نکرد، و محمد- صلی الله علیه و آله - جز به خدای یگانه بی شریک دعوت نکرد، و همچنین ما اوصیای از نسل او، بندگان خدا هستیم و چیزی را شریک او قرار نمی‌دهیم. اگر از خدا اطاعت کنیم، مورد رحمت او قرار می‌گیریم و اگر معصیت نماییم، عذابمان می‌کند. ما بر خدا دلیل و حجتی نداریم؛ بلکه خداوند بر ما و تمام مخلوقاتش حجت دارد. بیزار می‌جویم به سوی خدا از

آنچه او [ابن حسکه] می گوید و به خدا پناه می برم از این نوع سخن، پس از آنان دوری کنید، خدا آنها را لعنت کند! عرصه را بر آنها تنگ کنید. اگر جای خلوتی یکی از آنها را یافتی، با سنگ سر او را مجروح کن!»

2. برخورد با صوفیه

گروه صوفیه در طول تاریخ با لباس دین، در مقابل امامان قرار گرفتند و همیشه صف آنها از اهل بیت-علیهم السلام- و عرفایی که به حقیقت پیروان اهل بیت-علیهم السلام- بودند، جدا بوده است، از این رو امامان معصوم-علیهم السلام- شدیداً با آنها برخورد می کردند و مردم را از خطر انحرافات آنان، بر حذر می داشتند.

امام حسن عسکری-علیه السلام- فرمود: «سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى النَّاسِ وَجُوهُهُمْ صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَفُلُوبُهُمْ مُظْلِمَةٌ مُنْكَدِرَةٌ، السُّنَّةُ فِيهِمْ بَدْعَةٌ وَالْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ، الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُمْ مُحَقَّرٌ وَالْفَاسِقُ بَيْنَهُمْ مُوقَّرٌ، أَمْرًاؤُهُمْ حُجَّ أَهْلُونَ جَائِرُونَ وَعُلَمَاؤُهُمْ فِي أَبْوَابِ الظُّلْمَةِ [سَانِرُونَ] أَعْيَانًاؤُهُمْ يَسْرِقُونَ زَادَ الْفُقَرَاءَ وَاصْغَرَهُمْ بَتَقَدَّمُونَ عَلَى الْكِبَرَاءِ وَكُلُّ جَاهِلٍ عِنْدَهُمْ خَيْرٌ وَكُلُّ مُجِبِلٍ عِنْدَهُمْ فَقِيرٌ لَا يُمَيِّزُونَ بَيْنَ الْمُخْلِصِ وَالْمُرْتَابِ لَا يَعْرِفُونَ الصَّانِ مِنَ الذَّنَابِ»^{xxxix} زمانی بر مردم بیاید که چهره های آنان خندان و شاد باشد؛ ولی دلپاشان تیره و تاریک، سنت [پیامبر و اهل بیت-علیهم السلام-] نزد آنها بدعت، و بدعت [و بی نمازی و...] در بین آنان سرت باشد. مؤمن بین آنها حقیر بوده، و فاسق [گناهکار] محترم و با وقار باشد. حاکمان آنها نادان و ستمگرند و علمای آنها به در [کاخها] و خانه های ستمگران رفت و آمد دارند [و درباری هستند]، ثروتمندان توشه فقرا را می دزدند، و کوچک ترها از بزرگ تر پیش می افتند، و هر نادانی نزد آنها اهل خیره به حساب می آید و هر آگاهی فقیر شمرده می شود. بین با اخلاص و شکاک فرق نمی گذارند و میس را از گرگها تشخیص نمی دهند».

سپس در ادامه فرمود: «عُلَمَاؤُهُمْ شِرَارٌ خَلَقَ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لِأَنَّهُمْ يَمِيلُونَ إِلَى الْفَلَسَفَةِ وَالتَّصَوُّفِ وَ إِيْمَ اللَّهِ إِنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ الْعُدُولِ وَ التَّحَرُّفِ يُبَالِغُونَ فِي حُبِّ مَخَالِفِنَا وَ يُضَلُّونَ شَيْعَتَنَا وَ مُوَالِنَا إِنْ نَالُوا مَنْصِبًا لَمْ يَشْبَعُوا عَنِ الرِّشَاءِ وَ إِنْ خَدَلُوا عَدَدُوا اللَّهَ عَلَى الرِّبَاءِ أَلَا إِنَّهُمْ قُطَاعُ طَرِيقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الدَّعَاةُ إِلَى نِحْلَةِ الْمُلْجِدِينَ فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ فَلْيَحْذَرْهُمْ وَ لِيَصُنْ دِينَهُ وَ إِيْمَانَهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَاهَا شِمِ هَذَا مَا حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ مِنْ أَسْرَارِنَا فَانْكُمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ»^{xl} علمای آنها بدترین مردم روی زمین می باشند؛ زیرا آنان میل به فلسفه و صوفی گری دارند. به خدا سوگند! آنها اهل عدول [از دین] و انحراف هستند. در دوستی مخالفین ما [اهل بیت-علیهم السلام-] زیاده روی می کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می کنند. اگر به مقامی رسیدند، از خوردن رُشوه سیر نمی شوند، و اگر خوار شدند [و به جایی نرسیدند] خدا را ریاکارانه عبادت می کنند. بیدار باشید! اینها راهزنان مؤمنان هستند و دعوت کننده به فرقه گمراهان [همچون صوفیه]. هر کسی آنها را درک کند، از آنها دوری نماید و دین و ایمان خود را [از خطر آنان] حفظ کند. سپس فرمود: ای اباهاشم! این حدیثی است که پدرم از پدرانم از جعفر بن محمد [حضرت صادق-علیه السلام-] نقل کرده است، و این از اسرار ما می باشد؛ پس آن را جز بر اهلیش آشکار نکن!»

نکته:

مراد از اهل فلسفه، یقیناً امثال ملاصدرا و علامه طباطبایی که تقویت کننده بنیاد دین و مدافع عقلانی معارف اهل بیت-علیهم السلام- بوده اند، نمی باشد؛ بلکه مقصود امثال «اسحاق کندی» است که از فلاسفه اسلام و عرب به شمار می رفت و در عراق اقامت داشت. او مدتهای زیادی در منزل نشسته و گوشه نشینی اختیار کرده بود و خود را به نگارش کتابی انحرافی مشغول داشت. روزی یکی از شاگردان او به محضر امام عسکری -علیه السلام- شرفیاب شد، هنگامی که چشم حضرت به او افتاد فرمود «آیا در میان شما مرد رشیدی وجود ندارد که گفته های استادتان «کندی» را پاسخ گوید»، شاگرد عرض کرد: ما همگی از شاگردان او هستیم و نمی توانیم به اشتباه استاد اعتراض کنیم. امام-علیه السلام- فرمود: «اگر مطالبی به شما تلقین و تفهیم شود، می توانید آن را برای استاد خود نقل کنید؟»، شاگرد عرض کرد: آری، سپس امام-علیه السلام- مطالبی را به او برای مقابله با استادش تعلیم فرمود.^{xli}

3. برخورد با ثنویه

فرقه دیگر در زمان حضرت عسکری-علیه السلام- ثنویه [دوگانه پرستها] یعنی همان مجوسها بودند که دو خدایی را پذیرفته بودند؛ یکی خالق خیرات که همان یزدان باشد و دیگری خالق شر که اهریمن است، پس یکی نور است و دیگری ظلمت.^{xlii} حضرت عسکری-علیه السلام- با این گروه نیز برخورد شدیدی داشت و خطر آنها را گوشزد می کرد.

مرحوم کلینی (نقل کرده است: اسحاق از محمد بن ربیع شبلی نقل کرده است که گفت: در اهواز با مردی از ثنویه م ناظره کردم و دلایل او بر ثنویت به نظرم قوی آمد، تا اینکه به «سَرِّ مَنْ رَأَى» [سامرا] رفتم، در حالی که در دلم چیزی از سخنان او مانده بود. کنار در خانه «احمد بن الخصب» نشستم. ناگهان دیدم ابومحمد [حضرت عسکری-علیه السلام-] از در عمومی، خارج شد. تا نگاهش به من افتاد، فرمود: «أَحَدٌ، أَحَدٌ، فَوَجَدَهُ؛ خدا یکی و یکتا است، پس تو هم یکی بدان!» تا این جمله را شنیدم، از هوش رفتم،^{xliii} [پس از به هوش آمدن با خود گفتم] چگونه حضرت از دلم خبر داد و مشکلم را حل کرد.

شخصی از امام حسن عسکری-علیه السلام- برای والدینش درخواست دعا نمود، در حالی که مادرش مؤمنه و پدرش ثنوی بود حضرت در جواب نوشت: «رَجِمَ اللَّهُ وَالِدَتَكَ وَ التَّاءِ مَنْقُوطَةٌ مِنْ قَوْي»^{xliiv} خدا مادرت را رحمت کند. و «تا» دارای نقطه از بالا است [یعنی «ت» دو نقطه است، نه «یا» که «والدیک» خوانده شود]. حساسیت شدید حضرت که علاوه بر دعا نکردن در حق پدر دوگانه پرست او، تصریح کرده اند که «یا» خوانده نشود، نشان می دهد که نباید در تأیید این گروه انحرافی کمترین اقدامی انجام گیرد

4. برخورد با منحرفان از امامت

گروهی از شیعیان به امامت «محمد بن علی» برادر حضرت عسکری-علیه السلام- در زمان حیات حضرت هادی-علیه السلام- اعتقاد پیدا کرده بودند. عده ای نیز تلاش می کردند این مسئله را تبلیغ و تثبیت نمایند، از جمله می توان به «ابن ماهویه» اشاره کرد که بعد از شهادت امام هادی-علیه السلام- این پندار را دستاویز قرار داده و به لحراف شیعیان از امامت حضرت عسکری-علیه السلام- پرداخت.^{xlv}

حضرت عسکری- علیه السلام - در این زمینه کارهای مهمی انجام داد که به اهم آنها اشاره می‌شود:

1. اثبات امامت خویش از طریق معجزات، کرامات و خبرهای غیبی وسیع^{xvii}
2. حفظ مسائل امنیتی درباره امامت خویش؛ «ابو هاشم داود بن قاسم» می‌گوید: چند نفر در زندان بودیم که امام عسکری- علیه السلام - و بردارش «جعفر» را وارد زندان کردند برای عرض ادب و خدمت به سوی حضرت رفتیم و گرد ایشان جمع شدیم در زندان، مردی ادعا می‌کرد که از علویان است. امام متوجه حضور وی شد و فرمود: اگر در جمع شما فردی که از شما نیست نبود، می‌گفتم که چه زمانی آزاد می‌شوید. سپس به آن مرد اشاره کرد تا بیرون رود، و او بیرون رفت.
- سپس فرمود: «این مرد از شما نیست، از او بر حذر باشید، او گزارشی از آنچه گفته اید برای خلیفه تهیه کرده و هم اکنون در میان لباس او است.» یکی از حاضران او را تفتیش کرد و آن گزارش را که درباره ما مطالب مهم و خطرناکی نوشته بود، کشف کرد^{xviii}
3. رفع شبهه از شکاکان؛ «علی بن محمد» می‌گوید: با جمعی از دوستان، از اهواز به سمت عراق حرکت کردیم. خلیفه را دیدیم که همراه ابومحمد [امام حسن عسکری- علی السلام -] به سمت بصره می‌رفتند. ما در «سُرَّ مَن رَأَى» [سامرا] منتظر برگشت آنها ماندیم.
- وقتی امام- علیه السلام - برگشت و نزدیک ما رسید، با یک دست کلاه خویش را از سر برداشت و در دست گرفت، و دست دیگر را بر سرش کشید و به چهره یکی از ما تبسم کرد. آن مرد [که حضرت به او تبسم کرد] بلافاصله گفت: «أَشْهَدُ أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ وَ خَيْرُهُ؛^{xviii} شهادت می‌دهم که تو حجت خدا و برگزیده او هستی.» گفتیم: فلانی! چه شده است؟ گفت: من در امامت او شک داشتم، با خودم گفتم: اگر برگشت و کلاه را از سر برداشت و دست دیگری را بر سر کشید و تبسم کرد [معلوم می‌شود امام بر حق است] و من به امامت او اعتراف می‌کنم.»
4. راهنمایی مردم توسط نامه؛ از جمله نامه حضرت- علیه السلام - به «اسحاق بن اسماعیل نیشابوری» است، که چون متن آن طولانی می‌باشد،^{xix} از آوردن کل آن صرف نظر می‌کنیم و فقط به نکات کلی موجود در نامه اشاره می‌کنیم:
1. ما که بر دوستان خود دلسوز و از احسان خداوند بر آنها شادمانیم. «نَحْنُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ نِعْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ عَلَى أَوْلِيَانَا وَ نَسْرٍ بِنَتَائِجِ إِحْسَانِ اللَّهِ؛ⁱ به حمد و نعمت الهی اهل بیتی هستیم که بر دوستان خود دلسوزی می‌کنیم و از احسان خداوند بر آنها شادمانیم»
2. «بزرگ ترین آرزوی ما اهل بیت، نجات شیعیان از آتش و رسیدن آنان به بهشت است»
3. بزرگ ترین آیت الهی حجت خدا [در زمین] است: «وَ آيَةٌ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ؛ و کدام آیه بزرگ تر از حجت خدا است.»
4. بزرگ ترین منت و نعمت خداوند بر شما، وجود امامان است «مَنْ عَلَيْكُمْ بِإِقَامَةِ الْأَوْلِيَاءِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ؛ با آوردن اولیا بعد از پیامبرتان بر شما منت نهاد»
5. هدایتها، نامه‌ها و وجود من در بین شما، از محبت‌های الهی بر شما است که [خداوند] خواسته است نعمتهای خود را بر شما تمام کند: «وَ لَوْلَا مَا يُجِبُّ اللَّهُ مِنْ تَمَامِ النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ لَمَا رَأَيْتُمْ لِي خَطَاً وَ لَأَسْمِعْتُمْ مِثِّي حَرْفًا ...؛ و اگر خدا اتمام نعمت از سوی خود برای شما را دوست نمی‌داشت، قطعاً نه خطی از من می‌دیدید و نه حرفی می‌شنیدید.»ⁱⁱ
6. باید نسبت به اهل بیت- علیهم السلام - علاوه بر محبت و اطاعت، حمایت مالی نیز داشته باشید. .
5. تعیین نشانه‌های جانشین خود
- «ابو الادیان» یکی از بزرگ ترین نامه‌رسانهای آن حضرت بوده است او می‌گوید: نامه‌های آن حضرت را به شهرها می‌بردم. در بیماری که امام با آن از دنیا رفت به خدمتش رسیدم. حضرت نامه‌هایی نوشت و فرمود: اینها را به مدائن می‌بری، پانزده روز در سامرا نخواهی بود، روز پانزدهم که داخل شهر شدی، خواهی دید که از خانه من ناله و شیون بلند است ...، عرض کردم: سرور من، امام بعد از شما کیست؟ حضرت سه نشانه ارائه فرمودند: نماز خواندن بر جنازه من، خبر دادن از نامه‌ها، و جواب دادن به زائران قمی، که هر سه در حضرت مهدی- علیه السلام - محقق شد.ⁱⁱⁱ

گرد ماتم بر رخ مهدی نشسته
بر پدر صاحب زمان یگرفته ماتم
نزد زهرا و پیمبر گشته مهمان

عسکری از دار فانی دیده بسته
گشته سامرا دوباره وادی غم
عازم جنگ شده با قلب سوزان

فهرست منابع

1. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب** - علیهم السلام -، انتشارات ذوی القربی، سوم، 1429ق/1387 ش.
2. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة فی معرفة الاثمة**، دار الكتاب الاسلامی، بیروت، 1401 ق/1981م.
3. پیشوایی، مهدی، **سیره پیشوایان**، مؤسسه امام صادق- علیه السلام -، قم، 1374 ش.
4. حرّانی، علی بن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول**، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، قم، 1382ش.
5. خوبی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحديث**، قم، چاپ پنجم، 1413ق.
6. طریحی، **مجمع البحرين**، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، 1375ش.
7. لطفی جمعه، محمد، **تاریخ فلاسفة الاسلام**، المكتبة العلمیة، بیروت، بی تا.
8. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دور، 1403 ق.
9. مجمع جهانی علوم اهل بیت، **اعلام الهدایة**، قم، چاپ اول، 1422ق.
10. محدّث نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ سوم، 1408ق.
11. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، **اثبات الوصیة**، المطبعة الحیدریه، نجف، 1374ش.

سید موسی مبرقع، شاخه ای از شجره نبوی و علوی

غلامرضا گلی زواره

چکیده

سید موسی مبرقع، دومین فرزند امام جواد- علیه السلام - ، در زمره امام زادگانی است که از کوفه به قم آمد . ایشان از مادری به نام «سمانه مغریبه» است و در سال 214 ق در روستای «صربا» از توابع مدینه النبی- صلی الله علیه وآله - دیده به جهان گشود و در بیت امامت به شکوفایی رسید. در سال 220 ق که امام نهم به بغداد فرا خوانده شد و سپس توسط همسر اولش، ام الفضل شهید گردید، موسی مبرقع شش ساله بود که بعد از شهادت پدر، تحت نظارت برادرش امام هادی- علیه السلام - به رشد فکری و معنوی رسید، و خالصانه مطیع برادرش گردید و علما و سؤال کنندگان را به ایشان ارجاع می داد. علما و محدثان شیعه، وثاقت، دیانت و انصاف موسی مبرقع را مورد تأیید قرار داده اند و شیخ کلینی، شیخ طوسی و شیخ مفید+ از او روایاتی نقل نموده اند.

موسی مبرقع در سال 256 ق به قم آمد و مورد توجه اصحاب ائمه، رؤسای شیعه و اقشار گوناگون قرار گرفت او در سال 296ق، رحلت نمود و در خانه اش دفن گردید. آرامگاه او و عده ای از افراد خاندانش در مجموعه «چهل اختران» قم می باشد.

کلید واژه

موسی مبرقع، شخصیت، خاندان، فعالیتها.

عوامل هجرت امامزادگان به ایران

عوامل متعددی در هجرت امامزادگان به ایران نقش داشته است؛ از جمله

1. سیاست سرکوب علویان در دوران بنی امیه و بنی عباس؛

2. علاقه، آگاهی و معرفت شیعیان ایران نسبت به ایشان؛

3. ایجاد شرایطی بهتر برای جذب نیرو علیه حاکمان وقت؛

4. هجرت امام رضا-علیه السلام- به خراسان در سال 200 ق؛

5. رحلت و دفن پیکر مطهر حضرت فاطمه معصومه-علیها السلام- در قم؛

6. فناخت در زندگی و عدم وابستگی به سرزمینی خاص در جهت تبلیغ دین از سوی امامزادگان؛

7. وجود افرادی در دستگاههای حکومتی و نیز اعراب مهاجر به ایران که شرایط را برای برنامه های ترویجی و تبلیغی و نیز مسائل مبارزاتی امام زادگان هموار می ساختند.ⁱⁱⁱ

بوستانی معطر در قم

شهر قم محل اجتماع یاوران مهدی موعود-علیه السلام- نامیده شده است.^{iv} رسول اکرم- صلی الله علیه و آله - و ائمه هدی، فضیلت قم را ستوده اند و به پیروان خود سفارش کرده اند به آنجا بروند؛ چرا که بلاها از آن دور شده است و اگر متجاوز یا ستمگری قصد تعرض به آن را داشته باشد، شکست می خورد.^v

قم غیر از این ویژگیها به لحاظ آب و هوا و شرایط جغرافیایی برای ساکنان حجاز و عراق محیط مناسبی بود و با روحیه آنان سازگاری داشت و نیز از نظر موقعیت ارتباطی، دور از مرکز خلافت عباسیان قرار داشت و می توانست برای سادات، محل امن تری باشد.^{vi}

مردم این دیار از اوایل فتح این شهر به دست مسلمانان، در زمره علاقه مندان خاندان پیامبر- صلی الله علیه و آله - به شمار آمده اند و همواره با کارگزاران اموی مبارزه می کردند.

مادری با فضیلت

امام جواد-علیه السلام- با کنیزی نیکو سرشت به نام «سمانه» از اهالی مغرب «مرا کش کنونی» واقع در شمال آفریقا، ازدواج کرد.^{vii}

اگر چه سمانه کنیزی بیش نبود؛ ولی این شایستگی و توفیق را داشت که در بیت امامت، دارای فرزندانی گردد که یکی از آنان به مقام با عظمت ولایت و امامت برسد.

آن بانوی گرانقدر به «سمانه مغریبه» و «سیده ام الفضل» معروف گردید. درباره نحوه انتخاب او از میان کنیزان متعدد آفریقایی آمده است: «محمد بن فرج» گفت: امام جواد-علیه السلام- مرا فرا خواند و فرمود: به زودی قافله ای از سوی مغرب به جانب حجاز می آید که در میان آنان کنیزانی می باشد، این هفتاد دینار را بگیر و جاریه ای اختیار کن! سپس حضرت مشخصات ظاهری و نشانه های آن جاریه را برای من تشریح کرد و افزود وقتی او را با آن مبلغ مالک شدی، برایم بیاور.

محمد گفت: من به فرموده امام عمل کردم و آن جاریه، «سمانه مغریبه» نام داشت!^{viii}

سمانه از خصال و کرامتهای اخلاقی ویژه ای برخوردار بود. ایشان اغلب روزها را روزه بود و شبها مدام به تهجد اهتمام داشت و این روش پسندیده، لباس تقوا و جامه زهد را برایش به ارمغان آورده بود. پرواپیشگی، وارستگی، صدق و اخلاصش مثال زدنی بود، در این امور به چنان درجه ای رسید که او را مادر فضیلت خطاب می کردند و چنان اهل سعادت گشت که به «سعیده» معروف شد. «محمد بن فرج» و «علی بن مهزیار» از حضرت امام هادی-علیه السلام- روایت کرده اند که ایشان در معرفی ما درش فرموده است: «مادرم به حق من معرفت دارد و اهل بهشت می باشد، به دلیل شدت ایمان و تقوا، شیطان جرأت ندارد به او نزدیک شود، نیرنگ و حيله اهل عناد، به وجودش زیان نمی رسد. خداوند متعال حافظ و نگهبان او است، و در زمره مادران صدیقین و صالحان قرار دارد.»^{ix}

عالم بزرگوار، مرحوم سید مرتضی در کتاب «عیون المعجزات» در منزلت این بانوی بزرگوار نوشته است: «وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِنَاتِ»^x او از بانوانی بود که در مقام عبادت خدا، نهایت خضوع و خشوع را داشت»

شکوفایی در بینی شکوهمند

حضرت امام جواد-علیه السلام- در سال 214 ق و دو سال بعد از میلاد امام هادی-علیه السلام- از سمانه دارای فرزندی گردید که از سوی والد بزرگوارش به نام جدش امام کاظم-علیه السلام-، موسی نامیده شد که طبق قانون وراثت از نیاکان خویش فصاحت و بلاغت در گفتار را به ارث برد، و در تقوا و عبادت نیز به امام هفتم-علیه السلام- شباهت زیادی داشت.

محل ولادت موسی، «صریا» در چند کیلومتری مدینه است. موسی را با کنیه «ابواحمد» صدا می زدند و چون بعدها نقابی بر صورت می افکند، به «موسی مبرقع» شهرت یافت.

آن وجود ارجمند در محیطی چشم به جهان گشود که فضایش از عطر دلانگیز دانش، معنویت، تقوا و اخلاص آکنده بود

موسی مبرقع، وارد ششمین بهار زندگی خود گردید، محرم سال 220 ق بود که پدرش از مدینه [بنا به فراخوانی اجباری خلیفه وقت] به بغداد آمد، هر چند این دعوت با احترام و تعظیم صورت گرفت؛ ولی در ورای آن نقشه‌ای نهفته بود. معتصم، خلیفه عباسی در مورد امام-علیه السلام - به شدت بیمناک بود و تصور می کرد مبادا در پرتو شخصیت بلند پایه و نفوذ اجتماعی و سیاسی او جنبشی علیه حکومت مرکزی شکل گیرد که بساط فرمانروایی او را تهدید کند این تخیلات به همراه دسیسه های اطرافیان معتصم موجب گردید تا خلیفه، امام-علیه السلام - را زیر نظر مستقیم خود قرار دهد، و موسی مبرقع مدت یازده ماه، دور از پدر در سرزمین حجاز به سر برد. سرانجام در اواخر ذیقعده سال 220 هجری، فاجعه ای بزرگ رخ داد که برای کودکی چون موسی که تازه شش سال داشت، فرساینده و غم افزا بود. آری، امام-علیه السلام - با توطئه معتصم و نیرنگ عمالش، توسط سم به شهادت رسید

ایام نوجوانی و جوانی

وقتی امام جواد-علیه السلام - به دعوت معتصم عباسی از حجاز به جانب عراق حرکت کرد، به جانشینی حضرت امام هادی-علیه السلام - به عنوان امام پس از خویش تصریح فرمود. روزی امام جواد-علیه السلام - او را که هشت ساله بود در آغوش گرفت و به وی فرمود: به چه چیزی علاقه داری تا از سرزمین عراق برایت به عنوان ارمغان بیاورم؟ امام علی النقی-علیه السلام - فرمود: شمشیری که چون آتش شعله ور گردد. سپس امام-علیه السلام - خطاب به موسی مبرقع که شش ساله بود فرمود: تو چه می خواهی؟ موسی عرض کرد: یک اسب سواری. امام جواد فرمود: «**أَشْبَهَیْ أَبُوالْحَسَنِ وَ أَشْبَهَ هَذَا أُمَّه**: ابوالحسن «امام هادی» به من شبیه است؛ اما موسی به مادرش سمانه شباهت دارد»^{lxi}

موسی مبرقع با تبعید پدر بزرگوارش به ب غداد و سپس شهادت آن حضرت-علیه السلام -، در غم فراغ پدر، با سختیهای زیادی روبه رو گردید. فضای سیاسی اجتماعی توأم با اختناق و فشار سیاسی که خلیفه وقت به وجود آورده بود، فرزندان امام جواد-علیه السلام - را آزرده می ساخت، علی رغم این مرارتها، موسی مبرقع در آن کویر استبداد و ستم به رشد و شکوفایی خود ادامه داد و کوشید با تحصیل معارف دینی و فراگیری احکام شریعت از برادر ارجمندش به کمالات بالایی دست یابد. رفته رفته به درجه ای ارتقا یافت که شیعیان، ایشان را به عنوان امام زاده ای نیکو خصال و آراسته به فضیلت می شناختند. گاهی عده ای از تشنگان علوم و معارف دینی، مسائل خود را از او می پرسیدند؛ ولی موسی مبرقع به دلیل منزلت فوق العاده ای که برای برادر خود امام هادی-علیه السلام - قائل بود، تلاش داشت در مسائل اساسی و زیر بنایی، مردم را به آن بزرگوار ارجاع دهد و خود نیز در پاسخ به برخی امور و احکام شرعی با برادر مشورت می کرد و از دیدگاهها و نظرات آن امام همام در این باره فیض می برد.

موسی مبرقع در روایتی گفته است که در دیوان عمومی با یحیی بن اکنم [دانشور و قاضی القضاة عباسیان] روبه رو شدم، او در مباحث دینی و اعتقادی مسائلی از من پرسید، من نزد برادرم، امام هادی-علیه السلام - رسیدم، میان من و ایشان گفتگوهایی رد و بدل شد که مرا در پیروی از او بصیر و آگاه کرد، عرض کردم: قربانت گردم، یحیی بن اکنم طی نامه ای که برایم نوشته، مسائلی از من پرسیده و خواسته است که پاسخش را بدهم. امام هادی-علیه السلام - تبسمی کرد و فرمود: جوابش را دادی؟، عرض کردم: خیر، امام پرسید آن سؤالها کدامند؟ آنها را یکی یکی بیان کردم و ایشان برای هر کدام پاسخهای مناسبی ارائه فرمود^{lxii}

از این ماجرا دو نکته به دست می آید: یکی آنکه موسی مبرقع مطیع و تسلیم امام هادی-علیه السلام - بوده و از منزلت آن حضرت، آگاهی داشته است، و دیگر اینکه خودشان به عنوان امام زاده ای متقی و دانشور نزد اهل علم و شخصیتهای معروف آن عصر، از شأن ویژه‌ای برخوردار بوده است

پرهیزگاری، امانت داری، درستی و راستی موسی مبرقع، خصالی بود که آنها را پورش حضرت امام جواد-علیه السلام - مورد تایید قرار می داد، به همین دلیل حضرت-علیه السلام - او را بعد از برادرش امام هادی-علیه السلام -، متولی موقوفات و صدقات خویش نمود، بدون آنکه برای کنترل برنامه ها و فعالیتها او ناظری ویژه در نظر بگیرد این موضوع در وصیت امام نهم-علیه السلام - دیده می شود.

علما و محدثان شیعه، به وثاقت، انصاف و دیانت موسی مبرقع، اذعان نموده و گفته‌های او را معتبر دانسته اند و روایاتی از ایشان نقل کرده و به مضامین آن به عنوان احادیثی قابل اطمینان توجه کرده و ترتیب اثر داده اند، ثقة الاسلام کلینی-رحمه الله - در کتاب معروف خود «کافی»، شیخ طوسی-رحمه الله - در «تهذیب الاحکام»، شیخ مفید-رحمه الله - در «الاختصاص» و ابن شعبه حرانی-رحمه الله - در «تحف العقول»، روایاتی را که ناقلش موسی مبرقع است آورده اند که حاکی از اعتبار آنها می باشد.

هرگامی که موسی مبرقع در حجاز و عراق به سر می برد، دوران پایانی حکومت مأمون را درک کرد. معتصم عباسی که 4 سال بعد از تولد او روی کار آمده بود، فردی سفاک و خونخوار بود و از علم و ادب بهره ای نداشت و برای حفظ قدرت، از هیچ گونه ستم و طغیانی کوتاهی نمی کرد، این خلیفه، هشت سال و هشت ماه حکومت کرد و در سال 227 ق و در 46 سالگی به دست ترکها به هلاکت رسید^{lxiii}

خلیفه بعدی که برای موسی مبرقع مشکل آفرینی می کرد و توسط کارگزاران خود در مدینه، فعالیتها و این عالم متقی را زیر نظر می گرفت، «الواثق» است. او از سال 227 ق، قریب به شش سال فرمانروایی کرد و چون مدام به عیاشی، شهوترانی و خوشگذرانی مشغول بود و در اداره امور کفایت لازم را نداشت، اداره کشور را به «احمد بن داود»، قاضی القضاة و «محمد بن عبدالملک زیات»، وزیر و منشی خود، محول ساخت. افراط در شکمبارگی باعث مرگ وی در 37 سالگی شد.^{lxiv}

با روی کار آمدن برادر وثاق؛ یعنی متوکل عباسی که حکومتش حدود پانزده سال به درازا کشید، شرایط آشفته و نگران کننده ای که خلفای عباسی برای علویان به وجود آورده بودند، شدت گرفت

متوکل که ضمن قدرت طلبی و ستم‌گری نسبت به امام و اطرافیان او مدام در بیم و هراس به سر می‌برد، به اجبار حضرت را به سامرا فراخواند متوکل در سال 244 ق نیز موسی مبرقع را به بغداد احضار کرد و در شهر سامرا منزل داد تا او را همچون برادر بزرگوارش امام علی النقی- علیه السلام - زیر نظر داشته باشد.

موسی مبرقع تا زمان هلاکت متوکل در زندان خانگی، اوضاع مشقت‌باری را سپری کرد؛ ولی از یاری رساندن به برادر، فعالیت‌های ارشادی و ارتباط با شیعیان برگزیده، مضایقه نمی‌کرد.

با مرگ متوکل تا حدودی از اختناق عباسیان دربارهٔ علویان کاسته شد و چون اوضاع مقداری آرام گردید، موسی مبرقع در زمان «منتصر» عباسی که بعد از کشتن پدرش در 247 ق روی کار آمد، کوفه را محل اقامت، قرار داد. او در دوران زمامداری «مستعین» و «معتز» عباسی نیز در این دیار مشغول فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بود^{lxv}

هجرت به سوی قم

موسی مبرقع در هنگام امامت پدر و برادر خود مشاهده می‌کرد که شخصیت‌هایی از شیعیان قم با آن بزرگواران در ارتباط بودند و برخی از آنان طی سفر حج و یا مسافرت‌های ویژه در مدینه یا عراق به دیدار امام خود می‌شتافتند، دانست که قم در این زمان از مهم‌ترین مراکز شیعه به شمار می‌رود. «احمد بن محمد بن عیسی» که شیخ قمیها بود، از اصحاب امام جواد- علیه السلام - به شماره می‌رفت و از ایشان حدیث می‌کرد، «صالح بن محمد بن سهل» از اصحاب امام جواد- علیه السلام - نیز ساکن قم بود که موقوفات امام را بر عهده داشت، هم‌چنین موسی مبرقع می‌دانست که مردم قم توسط برخی از بزرگان شیعه با برادر او امام هادی- علیه السلام - ارتباط دارند و «محمد بن داود قمی» و «محمد طلحی» از این شهر، اموال و اخباری را به امام- علیه السلام - می‌رسانند.^{lxvi}

این امامزاده از زبان مبارک پدر و برادر خود در وصف قم و تحسین اهالی این شهر، نکاتی را شنیده و به خاطر سپرده بود.^{lxvii} مجموع این مسائل و دریافت اخباری از صدق، اخلاص و ارادت شیعیان قم نسبت به سادات و امامزادگان از یک سو و ستم غاصبان خلافت و سلاطین جور از جانب دیگر، موجبات هجرت موسی مبرقع به قم را فراهم ساخت. ولی برای آنکه کارگزاران عباسی متوجه این برنامه نگردند و توسط عمال عباسی در طول مسیر گرفتار نشود، به صورت ناشناس و در حالی که برقی به صورت افکنده بود، سرزمین عراق را به قصد ورود به ایران ترک کرد. استراتژی مذکور اثر بخش بود و بدون رویه رو شدن با خطر، این مسیر را پیمود سال مهاجرت ایشان را 256 ق نوشته‌اند، در این زمان او 42 ساله بود.^{lxviii} از آنجا که موسی مبرقع به شیوه‌های غیر عادی و ناشناخته و سیمایی پوشیده وارد قم شد، رؤسای عرب این شهر نه تنها از او استقبال نکردند؛ بلکه نسبت به ورودش بی‌اعتنایی نمودند و این مسافر جدید را با نوعی تردید می‌نگریستند و گویا تصور می‌کردند فردی از اغیار است که می‌خواهد در قم خ‌بر چینی کند و برای بزرگان این دیار درد سر به وجود آورد. موسی مبرقع نیز در آغاز، خود را معرفی نکرد، از این رو، رؤسای عرب قم به او پیغام دادند که باید هر چه سریع‌تر این مکان را ترک کنی و به جای دیگری بروی. موسی بدون درنگ، عازم شهر کاشان گردید و در این شهر «احمد بن عبدالعزیز بن دلف عجلی» که از نفوذ اجتماعی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و با تشکیلات اداری نیز ارتباط داشت و از شیعیان و علاقه‌مندان خاندان پیامبر- صلی الله علیه و آله - به شمار می‌رفت، موسی مبرقع را مورد اکرام و تجلیل قرار داد و خلعت‌های فراوان و چندتکه مرکب به او بخشید، و هر سال هزار مثقال طلا به او می‌داد تا در اموری که خود می‌داند مصرف کند، هم‌چنین اسب زین کرده‌ای به عنوان مقدری سالانه برایش تعیین کرد و به او تسلیم نمود

از آن پس «ابوالصدیم حسن بن علی بن آدم اشعری» و فرد دیگری از رؤسای طوایف عرب، پی به واقعیت بردند و به جستجوی موسی مبرقع پرداختند و برخی اهالی قم را از بابت این برخورد ناروا مورد سرزنش و ملامت قرار دادند. سرانجام در کاشان به محضر موسی مبرقع رسیدند و بعد از عذرخواهی‌های فراوان، از ایشان تقاضا کردند که به قم باز گردد. ایشان در آغاز نمی‌پذیرفت؛ ولی با اصرار فراوان، قبول کرد. فرزند امام جواد- علیه السلام - این بار در میان استقبال با شکوهی از شیعیان، وارد قم شد و در بدو ورودش، برای وی منزلی که بعدها پیکرش در آن دفن گردید و در محل کنونی چهل اختران قرار دارد، خریدند و در اختیارش نهادند، آنان به این برنامه اکتفا نکردند و چند سهم از برخی آبادیهای اطراف قم از جمله «هنبرد»، «اندریقان» و «کاریز» را به این سید بزرگوار واگذار نمودند و مبلغ بیست هزار درهم نیز به وی اهدا کردند.^{lxix}

در منابع تاریخی آمده است که چون عرب‌های ساکن قم به ابی جعفر موسی مبرقع پیغام دادند که باید از قم بیرون بروی، او نقاب از صورت افکند و خود را معرفی کرد، بزرگان قم، فرزند امام جواد- علیه السلام - را شناختند و منزل، سهام و اموال قابل توجهی به وی دادند؛ اما موسی مبرقع قصد کاشان کرد و نزد «عبدالعزیز بن دلف عجلی» رفت و مورد احترام این فرد در کاشان قرار گرفت و از خلعت‌ها و هدایای فراوان و قابل توجه او برخوردار گردید، سپس به قم بازگشت.^{lxx}

به گفتهٔ شیخ بهایی اولین فرد از سادات رضوی که از کوفه به قم قدم نهاد، موسی مبرقع، بوده است، «سید عبدالرزاق کمونه حسینی» نیز این مطلب را مورد تأیید قرار داده است.^{lxxi}

موسی مبرقع مدت چهل سال در قم اقامت داشت و به عنوان یکی از امامزادگان برجسته و با فضیلت و شاخه‌ای از شجرهٔ مبارک محمدی- صلی الله علیه و آله -، مورد تکریم علما، اصحاب ائمه و بزرگان و افشار گوناگون قم قرار داشت تا اینکه در شب چهارشنبه آخر دی ماه، مطابق 22 ربیع الثانی سال 296 ق، در سن 82 سالگی، دار فانی را وداع گفت. امیر قم، «عباس بن عمرو غنوی» بر پیکرش نماز خواند، و بعد از انجام تشریفات شرعی و تشییع با شکوهی با حضور علما، رؤسا و بزرگان شیعه و سایر علاقه‌مندان به خاندان ولایت، جنازهٔ پاک و مطهرش در سرای خود ش، در موضعی که امروز به مدفن او مشهور گردیده است، دفن شد.

برادران و خواهران

در تعداد خواهران و برادران موسی مبرقع بین علمای اهل تراجم اختلافاتی وجود دارد به گفتهٔ شیخ مفید- رحمه الله -، وی غیر از امام هادی- علیه السلام -، برادری نداشته است و «فاطمه» و «امامه» خواهران او هستند.^{lxxii} این شهر آشوب- رحمه الله - در مورد تنها برادر موسی، با شیخ مفید، هم عقیده است؛ ولی می‌افزاید: امام جواد- علیه السلام -، سه دختر به نامهای «خدیجه»، «ام کلثوم» و «حکیمه» داشته است.^{lxxiii} منابع دیگر متذکر گردیده‌اند که موسی مبرقع علاوه بر امام هادی- علیه السلام - دو برادر به نامهای «ابو احمد حسین» و «ابو موسی عمران» داشته است و «فاطمه»، «خدیجه»، «ام

کثوم» و «حکیمه خاتون» را به عنوان خواهرانش معرفی کرده اند. در آثاری دیگر، «زینب»، «ام محمد» و «میمونه» نیز در زمره خواهران این امامزاده برشمرده شده اند؛ اما پاره ای منابع گوشزد نموده اند که این سه بانوی اخیر، دختران موسی مبرقع بوده اند.

فرزندان و نوادگان

موسی مبرقع دارای رخساری زیبا و صورتی جذاب بود که رهگذران و افرادی را که با وی دیدار و ملاقات داشتند شیفته خود می نمود، البته او برای پنهان ساختن این زیبایی کمتر در انظار عمومی مشاهده می گردید و غالباً نقابی بر چهره می افکند، این ویژگی و سیرت و خصال عالی اخلاقی او به فرزندان و نوادگانش انتقال یافته بود.^{lxxiv} گفته اند: موسی مبرقع در کوفه با بانویی به نام «بریهه»، ازدواج کرد؛ اما عده ای این زن را دختر جعفر بن علی النقی-علیهما السلام - برادر امام حسن عسکری- علیه السلام - معرفی کرده اند که به ازدواج محمد، فرزند موسی مبرقع درآمد، برخی نیز ایشان را دختر موسی مبرقع معرفی کرده اند، شاید شباهت اسمی باعث این اظهارات گردیده باشد؛ اما «تاریخ کهن قم» [که منبعی معتبر است]، او را عروس موسی مبرقع دانسته است. این در حالی است که «سید عبدالرزاق کمونه حسینی» او را همسر موسی مبرقع نوشته و افزوده است: وقتی او رحلت کرد، در کنار مرقد شوهر خویش دفن گردید.^{lxxv}

به نوشته «تحفه الازهار»، موسی مبرقع دارای پنج پسر به اسامی: ابوالقاسم حسین، علی، احمد، محمد و جعفر بود. برخی او را صاحب دو پسر به نامهای «احمد» و «محمد» و چهار دختر به اسامی: زینب، ام محمد، میمونه و بریهه دانستند؛ اما تمامی تراجم نویسان اذعان داشته اند که او صرفاً دارای دو پسر به نامهای احمد و محمد بوده که البته نسل وی از طریق احمد ادامه یافته است. اولاد احمد نیز از پسرش «محمد اعرج» است.

«ابوعبدالله احمد بن محمد اعرج» سیدی جلیل القدر و فردی عابد، کریم و مأنوس با مردم بوده و نقابت سادات قم را بر عهده داشته است او در سال 311 ق در قم دیده به جهان گشود و سال 358 ق در چهل و هفت سالگی وفات کرد. از وی چهار پسر به نامهای: ابوعلی محمد، ابوالحسن موسی، ابوالقاسم علی و ابومحمد حسن و چهار دختر باقی ماند، که پسران بعد از ارتحال پدر به شهر ری رفتند و مورد حمایت «رکن الدوله دیلمی» قرار گرفتند و به قم باز گشتند، بعد از چندی «ابوعلی محمد» به خراسان رفت و مورد اکرام و احترام اهالی این دیار قرار گرفت، «ابوعلی قاسم» نیز به سوی این سرزمین هجرت کرد و آنجا اقامت گزید؛ اما «ابوالحسن موسی» در قم ماند و سیرتش با مردم به خوبی و نیکی بود و به شایستگی با اهالی رفتار می کرد. ویژگیهای اخلاقی وی موجب شد اهالی قم به او علاقه مند گردند و در میانشان چنان نفوذ و اقتداری به دست آورد که رئیس قمیها شد. وی در سال 370 ق به حج رفت و وقتی به مدینه آمد، بر عموزادگان خود، شفقتها نمود و به آنان خلعتها و عطایایی بخشید وقتی می خواست به قم بازگردد، مردم از ایشان استقبال شایسته ای به عمل آوردند.

ابوالحسن موسی که بسیار فاضل، فروتن و بردبار بود، نقابت سادات قم و نواحی مجاور از جمله کاشان و آبه را به دست آورد. چند پسر داشت، از جمله «ابوجعفر» که داماد «ابوالفتح علی» بوده است که وزیر «رکن الدوله دیلمی» و فرزند «ابوالفضل بن عمید» می باشد. عالم جلیل القدر «سید ابوالفتح عبید الله» فرزند دیگر ابوالحسن موسی است که شیخ منتجب الدین در «فهرست» خود او را عالمی مورد اطمینان، فاضل و پرهیزکار معرفی کرده است.^{lxxvi}

سادات رضوی و برقی

به گفته قاضی نورالله شوشتری در «مجالس المؤمنین»، نسبت سادات رضوی مشهد و قم، به «ابی عبدالله احمد نقیب» فرزند «محمد اعرج» فرزند «احمد» فرزند «موسی مبرقع» می رسد. سید نقیب امیر شمس الدین محمد که با سیزده واسطه به ابی عبدالله احمد نقیب می رسد، در زمان میرزا شاهرخ تیموری از قم به مشهد هجرت نمود و میرزا ابوطالب از اولاد اوست، امیر شمس الدین محمد مدتی از سوی فرمانروای تیموری به اداره امور شهر تبریز و نواح آن اشتغال داشت، فرزندان و نوادگانش در مشهد مقدس ساکن بوده اند.

سید اجل، سید محسن، فرزند «سید رضی الدین محمد» نیز از نسل موسی مبرقع است که نسب او از طریق محمد اعرج به احمد، فرزند موسی مبرقع، منتهی می گردد، مورخان و شرح حال نگاران، او را سیدی فاضل و با منزلت معرفی کرده اند. پدرش «سید رضی الدین محمد» در زمان «سلطان حسین بایقرا» از قم به مشهد مقدس رفت و در جوار بارگاه قدس رضوی اقامت گزید و به نشر حقایق و معارف آیین محمدی و ترویج فرهنگ اهل بیت رسول اکرم- صلی الله علیه وآله - پرداخت. دانشمند معروف «شیخ محمد بن ابی جمهور» به محضرش می رسید و برخی آثار خود را به نام وی مزین نموده است، در ایام اقامتش در مشهد رضوی، بحثهای علمی قانع کننده ای با افراد مخالف طریق اهل بیت پیامبر- صلی الله علیه وآله - صورت گرفت که در اصلاح عقاید و نگرشهای آنان مؤثر واقع گردید.

سادات منسوب به موسی مبرقع در قرون اولیه هجری قمری و اعصار بعد از آن از برترین و بهترین مردمان دوران خود بوده و در قم منشأ خدمات برجسته و برنامه های عمرانی و نظارت بر موقوفات بارگاه حضرت فاطمه معصومه- علیها السلام - بوده اند.^{lxxvii}

سادات رضوی، تقوی، برقی و رضایی، همگی از نسل محمد اعرج فرزند احمد بن موسی مبرقع اند که تا به امروز میان آنان دانشوران و افراد برجسته و صاحب کمالاتی برخاسته اند و اقشار گوناگون از چشمه فضايلشان جرعه ها نوشیده اند.^{lxxviii}

به گفته علمای نسابه و رجالی، از میان خاندان علوی از همه معروف تر و به لحاظ کثرت، طایفه رضوی یا رضویان هستند که از قرن سوم ق، همواره شهرت داشته اند و جمع کثیری از بزرگان و نقبای قم از این خاندان بوده اند. در قرن ششم ق، برجسته ترین فرد از این طایفه، «امیر شمس الدین سید ابوالفضل رضوی» بوده است، در قرون بعد نیز رضویان شهرت داشته اند و «میر سید علی رضوی»، معاصر شاه تهماسب و وزیر دارالسلطنه قزوین بود.^{lxxix}

مجموعه چهل اختران

این بقعه ها در شرق قم و در محله موسویها [چهل اختران]، خیابان آذر [طالقانی]، قرار دارند و متشکل از سه بنا هستند که قبلاً در دو صحن جداگانه قرار داشته و در قرن گذشته، آن دو را به هم پیوسته و آنها را گرد یک صحن قرار داده اند. این ابنیه از آثار قرن نهم و دهم ق هستند که به ترتیب قدمت به این شرح اند: بقعه شاهزاده زید، منسوب به «زید بن علی بن الحسین»، در ضلع غربی صحن مزبور که در سال 847 ق ساخته و پرداخته شده است. بقعه

«محمد بن موسی مبرقع» در ضلع شرقی که تزئینات هنری آن از نیمهٔ قرن نهم ق است بقعهٔ چهل اختران که بنای آن وابسته به خاندان موسی مبرقع و از ساخته‌های عصر صفوی است.

گنبد و بارگاه موسی مبرقع، در زمان شاه طهماسب صفوی تعمیر گردید؛ اما آثار کهن آن فرسوده گردیده و فقط ضریحی مشبک از چوب در وسط بقعه زیر گنبد باقی مانده است؛ تاریخ تعمیر جدید آن، سال 1333 شمسی می باشد؛ ولی اخیراً نسبت به عمران این بنا کوشیده‌اند.

در صحن و سرای مجموعهٔ چهل اختران، عده‌ای از علما، صالحان و مومنین مدفون گردیده‌اند.^{lxxx}

فهرست منابع

1. آقا بابایی، رضا، **آثار تاریخی و فرهنگی قم**، زائر، قم، چاپ اول، 1384 ش.
2. آل یاسین، شیخ محمد حسین، **تاریخ حریمین کاظمین**، ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره امام رضا- علیه السلام -، مشهد، 1371 ش.
3. ابن شهر آشوب، ابوعبدالله محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علامه، قم، بی تا.
4. ابن عنبه، **عمدة الطالب فی انصاب ابی طالب** انصاریان، قم، 1417 ق/ 1996 م.
5. احمدی بیرجندی، احمد، **چهارده اختر تابناک**، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ سوم، 1366 ش.
6. اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمة فی معرفة الائمة**، تصحیح سید ابراهیم میانجی، با ترجمه فخرالدین علی بن حسین زواری به نام ترجمه المناقب و مقدمه میرزا ابوالحسن شعرانی، اسلامیة و نشر ادب حوزه، تهران، بی تا.
7. بخاری، ابی نصر، **سر السلسلة العلویة**، [تعلیق سید محمد صادق بحر العلوم]، مطبعة الحیدریة، نجف، 1381 ق.
8. بیگ منشی، اسکندر، **عالم آرای عباسی**، امیرکبیر، تهران، 1334 ش.
9. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، **بناهای آرامگاهی**، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1378 ش.
10. جعفریان، رسول، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، 1372 ش.
11. جمعی از نویسندگان، **ستارگان حرم**، زائر، قم، چاپ اول، 1377 ش.
12. حرانی، علی بن شعبه، **تحف العقول عن آل الرسول**، ترجمه محمد باقر کمره ای، اسلامیة، تهران، چاپ ششم، 1376 ش.
13. زیر نظر خرمشاهی، بهاءالدین، **دائرة المعارف تشیع**، نشر شهید سعید محبی، تهران، 1381 ش.
14. شریف قرشی، باقر، **تحلیلی از زندگی امام هادی** علیه السلام -، ترجمه محمد رضا عطایی، کنگره امام رضا، مشهد، 1371 ش.
15. شوشتری، قاضی نورالله، **مجالس المؤمنین**، اسلامیة، تهران، 1375 ق.
16. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، **الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم، آل البيت، چاپ اول، 1413 ق.
17. صلواتی، فضل الله، **تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمد تقی** - علیه السلام -، خرد، اصفهان، چاپ اول، 1364 ش.
18. طباطبای، ابراهیم، **مهاجران آل ابوطالب**، ترجمه محمد رضا عطاکی، آستان قدس رضوی، مشهد، 1372 ش.
19. طبرسی، ابوعلی، **اعلام الوری**، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1390 ق.
20. طبری، محمد بن جریر، **دلایل الامامة**، مطبعة الحیدریة، نجف، 1383 ق.
21. عاملی، جعفر مرتضی، **زندگانی سیاسی امام جواد** - علیه السلام -، ترجمه سید

- محمد حسینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1373 ش.
22. فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی، **امامزادگان ری**، انتشارات گرگان، قم، چاپ اول، 1379.
23. _____، **انوار پراکنده**، چاپ اول، قم، 1376 ش.
24. فقیهی، علی اصغر، **تاریخ مذهبی قم**، زائر، قم، چاپ دوم، 1378 ش.
25. فیض، عباس، **انجم فروزان**، قم، 1322 ش.
26. _____، **گنجینه آثار قم**، مهر استوار، قم، 1349 و 1350 ش.
27. قمی، حاج شیخ عباس، **تنمة المنتهی [وقایع ایام خلفا]**، مهتاب، تهران، چاپ اول، 1377 ش.
28. قمی، حسن بن محمد بن حسن، **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن محمد بن عبدالملک قمی، زائر، قم، 1385 ش.
29. قمی، شیخ عباس، **سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار**، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیة، با مقدمه و نظارت علی اکبر الهی خراسانی، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، 1420 ق/ 1378 ش.
30. کچوئی، شیخ محمدعلی، **انوار المشعشعین**، تحقیق محمد رضا انصاری، کتابخانه آیت الله مرعشی-رحمه الله -، قم، 1381 ش.
31. کشمیری، میرزا محمد علی، **اضواء علی الحیاه موسی المبرقع**، قم، بی نا، بی تا.
32. کلانتری، الیاس، **المعجم المفهرس لالفاظ اصول کافی**، انتشارات کعبه، تهران، 1362 ش.
33. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه محمد باقر کمره ای، اسوه، تهران، چاپ چهارم، 1379 ش.
34. کمونه حسینی، سید عبد الرزاق، **آرامگاههای خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین**، ترجمه عبد العلی صاحبی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، 1371 ش.
35. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، 1403 ق.
36. **مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه** - علیها السلام -، زائر، قم، 1384 ش.
37. محدّث قمی، شیخ عباس، **منتهی الآمال**، قم، هجرت، چاپ سیزدهم، 1378 ش.
38. محدّث نوری، حسین، **بدر مشعشع فی احوال موسی المبرقع**، طبع سنگی، قم، بی نا، بی تا.
39. محلاتی، ذبیح الله، **تاریخ سامرا**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
40. _____، **ریاحین الشریعه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
41. محمد حسین مظفر، ترجمه سید محمد باقر حجتی، **تاریخ شیعه**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، 1368 ش.
42. محیطی اردکانی، احمد، **سبز پوشان**، زائر، قم، چاپ اول، 1384 ش.
43. مرعشی، سید محمود، **نسخه شناسی**، صحیفه خرد، قم، چاپ اول، 1389 ش/ 1431 ق.
44. مسعودی، علی بن حسین، **اثبات الوصیه**، نجف، 1374 ق.

45. _____، **مروج الذهب**، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، 1370ش.
46. مقریزی، تقی الدین، **النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم** ، مکتبه الاهرام، قاهره، بی تا.
47. ناصر الشریعه، محمد حسین، **تاریخ قم**، دارالفکر، قم، 1342ش.
48. نجفی، محمد جواد، **ستارگان درخشان [امام محمد تقی- علیه السلام -]**، تهران، اسلامیة، 1347ش.
49. یعقوبی، ابن واضح، **البلدان**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، 1343ش.

نیم نگاهی به سیر شکل گیری حوزه علمیه قم

قدرت الله عفتی

چکیده:

تاریخچه حوزه علمیه قم به قرن اول هجری باز می‌گردد که با سفر عبدالله اشعری [شاگرد امام صادق- علیه السلام -] در سال 93، اولین کرسی فقهی در قم پایه گذاری شد، بعد از ایشان، ابراهیم بن هاشم [از اصحاب امام رضا- علیه السلام -] دومین حوزه علمیه و علی بن بابویه [ابن بابویه] از علمای عصر امام حسن عسکری- علیه السلام -، سومین حوزه علمیه را در قم پایه گذاری نمودند تا آنجا که در دوران صفویه حوزه های علمیه رونق خاصی یافتند و مدرسه فیضیه تجدید بنا شد، اما در زمان حکومت محمدخان قاجار، قم به ویرانه ای تبدیل شد تا اینکه آیت الله حائری یزدی- رحمه الله -، پس از رونق بخشیدن به حوزه اراک، در سال 1340 ق وارد قم شد و حوزه علمیه قم را تأسیس کرد به گونه ای که در 15 سال مدیریت، بیش از 400 مجتهد جامع الشرایط را پرورش داد و بعد از ارتحال، شاگردان ایشان [آیت الله صدر، آیت الله کوه کمره ای و آیت الله خوانساری- رحمه الله -] زعامت حوزه قم را به دست گرفتند تا اینکه زعامت به آیت الله بروجرودی رسید و بعد از ایشان، با انقلاب حضرت امام خمینی- رحمه الله -، حوزه علمیه از خطر نابودی و رکود نجات یافت

کلید واژه:

حوزه علمیه، قم، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تأسیس حوزه علمیه

تأسیس حوزه علمیه قم

حوزه علمیه از زمان پیدایش تا کهن در روند آموزشی، سیاسی، اجتماعی و به طور کلی در جریانهای حاکم بر کشور، نهادی تأثیر گذار بوده است

حوزه علمیه تنها یک نهاد صرفاً آموزشی نبوده و نیست؛ بلکه به دلیل گستردگی قلمرو تأثیرگذاری دین اسلام و مذهب تشیع در ابعاد گوناگون زندگی مردم، به نهادی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مبدل شده است

تأسیس حوزه علمیه قم به قرن اول اسلام؛ یعنی زمان حضور معصومین- علیهم السلام - بر می‌گردد و از آن زمان تاکنون شخصیت‌های بزرگی در ادوار مختلف به تجدید حیات آن پرداخته اند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

حوزه علمیه عبدالله اشعری

در زمان امامت امام زین العابدین- علیه السلام - [در سال 93 ق]، عبدالله بن سعد اشعری از کوفه به قم آمد و اولین حوزه علمیه قم را تأسیس و به تعلیم فقه شیعه پرداخت. در واقع ایشان اولین استاد کرسی فقه شیعه در قم بوده است که تشیع را آشکارا در این شهر تدریس میکرد.

حوزه علمیه ابراهیم بن هاشم

ابواسحاق، ابراهیم بن هاشم بن خلیل کوفی، شاگرد یونس بن عبد الرحمن، از اصحاب حضرت امام رضا- علیه السلام - است، ایشان از کوفه به قم مهاجرت نمود و حوزه علمیه قم را پس از آنکه از بین رفته بود، تجدید حیات بخشید و به ابراهیم بن هاشم قمی معروف گردید

ابراهیم بن هاشم، از اصحاب امام رضا- علیه السلام - و اولین کسی است که احادیث علمای بزرگ کوفه را به قم آورد و موجب رشد و تحول حوزه قم شد بعد از ایشان، فرزندش علی بن ابراهیم بن هاشم، معروف به علی بن ابراهیم قمی، صاحب تفسیر قمی، ادامه دهنده مسیر حوزه علمیه پدرش در قم می‌باشد.

حوزه علمیه علی بن بابویه

«علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی» معروف به ابن بابویه قمی از علمای بزرگ عصر امام حسن عسکری- علیه السلام - بود و حوزه علمیه قم را مجدداً احیاء نمود.

ایشان از طرف نمایندگان خاص امام عصر- علیه السلام -، پرچمدار تشیع در قم بوده است. از حوزه علمیه علی ابن بابویه، مردان بزرگی برخاستند که از جمله آنها، شیخ صدوق- رحمه الله - را می‌توان نام برد.

از این حوزه، افرادی چون شیخ صدوق به بغداد رفتند و در مسجد «برائا»، مجلس سید الشهداء را برگزار کردند و مکتب شیعه را در بغداد ترویج نمودند

برنامه دقیق این حوزه، موجب گسترش تشیع و پرورش بزرگانی از سال 280 تا 340 ق شده است. هر چند بنی امیه و بنی عباس، فشار زیادی را بر شیعه وارد کردند و آنها را در تنگناهای عجیبی قرار دادند، ولی با همت همین حوزه، حکومت‌های کوچک علویان، مازندران [ناصر صغیر] و آل بابویه در مناطق «فارس، عراق، خوزستان، ری، همدان و اصفهان» تشکیل شد و شیعیان توانستند در این مناطق به مسائل مذهبی خود بپردازند.^{lxxxii}

از زمان تأسیس حوزه علمیه قم در سال 93 ق تا به حال، این حوزه علمیه منشأ برکات فراوان بوده است. حوزه قم و در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، در اوج خود قرار داشته است، اما در قرن 6 تا 9 ق دچار وضع نامناسبی شد، و علت آن قتل عامی بود که مغولان، تیموریان و... به راه انداختند.^{lxxxiii}

حوزه علمیه قم در دوره صفویه

تشیع پادشاهان صفوی، باعث رونق گرفتن حوزه‌های شیعه [به ویژه حوزه قم] شد.

در دوره صفویه، مدرسه فیضیه تجدید بنا و چند مدرسه ساخته شد که از جمله آنها مدرسه «مهدی قلی خان»، «جهانگیرخان» و «مؤمنیه» است.^{lxxxiii} قم عملاً دومین حوزه بزرگ ایران شده بود تا اینکه در اواخر دوره صفویه، با حمله سنیهای متعصب، حوزه علمیه قم از رونق افتاد.

حوزه علمیه قم در دوره قاجار

آقا محمد خان قاجار، برای رسیدن به حکومت، به شهرهایی از جمله قم حمله کرد و آن را به ویرانه ای مبدل ساخت؛ ولی بعد از او فتحعلی شاه قاجار، سیاست رونق بخشیدن به شهرها را در پیش گرفت و به شهرهای مذهبی و اماکن مقدسه توجه خاصی کرد، و طبق وصیت، قم را محل دفنش قرار داد در این دوران، شهر قم رونق گرفت؛ ولی عالم بزرگی که بتواند حوزه علمیه قم را رونق بدهد، وجود نداشت، تا اینکه «میرزا ابوالقاسم قمی» صاحب «قوانین الاصول» که یکی از شاگردان میرزا آیت الله وحید بهبهانی [بنیانگذار اندیشه اصولی در حوزه کربلا] بود، به قم آمد. در واقع ایشان دومین حوزه علمیه با اندیشه اصولی را در جهان تشیع و در قم بنیانگذاری کرد

حوزه علمیه قم با وجود میرزای قمی رونق بسزایی گرفت، علما و طلاب زیادی در قم جمع شدند، مدرسه فیضیه و دیگر مدارس مهم، تعمیرات اساسی شدند و کلاسهای درس در تمام مدارس [به صورت پُر رونق] دایر گردید. با رحلت میرزای قمی [1231ق]، حوزه علمیه قم به مرور از رونق افتاد.^{lxxxiv}

تأسیس مجدد حوزه علمیه قم توسط آیت الله حائری یزدی-رحمه الله -

آیت الله حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، در سال 1332 ق، برای بار دوم مدیریت حوزه علمیه اراک را بر عهده گرفت^{lxxxv} و آن را رونق بخشید تا آنجا که آیت الله محمد تقی شیرازی (شیرازی دوم - در حدود سال 1298 ش) طی نامه‌ای به ایشان نوشت: «به عتبات عالیات [سامراء] بیایید، حوزه علمیه عتبات به شما نیاز دارد.»

آیت الله حائری در جواب نوشت: «ایران را با سرعت به سوی فساد و تباهی می‌برند، شما به ایران بیایید تا با تشکیل حوزه علمیه‌ای قوی، در حرکت سریع فساد و تباهی، وقفه‌ای ایجاد کنید.»

آیت الله شیرازی پاسخ دادند: «من به دلیل کهولت سن توان آمدن به ایران را ندارم، شما در ایران بمانید و به وظیفه‌ای که تشخیص دادید عمل کنید»^{lxxxvi}

آیت الله حائری با اندیشه جلوگیری از فساد و تباهی ایران، حوزه علمیه اراک را رونق داد تا اینکه علمای بزرگ قم: «آیت الله مهدی پابین شهری، آیت الله فیض، آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، آیت الله بافقی و...» از ایشان دعوت کردند تا نوروز سال 1301 ش را با زیارت حضرت معصومه- علیها السلام - شروع کنند. ایشان با همراهی آیت الله سید محمد تقی خوانساری در روز 24 رجب 1340 ق مطابق با دوم فروردین 1301 ش، در میان استقبال گرم علما و مردم متدین قم، وارد این شهر شد^{lxxxvii}

برنامه آیت الله حائری- رحمه الله - در حوزه علمیه قم

تا دوره آیت الله حائری یزدی- رحمه الله -، حوزه‌های علمیه، شخص محور بود. هر جا شخصیت علمی بزرگی با مدیریت قوی و تدریس عالی ساکن می‌شد، حوزه علمیه قوی‌ای تشکیل می‌شد و بعد از هجرت یا ارتحالش، از رونق می‌افتاد، مانند حوزه علمیه قم بعد از آیت الله میرزا ابوالقاسم قمی [م 1231 ق]، یا حوزه علمیه سامرا بعد از ارتحال میرزای شیرازی دوم، و حوزه علمیه اراک بعد از هجرت آیت الله حائری یزدی-رحمه الله - به قم و... که از رونق افتادند

آیت الله حائری با تجربه دو دوره مدیریت حوزه علمیه کربلا و نیز حوزه علمیه اراک و آگاهی از برنامه بلند مدت استعمارگران و وضعیت ایران، حوزه علمیه قم را تأسیس نمود، به گونه‌ای که شخص محور نباشد تا بعد از ارتحالش، حوزه به مسیرش ادامه بدهد

آیت الله مؤسس، با نظام منسجم آموزشی، تنظیم دروس حوزوی، نظام شهریه، جذب اساتید قوی، گزینش طلاب مستعد و... به حوزه علمیه قم، شخصیت حقوقی خاصی بخشید

ایشان چنان بنیانی گذاشت که رضاشاه در 15 سال فعالیت آیت الله مؤسس [حائری- رحمه الله -]، تمام توان دولت را برای حذف حوزه علمیه قم به کار گرفت و دست به هر اقدامی زد^{lxxxviii} ولی به هدف نرسید؛ به گونه‌ای که رضاشاه می‌گفت: «همه را برداشتم، اگر این یکی [آیت الله حائری- رحمه الله -] را برمی‌داشتیم، اسلام را از کشور بر می‌داشتیم.»^{lxxxix} بعد از رحلت آیت الله حائری- رحمه الله - [1315 ش] نیز رضاشاه 5 سال تلاش کرد؛ ولی نتوانست به هدفش برسد.

در این فضا، آیت الله حائری- رحمه الله - در 15 سال مدیریت حوزه علمیه قم، بیش از 400 مجتهد جامع الشرایط پرورش داد و به سراسر ایران اعزام کرد^x

آیت الله حائری- رحمه الله -، حوزه علمیه قم را چنان بنیان نهاد و چنان علمایی پرورش داد که حتی بعد از ارتحالش، تلاش رضاشاه و پسرش محمدرضا در حذف حوزه علمیه قم، عقیم و این حوزه، پا برجا باقی ماند

حوزه علمیه قم به زعامت آیات ثلاث

زمستان 1315 ش، آیت الله حائری- رحمه الله -، چشم از جهان فرو بست. در آن زمان، حکومت رضاشاه، چنان سختگیری می‌کرد که بزرگان حوزه علمیه قم می‌گفتند: «ما انتظار هر حادثه‌ای را داشتیم، فکر می‌کردیم که مثل شوروی یا ترکیه با ما برخورد کنند، شبانه ما را جمع کنند و به دریا بریزند یا در بیابان رها کرده، تیرباران کنند.»^{xc}

در این شرایط، سه مجتهد که شاگرد و یاور آیت الله حائری- رحمه الله - بودند و 15 سال مدیریت ایشان را در حوزه علمیه قم دیده بودند؛ یعنی آیت الله سید صدر الدین صدر، سید محمد حجت کوه کمراهی و سید محمدتقی خوانساری، زعامت حوزه علمیه قم را بر عهده گرفتند^{xcii} و بر همان اساسی که آیت الله حائری- رحمه الله - بنا نهاده بود، حرکت کردند.

در این زمان بزرگانی چون امام خمینی و آیات عظام : مرتضی حائری [فرزند آیت الله حائری- رحمه الله -] گلپایگانی، مرعشی نجفی، میرزا هاشم آملی، بهاء‌الدینی و ...+، در حوزه علمیه قم به تدریس مشغول و در عمل یار و یاور آیات ثلاث بودند. این سه مجتهد بزرگ از 1315 تا 1323 ش، حوزه علمیه قم را حفظ کردند و آن را به آیت الله العظمی بروجردی-رحمه الله - سپردند.

زعامت آیت الله العظمی بروجردی- رحمه الله -

علمای بزرگ قم، برای مدیریت واحد و سرعت بخشیدن در مسیر پیشبرد اهداف بلند مدتی که آیت الله حائری- رحمه الله - برای حوزه علمیه قم در نظر گرفته بود، آیت الله العظمی بروجردی(را به اصرار زیاد به قم آوردند. در این زمان، امام خمینی- رحمه الله - نقش زیادی در اصلاح امور حوزه ها دارند. برای نمونه امام خمینی- رحمه الله - می‌فرماید: «در جلسه مذاکرات سیاسی که با آقایان بروجردی، حجت، خوانساری و صدر+ داشتیم، گفتم که قبل از هر کاری تکلیف این مقدس نماها را روشن کنید، با وجود آنها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و يك نفر هم محکم دستهای شما را گرفته باشن»^{xciii}

آیت الله بروجردی- رحمه الله -، تلاش زیادی نمود تا نواقص باقی مانده از برنامه آیت الله حائری- رحمه الله -، در تنظیم برنامه حوزه علمیه و دروس آن را رفع نماید، ایشان سیستم دقیق شهریه را تکمیل کرد و برنامه پرورش علمای بزرگ و استقرار آنها در سراسر ایران را به صورت منظم و مرتب اجرایی نمود و علمای بزرگی را در سراسر ایران به عنوان نماینده خود مستقر کرد و آنها را با حوزه علمیه قم مرتبط نمود.^{xciv} مراجع بزرگی چون: امام خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی، میرزا هاشم آملی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و...+ را در قم حفظ نمود تا بعد از ایشان حوزه علمیه قم را اداره کنند

در همین دوره به اصرار زیاد آیت الله بروجردی- رحمه الله -^{xcv} و تقاضای مکرر بعضی از علما، مانند شهید مطهری،^{xcvi} امام خمینی- رحمه الله - وارد بحثهای عمده خارج فقه و اصول شد و اکثر وقت خویش را در این زمینه صرف نمود، و به عنوان بزرگترین استاد حوزه علمیه قم، بعد از آیت الله بروجردی- رحمه الله - شناخته شد.^{xcvii}

و در این زمان بود که حدیث امام صادق- علیه السلام - محقق شد: «سَتَحْلُو كُوفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْرُزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرُزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَطْهَرُ الْعِلْمُ بِتَلَدَةِ يُقَالُ لَهَا فُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْعَصْلُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضَعَفٌ فِي الدِّينِ...»^{xcviii} به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم از آن پراکنده می‌شود، همان طور که مار در لانه اش پوست می‌اندازد و در شهری به نام قم سر بر می‌آورد و قم معدن علم و فضیلت می‌شود [و از قم علوم دین به سراسر دنیا عرضه می‌شود]، به طوری که در دنیا مستضعف در دین باقی نمی‌ماند.»

ارتحال آیت الله العظمی بروجردی- رحمه الله -

با ارتحال آیت الله العظمی بروجردی- رحمه الله -، برای اینکه محمد رضاشاه، مرکزیت حوزه علمیه شیعه را از قم برچیند و از ایران دور کند، برای آیت الله حکیم- رحمه الله - تلگراف تسلیت فرستاد^{xcix} تا مردم ایران مقلد علمای بزرگ نجف اشرف شوند و حوزه علمیه قم رو به ضعف برود و او بتواند راحت‌تر برنامه برچیدن حوزه و اسلام را عملی کند

اما امام خمینی- رحمه الله - که یکی از پرورش یافتگان همین حوزه علمیه قم بود، با حمایت علمای بزرگ قم و مردم متدین، در مقابل برنامه‌های رژیم پهلوی ایستاد و انقلاب اسلامی ایران را در بستری که آیت الله حائری- رحمه الله -، سنگ بنای آن را گذاشته بود و آیت الله بروجردی- رحمه الله - آن را در سراسر ایران استحکام بخشیده بود، طراحی نمود، و در سال 1342 ش، قطار انقلاب را به حرکت درآورد و مجتهدان بزرگ قم و علمای طراز اول ایران گرداگردش جمع شدند تا آنجا که در بهمن 1357ش، حکومت 2500 ساله شاهنشاهی را از بین برد و حکومت جمهوری اسلامی ایران را بنیان نهاد

1. حسینان، روح الله، **تاریخ سیاسی حوزه یا تأسیس حوزه علمیه قم**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، اول، 1380.
2. رازی، محمد شریف، **آثار الحجة یا تاریخ دائرة المعارف حوزه علمیه قم**، کتابفروشی برقی، اول، 1332 ق.
3. سید کباری، سیدعلی رضا، **حوزه علمیه شیعه در گستره جهان**، امیرکبیر، تهران، اول، 1378.
4. طائی حسنلوئی، سلیمان، **جریانهای حوزه علمیه قم در دهه 40 و 50**، نشر هاجر، قم، اول، 1386 ش.
5. عاملی، شیخ حرّ، **وسائل الشیعه**، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ پنجم، 1403 ق.
6. عفتی، قدرت الله، **مصاحبه با آیت الله محمد جواد علوی بروجردی نوه آیت الله العظمی بروجردی - رحمه الله -**، موجود در اسناد خطی دانشنامه امام خمینی - رحمه الله -، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - رحمه الله -، قم، 1385.
7. فیض، عباس، **گنجینه آثار قم**، قم، چ اول، بی تا.
8. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - رحمه الله -، **سیره مبارزاتی امام خمینی - رحمه الله - در آینه اسناد به روایت ساواک**، تهران، اول 1389.
9. مدیرشانه چی، محسن، **انقلاب اسلامی ایران در دائرة المعارفهای جهان**، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، اول، 1379 ش.
10. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چ 20، مزایا و خدومات مرحوم آیت الله بروجردی، صدرا، تهران.
11. منظور الاجداد، سید محمدحسین، **مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست**، شیرازه، تهران، اول، 1379 ش.
12. موسوی خمینی، سیدروح الله، **صحیفه امام**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - رحمه الله -، تهران.
13. _____، **ولایت فقیه [حکومت اسلامی]**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، دهم، 1379 ش.

رازهای موفقیت در نویسندگی (5)

(نقش زمان و مکان - خاطره و زندگی نامه نویسی)

علیرضا وزیری

چکیده:

هرچند میزان و نحوه الهام گیری در نوشتن، به خود نویسنده بستگی دارد، اما عامل زمان و مکان در نوشتن تأثیرگذار خواهد بود، تا آنجا که در زمانها و مکانهای مختلف، شاهد نوشتارهای مختلفی هستیم، حتی سیر و سیاحت هدفمند و ملاقاتهای حضوری با نویسندگان بزرگ، در نوشتار مؤثر خواهد بود؛ اما باید توجه داشت که برای نوشتن، نیاز به انتخاب موضوع خاصی نیست؛ بلکه خاطرات می تواند منبع خوبی برای نویسندگی باشد تا آنجا که «رومن رولان»، نویسنده بزرگ فرانسوی، از این رهگذر به شهرت فراوانی دست یافت

کلید واژه:

نویسندگی، زمان، مکان، خاطره نویسی

بخش پنجم:

نقش زمان و مکان

الف. زمان و مکان نوشتن

«یودو راولتی» می گوید: «مکان نه فقط منبع الهام، که منبع معلومات من است. چیزهای مهم را مکان به من می گوید و مرا هدایت می کند و در خطی مستقیم پیش می برد؛ چرا که مکان، توضیح دهنده و محدودکننده کارهای من است... به هر حال مکان، عنصری اساسی است. زمان و مکان، چهارچوبی است که همه داستانها بر اساس آن شکل می گیرند.»^c

زمان و مکان در نویسندگی، الهام بخش است و زمانها و مکانهای مختلف، به نویسندگان گوناگون، القائات ناخودآگاه متناسب خود را می دهد که درونمایه نوشته شان را، از مفاهیم بدیع و دلپذیر سرشار می سازد. «فورستر» می گوید: «از وقایع و مکانها الهام می گیرم.»^{ci}

البته میزان و نحوه الهام گیری در نوشتن، به خود نویسنده نیز بستگی دارد و محیط، لزوماً تعیین کننده نیست. بعضی از نویسندگان می توانند فارغ از پای بندی به زمان و مکان خاصی بنویسند

«ولتی» می گوید: «من به این نتیجه رسیده ام که تقریباً هر جا که بخوام می توانم بنویسم.»^{ci} «فاکتر» می گوید: «هنر در پی و پای بند محیط خاصی هم نیست. مهم نیست که نویسنده در کدام محیط است... به نظر من محیط مناسب برای هنرمند، محیطی است که در آن بتواند کار کند... بنابراین، نویسنده به محیطی احتیاج دارد که آرامش، تنهایی و خوشی او را [منتها نه به قیمت گزاف] تأمین کند.

محیط نامناسب، فقط فشار خون نویسنده را بالا می برد. همچنین نویسنده در چنین محیطی، بیشتر عمرش را با افسردگی، دلزدگی و عصبانیت می گذراند. تجربه خود من نشان می دهد که ابزار مورد احتیاج حرفه من، فقط کاغذ و کمی نوشیدنی بوده است.»^{ci} البته معلوم است که عادت نویسندگان مختلف در این زمینه متفاوت است.

ب. زمان و مکان ارائه

هر منطقه جغرافیایی، ویژگیها و فرهنگ مخصوص خود را دارد که با اقتضات و نیازهای منطقه جغرافیایی دیگر در زمانهای دیگر متفاوت است. یک نوشته ممکن است در یک منطقه جغرافیایی و در یک زمان خاص، مورد استقبال قرار نگیرد؛ ولی در منطقه دیگری و در همان زمان یا در زمانی دیگر از آن استقبال شود.

«چخوف»، نویسنده، درام نویس و داستان سرای روسی، در سال 1896 نمایشنامه ای به نام مرغ نوروزی نوشت که در پترزبورگ با عدم موفقیت روبه رو شد؛ ولی دو سال بعد در مسکو از این نمایشنامه تجلیل شایانی به عمل آمد^{civ}

سیر و سیاحت هدفمند

سیر و سیاحت و آشنایی با تمدنهای مختلف، دید آدمی را وسیع می کند و او را از تنگ نظریها و پیش فرضهای قبلی درباره جوامع دیگر آزاد و رها می سازد و نگاهی نو به او می بخشد و می تواند از افقی فراتر، به مسائل گوناگون بنگرد و قضاوت منصفانه تری پیدا کند و با یافتن اطلاعات جدید، نوشته های مطلوب تری پدید آورد که خوانندگی تر و آموزنده تر باشد.

سفر خودخواسته یا اجباری [در صورتی که با دیدی درس آموزانه و تجربه اندوزانه باشد] می تواند نقش مهمی در پختگی و فرهیختگی نویسندگان صبور و مقاوم داشته باشد. پس از حمله مغولها به ایران در قرن هفتم، شهر شیراز هم دچار هرج و مرج شد. در نتیجه، بزرگان علم و ادب شیراز، دست به سفر زدند و به کشورهای عربی، آفریقای، آسیایی و بسیاری کشورهای دیگر رفتند. این سفرها، سعدی را مردی با تجربه ساخت. پس از چندی سعدی به شیراز بازگشت، وی در «گلستان» می گوید: «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی»^{cv}

آشنایی با نویسندگان دیگر

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد	به زیر آن درختی رو که او گلهای تر دارد
در این بازار عطاران مَر و هر سو چو بیکاران	به دکان کسی بنشین که در دکان شکر دارد

ملاقات حضوری با نویسندگان بزرگ، ما را بی واسطه قلم و کاغذ به دنیای درونشان می برد و از اعماق گنجینه وجودشان، طلاهای ناب و نادر حکمت به ارمغان می آورد و معماهای ناگشوده نویسندگی را برایمان حل می کند و این، دستاورد کمی نیست که بر اثر این ملاقات ماندگار، بتوانیم راه خود را بیابیم و آثار ماندگاری به یادگار بگذاریم.

«ویلیام فاکتر»، رمان و داستان نویس آمریکایی، پس از آن که متوجه شد در زمینه شعر، قدرت خلاقیت ندارد، با شروود اندرسن، نویسنده مشهور آشنا شد^{cvii} و این آشنایی برای او نخستین رمانش به نام پاداش سرباز را در سال 1926 به ارمغان آورد^{cvii}.

«ارنست همینگوی» هم نویسندگی خود را مدیون شروود اندرسن است. او در سال 1920 با شروود اندرسن آشنا شد و به تشویق او به پاریس رفت و وارد جمع نویسندگان و هنرمندان شد و در اثر حشر و نشر با ایشان نکته ها آموخت و در واقع از این پس بود که نوشتن را جدی گرفت و آثارش را منتشر کرد^{cviii}.

«همینگوی» می گوید: «اگر نویسنده ای در جوار جمعی دیگر از نویسندگان قرار بگیرد، مسلم است که انگیزه اش برای کار کردن بیشتر می شود... ما به همدیگر احترام می گذاشتیم.»^{cx} از این رو «کلودیا بلاک» می گوید: «خود را میان افرادی محاط کنید که با شما به شیوه نیکو رفتار می کنند و حرمتتان می نهند.»^{cx}

ای دل آنجا رو که با تو روشن اند وز بلاها مر تو را چون جوشن اند

بخش ششم

خاطره و زندگینامه نویسی

الف. تعریف خاطره

خاطره چیست؟ برای خاطره تعریفهای زیادی وجود دارد؛ از جمله: «امری است که بر شخص گذشته و آثاری از آن در ذهن او مانده باشد؛ دیده‌ها یا شنیده‌های گذشته؛ انعکاس یک رویداد یا پدیده تلخ و شیرین و جالب توجه؛ حوادث و لحظه‌های چشمگیر و به یادماندنی زندگی؛ حادثه‌ای که تأثیر شدیدی احساسی - عاطفی بر فرد داشته باشد؛ تصویر ماندنی در ذهن که آینه واقعیت است؛ ولی تمامها نیست و رنگ خیال و عاطفه را پذیرفته است»^{cxii}

ب. فواید خاطره نویسی

«شما با نوشتن خاطره‌ای از حوادث زندگی خود، خوشیها و ناخوشیها و رنجها، حالات عاطفی و روحی، پیروزیها و شکستها، نوازشها و زخمها و... به ثبت بهترین و گاه سخت‌ترین لحظات زندگی خود می‌پردازید و با خواندن آنها گویی زندگی تکرارناپذیر را دوباره تجربه می‌کنید.»^{cxiii}

ج. موضوع خاطره

خاطره شامل مواردی از این قبیل می‌شود: «شرکت در حوادث و اتفاقات؛ عجیب و غریب سفر و گشت و گذار نویسنده و گوینده؛ صحنه‌ها و مناظر طبیعی و غیر طبیعی؛ فکری که در یک موقعیت خاص برای فرد ایجاد شده؛ واکنشهای غیر عادی که در نویسنده یا دوستان او به وجود آمده؛ تلاش فرد برای انجام شدن [و یا نشدن] یک برنامه و کار؛ تماشای یک فیلم؛ شرکت در یک بازی؛ شنیدن یا دیدن یک برنامه موسیقی؛ بیماری خاص، دارو و دکتر؛ مدرسه و کلاس درس، هم شاگردیها، معلمان و...؛ ایام و مراسم خاص، عیدنوروز، نذریها، عزاداری و عاشورا و...؛ دید و بازدید، میهمانیها، جشن ازدواج، جشن تولد و...؛ احساس شادمانی از دیدن دوستان و آشنایان؛ اخبار مهم، مسائل اجتماعی، اتفاقات سیاسی و... به هر حال آنچه که باعث تأثیر [گذاری] شدید [در] روح و روان فرد می‌شود، بعدها موضوع خاطرات تلخ و شیرین می‌شود و معمولاً اولینها همواره جزء موضوع خاطرات ناب نویسنده هستند؛ مانند: اولین روز مدرسه، اولین دیدار، اولین معلم، اولین فیلم، اولین خانه، اولین روز کاری، اولین کتاب، اولین ابلاغ، اولین...»^{cxiii}

د. نوشتن خاطرات و تجارب خود

نوشتن خاطرات خود و دیگران، از رموز بزرگ موفقیت در نویسندگی [به ویژه در آغاز راه] است؛ از این رو گفته اند: «خیلی بهتر است که نویسنده، فضا و مناسباتی را در اثر خود بیاورد که در آن زندگی کرده و تجربه داشته باشد تا درباره مسائلی بنویسد که با آن آشنایی ندارد». «مالزاک» درباره اشراف و بورژوازی زمان خودش می‌نوشت و قله ادبیات فرانسه است و هیچ‌کس هم نیست که از او نیاموزد. «دیکنز» هم چنین می‌کرد؛ هم درباره اشرافیت و زوال اشرافیت می‌نوشت و هم درباره توده‌های زیر فشار کوچه‌های تاریک و باریک لندن؛ چنان که تولستوی هم تماماً به اشرافیت روسیه تزاری و افسران بلند پایه می‌پردازد.»^{cxiv}

تفس در فضای پاک طبیعت هم حال و هوای دیگری به نویسنده می‌دهد. سعدی می‌گوید:

«روز بهار است خیز تا به تماشا برویم تکیه بر ایام نیست تا دگر آید بهار»

نویسنده‌ای می‌گوید: «امیداورم که بیرون بیایید و بگذارید تا داستانها بر شما واقع گردند و شما با آنها درآمیزید. آنها را با خون و اشک و لیخندتان آبیاری کنید تا بشکفتند و شما خود نیز شکفته شوید»^{cxv}

از آنجا که متون داستانی، به تشریح و توصیف جزئیات زندگی و حوادث می‌پردازند، مطالعه این متون می‌تواند الگوی خوبی به دست دهد تا بتوانیم خاطرات زندگی و تجاربمان را به گونه‌ای زیبا و ماندگار بنگاریم؛ از این رو یکی از نویسندگان می‌گوید: «در نوشتن تجربه زندگی با نگاهی دقیق و موشکافانه، مطالعه بسیار زیاد آثار داستانی جهان، از عوامل مهمی هستند که می‌توانند به کمک هاله‌ای از شور و ذوق طبیعی، نویسنده خوبی بسازند»^{cxvi}

برای نویسندگان تازه کار، اقدام نکردن به نویسندگی، زیانبارتر از اقدام [به اصطلاح] ناموفق است. در واقع، هیچ اقدامی برای نویسنده تازه کار درباره نویسندگی، ناموفق نیست؛ بلکه تجربه‌ای درس آموزانه و گامی به پیش است، و موفقیت‌های بزرگ با گامهای کوچک شروع می‌شود و حاصل جمع قدم‌های کوچک است. با این شیوه می‌توان راهی یافت یا ساخت و با پرورش ذهن، بار نویسندگی را به تدریج به نقطه مطلوب رساند.

محقق، شاعر و نویسندهٔ چیره دست، استاد جواد محدثی [که تاکنون ده‌ها کتاب و صدها مقاله در موضوعات مختلف اسلامی از او به چاپ رسیده است] معتقد است «علت این که فرد می‌ترسد دست به قلم ببرد، این است که از ارائه نوشته و در معرض دیگران قرار دادن آن بیمناک است؛ بنابراین دست به قلم نمی‌شود؛ ولی اگر بنا بگذارد که قصد ارائه و چاپ ندارد؛ بپذیرد که نوشته‌های او ممکن است کاستی داشته باشد و تنها به عنوان تمرین می‌نویسم، می‌تواند بدون ترس دست به قلم ببرد. در ابتدا باید از جاهای ساده شروع کند، سراغ موضوعات سنگین نرود، خاطره بنویسد، توصیف کند، چیزهایی که معلومات خاص نمی‌خواهد را پیگیری نماید تا عادت کند... این... اصلاً جزء بهترین کارهاست که انسان خسته نمی‌شود. یک لذتی در آن است که آدم را سر شوق می‌آورد.»^{cxvii}

ه. نوشتن خاطرات، تجارب و زندگینامه دیگران

خاطرات دیگران را می‌توانید دروننامه نوشته قرار دهید بعضی از نویسندگان با نوشتن کتابهایی در زمینه خاطرات به شهرت و موفقیت رسیدند. «نخستین اثر مشهور تورگنیف، رمان نویس مشهور روسی، کتابی به نام خاطرات یک ورزشکار بود که بین سالهای 1841 تا 1850 نوشته شد.»^{cxviii}

«رومن رولان»، نویسنده بزرگ فرانسوی، «به ادبیات علاقه خاصی داشت. او به تهیه و نوشتن شرح حال و بیوگرافی بزرگان دست زد، در سال 1903 شرح زندگی بتھوون، و در سال 1905 میکلائز را منتشر ساخت و به شهرت رسید در سال 1916 به دریافت جایزه ادبی نوبل موفق گردید.»^{cxix}

بنابراین دلیلی وجود ندارد که یک فرد علاقه‌مند به نویسندگی از نداشتن و نیافتن موضوعی برای نوشتن، گله‌مند باشد.^{cxx}

فهرست منابع

1. **اشراق اندیشه**، معاونت فرهنگی تبلیغی مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، سال سوم، ش 14.
2. حسینی نژاد، سید حسین، **آموزش خاطره نویسی**، سهیل پویش، تهران، 1380 ش.
3. رینوکندی (سارک)، سوزان آرپل، ترجمه مجید شریف خدایی، **قلمهای پر آب، کاغذهای تشنه**، تهران، چاپ اول، 1388 ش.
4. سلیمانی، محسن، **از روی دست رمان نویس**، سوره، تهران، 1377 ش.
5. _____، **فن داستان نویسی**، امیر کبیر، تهران، 1383 ش.
6. کامرون، جولیا، **راه هنرمند**، ترجمه گیتی خوشدل، نشر پیکان، تهران، چاپ ششم، 1384 ش.
7. محمدی، سایه، **هر اتافی مرکز جهان است**، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، 1380 ش.
8. مهرین، مهرداد، **زندگینامه معروف ترین نویسندگان و شعرای جهان**، خشایار، تهران، چاپ چهارم، 1382 ش.

آثار و برکات زیارت معصومان - علیهم السلام - (3)

«امام حسین- علیه السلام -»

حسین تربتی

چکیده:

ثواب و پاداشی که در روایات برای زائر امام حسین- علیه السلام - بیان شده است، نشان دهنده جایگاه ویژه زیارت آن حضرت می باشد. برای زائر ایشان، استغفار ملائکه، نجات از سختی قیامت، دوری از گناه، وجوب بهشت، پاداش حج و عمره، برآورده شدن حاجات، افزایش رزق و روزی، ثواب کثیر ، و ... ذکر شده است.

کلید واژه:

زیارت، ثواب، امام حسین- علیه السلام - ، استغفار، قیامت، گناه، بهشت، حج، حاجت.

زیارت امام حسین- علیه السلام - از جایگاه ویژه ای برخوردار است و قهراً ثواب و پاداش فراوانی بر زیارت ایشان مترتب است که به سرفصلهایی از آن اشاره می کنیم.

1. دعا و استغفار ملائکه و نجات از سختی قیامت

از رسول خدا- صلی الله علیه وآله - از جبرئیل در ضمن حدیثی نقل شده است که فرمود: از هر آسمانی صد هزار ملک شبانه روز قبر حسین- علیه السلام - را در پرگرفته اند و طواف می کنند و بر او درود می فرستند و تسبیح خدا را می گویند: «وَيَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ مَنْ بَاتِيَهُ زَائِرًا مِنْ أُمَّتِكَ مُتَعَرِّبًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْكَ يَذَلُّكَ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ يُوسِمُونَ فِي وَجُوهِهِمْ بِمِيسَمِ نُورِ عَرْشِ اللَّهِ هَذَا زَائِرٌ قَبْرِ خَيْرِ الشُّهَدَاءِ وَ ابْنِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَطَعَ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ ذَلِكَ الْمِيسَمِ نُورٌ تُعْشَى مِنْهُ الْأَبْصَارُ- يَذُكُّ عَلَيْهِمْ وَ يُعْرِفُونَ بِهِ؛ و برای کسی که او را زیارت کند از خدا طلب استغفار می کنند و نامهای آنان را که از امت تو برای تقرب به خدا و تو (پیامبر- صلی الله علیه وآله -) به زیارت او آمده اند، و [همچنین] نام پدران، فامیل، و شهرهایشان را می نویسند و چهره آنان را با علامت نور عرش خدا با این جمله علامت گذاری می کنند: این زائر قبر بهترین شهدا و پسر بهترین انبیا است . وقتی روز قیامت برپا شود، از اثر این نور، نوری از صورت آنان ساطع می شود که چشمها از شدت آن نور پوشیده می شوند و نشانه آنهاست و به سبب آن شناخته می شوند.»

«وَ كَاتِبِي بِكَ يَا مُحَمَّدُ بَنِي وَ بَيْنَ مِيكَائِيلَ وَ عَلِيٍّ أَمَانًا وَ مَعَنَا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَا لَا يُحْصِي عَدَدَهُمْ وَ نَحْنُ نَلْتَقِطُ مِنْ ذَلِكَ الْمِيسَمِ فِي وَجْهِهِ مِنْ بَيْنِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يَنْجِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ شِدَائِدِهِ وَ ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ وَ عَطَاؤُهُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ قَبْرَ أَحَبِّكَ أَوْ قَبْرَ سِبْطَيْكَ لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛^{xxi} گویا می بینیم که تو یا محمد، بین من و میکائیل! هستی، و علی- علیه السلام - پیشاپیش ما می باشد و همراه ما تعداد بیشمار ملائکه است، و ما در میان خلایق از طریق آن نشانه نورانی که در چهره اوست، او را می یابیم، تا آنجا که خدا زائران قبرش را از ترس و سختیهای روز قیامت نجات دهد. این حکم خدا و عطای او برای زائران قبر تو ای محمد- صلی الله علیه وآله - ! یا قبر برادرت علی- علیه السلام - یا قبر دو سبط تو [حسن و حسین- علیهما السلام -] است که جز برای خدای عز و جل زیارت نکرده اند.»

2. دوری از گناه

الف. «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ- عَلَيْهِ السَّلَام - عَارِفًا بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛^{xxii} هر کس به زیارت قبر حسین- علیه السلام - بیود، در حالی که به حق او آگاه است، گناه گذشته و آینده او بخشیده می شود.»

ب. از امام صادق- علیه السلام - فرمود: «مَنْ زَارَهُ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا يُؤَدُّ وَلَدَتُهُ أُمَّهُ وَ شَيْعَتُهُ الْمَ لَ لَئِكَهُ فِي مَسِيرِهِ فَرَفَرَتْ عَلَى رَأْسِهِ قَدْ صَغُوا بِأَجْحَتِهِمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ سَأَلَتْ الْمَلَائِكَةُ الْمَغْفِرَةَ لَهُ مِنْ رَبِّهِ وَ عَشِيَّتُهُ الرَّحْمَةَ مِنْ أَعْتَانِ السَّمَاءِ وَ نَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ طِبْتُ وَ طَابَ مَنْ زُرْتُ وَ حُفِطَ فِي أَهْلِهِ؛^{xxiii} کسی که او [حسین- علیه السلام -] را برای خدا زیارت کند، مانند روزی که از مادر متولد شده است، خدا او را از گناهانش پاک می کند، و ملائکه او را در مسیر زیارت همراهی می کنند، روی سر او بال می کشانند و بالهای خود را سایه اش قرار می دهند تا نزد اهلش برگردد و برای او از پروردگارش طلب مغفرت می کنند و رحمت از گونه های آسمان او را می پوشانند و ملائکه صدایش می زنند: پاک شدی و پاک است کسی که زیارتش کردی و در میان خانواده اش [نیز] حفظ می شود.»

ج. امام باقر- علیه السلام - فرمود: «فَمَنْ زَارَ قَبْرَ شُهَدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ- عَلَيْهِمُ السَّلَام - يُرِيدُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَ صِلَةَ تَبِيهِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا يَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ أُمَّهُ؛^{xxiv} کسی که قبر شهدای آل محمد- صلی الله علیه وآله - را زیارت کند و با این زیارت خدا و تقرب به نبی را قصد کرده باشد، از گناهانش همچون روزی که از مادر متولد شده است، خارج می شود.»

3. وجوب بهشت

الف. رسول خدا- صلی الله علیه وآله - فرمود: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ- عَلَيْهِ السَّلَام - بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^{xxv} هر کس حسین- علیه السلام - را بعد از مرگ [و شهادتش] زیارت کند، بهشت برای او [واجب] است.»

ب. امام حسین- علیه السلام - فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي زَرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا فِي النَّارِ لَأَخْرَجْتُهُ؛^{xxvi} کسی که مرا بعد از مرگم [شهادتم] زیارت کند، او را در روز قیامت زیارت می کنم، و [حتی] اگر در میان آتش باشد، قطعاً او را نجات می دهم [و وارد بهشت می کنم].»

ج. امام صادق- علیه السلام - فرمود: «إِنَّ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ- عَلَيْهِ السَّلَام - يَوْمَ الْقِيَامَةِ- فَضْلًا عَلَى النَّاسِ قُلْتُ وَ مَا فَضْلُهُمْ قَالَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ النَّاسِ بِأَرْبَعِينَ عَامًا وَ سَائِرُ النَّاسِ فِي الْحِسَابِ؛^{xxvii} به راستی برای زائران حسین بن علی- علیه السلام - در روز قیامت فضیلتی بر مردم است، عرض کردم: فضیلت آنها چیست؟ فرمود: در حالی که مردم در حساب به سر می برند، چهل سال قبل از آنها وارد بهشت می شوند.»

4. پاداش حج و عمره

پاداش حج و عمره در زیارت امام حسین- علیه السلام - بیش از دیگران آمده است، از یک حج و عمره گرفته تا صد و گاهی هزار حج و عمره اشاره شد که این ثوابها به درجه خلوص، و همین طور معرفت و نگهداری خلوص بستگی دارد

الف. از امام صادق- علیه السلام - نقل شده است که روزی امام حسین- علیه السلام - در دامن پیامبر- صلی الله علیه وآله - بود و حضرت با او بازی می کرد و او را می خواباند، عائشه عرض کرد: ای رسول خدا! از این کودک خیلی خوشش می آید! پیامبر فرمود: وای بر تو! وای بر تو! چگونه دوست نداشته باشم و از او خوشم نیاید، در حالی که او میوه دلم و روشنی چشمم است؛ اما امت من در آینده او را می کشند. «فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَقَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّةً مِنْ حَجَجِي قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَجَّةً مِنْ حَجَجِكَ قَالَ نَعَمْ وَ أَرْبَعَةً قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ حَجَّةً مِنْ حَجَجِكَ قَالَ نَعَمْ حَتَّى تَبْلُغَ تِسْعِينَ حَجَّةً مِنْ حَجَجِ رَسُولِ اللَّهِ- صلی الله علیه وآله - بِأَعْمَارِهَا؛^{xxviii} پس کسی که او را بعد از وفاتش زیارت کند، خداوند برای او [پاداش] یک حج از حجهای من را می نویسد. عائشه [با تعجب پرسید]: یک حج از حجهای شما؟ حضرت فرمود:

بله، دو حج، عرض کرد: دو حج از حجهای شما؟ فرمود: بله، و چهار [حج]، امام صادق- علیه السلام - فرمود: مرتب عائشه تعجب می کرد و پیامبر [تعداد حجه را] کم و زیاد می کرد تا به هفتاد حج از حجهای رسول خدا-صلی الله علیه و آله - همراه با عمره هایش رسید».

پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله - فرمود: «مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ»^{xxxix} هر کسی او [حسین- علیه السلام -] را زیارت کند در حالی که آگاه به حقش است، خداوند ثواب هزار حج و عمره برای او می نویسد».

5. برآورده شدن حاجات

الف. امام باقر و صادق- علیهما السلام - فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ - عَلَيْهِ السَّلَام - مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ السَّقَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامَ زَائِرِيهِ حَائِبًا وَ رَاجِعًا مِنْ عُمْرِهِ»^{xxxix} به راستی خدای بلند مرتبه عوض شهادت امام حسین- علیه السلام - را، [چند امر] قرار داده است: امامت در نسلش، شفا یافتن در خاک قبرش، اجابت دعا در نزد مرقدهش، و [اینکه] ایام رفت و برگشت زائرینش از عمر زائر محسوب نمی شود».

ب. از امام صادق- علیه السلام - فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - فِي اللَّهِ وَ فِي اللَّهِ أَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَ آمَنَهُ يَوْمَ الْفِرْعَ الْأَكْبَرِ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ»^{xxxix} کسی که قبر حسین- علیه السلام - را برای خدا و در راه خدا زیارت کند، خداوند او را از آتش نجات داده و از ترس روز بزرگ [قیامت] امنیت می بخشد و حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت درخواست نمی کند؛ مگر اینکه خداوند برآورده می سازد».

6. افزایش رزق و روزی

الف. امام باقر- علیه السلام - فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ... وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ ... إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَتَهُ وَ أَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذُنُوبَهُ [ذَنْبَهُ] وَ مَدَّ فِي عُمْرِهِ وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ»^{xxxix} حسین- علیه السلام - صاحب [و شهید] کربلا است... بر خدای عزیز و جلیل حق است که غصه داری و... به زیارت او نیاید جز آنکه خدا مشککش را برطرف و خواسته اش را اجابت می کند و گناهانش را می پوشاند و عمرش را طولانی می کند و رزقش را افزایش می دهد».

ب. امام باقر- علیه السلام - فرمود: «مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - فَإِنَّ إِثْبَاتَهُ يَرْبِدُ فِي الرِّزْقِ وَ يَمْدُ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ»^{xxxix} شیعیان مرا برای رفتن به زیارت حسین- علیه السلام - امر کنید؛ زیرا رفتن به زیارت او رزق را افزایش و عمر را طولانی می کند، و بلاها را از انسان دور می سازد».

7. ثواب کثیر

الف. امام باقر- علیه السلام - فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَعَطَّيَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ - قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ آتَاهُ تَشَوُّقًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفَ شَهِيدٍ مِنْ شَهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَلْفَ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ - وَ ثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أَرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظًا سَنَّتَهُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَهْوَنُهَا الشَّيْءُ يُطَانُ وَ وَكَيْلٌ بِهِ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ فَإِنَّ مَاتَ سَنَّتَهُ حَضْرَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ يَخْضَرُونَ عُسْلَةً وَ أَكْفَانَةً وَ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَى قَبْرِهِ بِالْاسْتِغْفَارِ لَهُ - وَ يَفْسُخُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَ يُؤْمِنُهُ اللَّهُ مِنْ صَغَطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَنْ يَرُوعَانَهُ [يُرُوعَاهُ] - وَ يَفْتَحُ لَهُ بَابَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُعْطَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُورًا [نُورًا] يُضِيءُ لِنُورِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يُتَادِي مُنَادٍ هَذَا مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ شَوْقًا إِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمِيذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُورِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام -»^{xxxix} اگر مردم می دانستند که چه فضیلتی در زیارت قبر امام حسین- علیه السلام - است، از شدت اشتیاق [به زیارتش] می مردند و از حسرت آن، جانهایشان از بدنجا جدا می شد. پرسیدم: چه فضیلتی در آن است؟ فرمود: هر کس از روی اشتیاق به زیارت آن حضرت بیاید، خداوند برای او ثواب هزار حج قبول شده، پاداش هزار عمره پذیرفته شده، هزار شهید از شهدای جنگ بدر، هزار روزه دار، هزار صدقه قبول شده، سه هزار قربانی که برای رضای خدا باشد، [یا آزاد کردن هزار بنده در راه خدا] برای او می نویسد و در آن سال از هر آفت و بلائی محفوظ می ماند که کم ترین آنها شیطان است و برای او ملکی کریم گماشته می شود که او را از مقابل، و پشت سر، و راست، چپ، بالای سر و زیر پایش حفظ می کند، و اگر همان سال بمیرد، ملائکه رحمت الهی، برای غسل و کفن و طلب مغفرت نزد او حاضر می شوند و استغفارگویان او را تا قبرش تشییع می کنند و قبرش تا جایی که چشمش می بیند، توسعه می یابد و خداوند او را از فشار قبر و از اینکه نکیر و منکر او را بترسانند ایمن می کند و درکی به سوی بهشت برای او گشوده می شود و [در روز قیامت] نامه اعمالش به دست راستش داده می شود، و نوری به او عطا می شود که بین مشرق و مغرب را روشن می کند، آنگاه منادی ندا می کند: این شخص [با این همه منزلت] از زوار قبر حسین بن علی- علیهما السلام - است که با اشتیاق او را زیارت کرده است، پس احدی در قیامت باقی نمی ماند، مگر آنکه آرزو می کند ای کاش! از زوار حسین- علیه السلام - بود».

ب. امام باقر- علیه السلام - فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - وَ هُوَ مَعْمُومٌ - أَدَّاهُ اللَّهُ عَمَّهُ، وَ مَنْ زَارَهُ - وَ هُوَ فَقِيرٌ - أَدَّاهُ اللَّهُ فِقْرَهُ وَ مَنْ كَانَتْ بِهِ عَاهَةٌ فَدَعَا اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ عَنْهَا أَدَّاهُ اللَّهُ عَنْهَا عَمَّهُ، وَ فَرَّجَ هَمَّهُ وَ عَمَّهُ فَلَا نَدْعَ أَنْ نَأْتِيَهُ فَإِنَّكَ كُلَّمَا أَتَيْتَهُ كُتِبَ لَكَ بِكُلِّ خَطْوَةٍ تَخْطُوهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْكَ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَ كُتِبَ لَكَ ثَوَابُ شَهِيدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَهْرِيْقَ دَمَهُ فَإِيَّاكَ أَنْ تَفُونَكَ زِيَارَتَهُ»^{xxxix} کسی که قبر حسین- علیه السلام - را [در حالی که غمگین است] زیارت کند، خداوند غم او را برطرف می کند و کسی که او را زیارت کند [در حالی که فقیر است]، خداوند فقر او را برطرف می کند و کسی که بیماری داشته باشد و از خداوند بخواهد که آن را [شفا دهد] برطرف کند، خداوند آن را برطرف می کند و دعاکش مستجاب می شود و غم و غصه اش زدوده می گردد، پس مبادا زیارتش را ترک کنی؛ زیرا هر گاه به زیارت او روی، برای تو در هر قدمی ده حسنه نوشته می شود و ده گناه محو می گردد و ثواب شهیدی که در راه خدا خونش ریخته شده، نوشته می شود، پس [مواظب باش] مبادا زیارت حسین- علیه السلام - را از دست دهی».

در پایان، این نوشتار را با ابیاتی در وصف سید و سالار شهیدان-علیه السلام - مزین می کنیم.

عقل را دیوانه کردی یا حسین
 همتی مردانه کردی یا حسین
 عالمی پروانه کردی یا حسین
 در ره جانانه کردی یا حسین
 ساقی میخانه کردی یا حسین
 از محبت شانه کردی یا حسین
 هدیه جانانه کردی یا حسین
 گوش کردی یا نکردی یا حسین
 با خدا مستانه کردی یا حسین
 تا ابد غمخانه کردی یا حسین
 استن حنانه کردی یا حسین

cxxxvi

عشق را افسانه کردی یا حسین
 در ره معبود بی همتای خویش
 گرد شمع بی زوال خویشتن
 جان و مال و هستی خود را فدا
 خویشتن را بهر صهای شهود
 کاکل اکبر به هنگام وداع
 اصغر شیرین زبانت را چو گل
 العطش گویان طفلان از قضا
 ذکر یا رب اندر قتلگاه
 عالمی را در عزای خویشتن
 در فراق خرم دلخسته را

1. ابن قولویه، **کامل الزیارات**، دارالفکر، بیروت، 1409ق.
2. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، 1365ش.
3. عاملی، شیخ حر، **وسائل الشیعه**، نشر آل البيت، قم، چاپ اول، 1409 ق.
4. علوی شجری، محمد بن علی، **فضل زیارة الحسین - علیه السلام -**، مکتبه المرعشی، قم، 1403 ق.
5. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1403 ق.
6. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، 1407 ق.

مقام معظم رهبری- حفظه الله - حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در تاریخ 14 بهمن 1390 در خطبه های نماز جمعه تهران سخنان بسیار ارزشمندی را ایراد فرمودند که گزیده آن به مبلغان گرامی تقدیم می شود.

دستاوردهای انقلاب

انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مرهبان را به جای آن نشانید؛ وابستگی ای که کشور ما در طول سالهای متمادی گرفتار آن بود و در دوران پهلویها به فجیعترین و فزایندهترین وضع خود رسیده بود، از بین برد و استقلال همجانبه را به ملت ما داد؛ اختناق نفس گیری که بر ملت ما حاکم بود، از بین برد، آزادی به این ملت داد - آراء خودشان را، حرفهای خودشان را بتوانند آزادانه ابراز کنند؛ فضا، فضای آزادی شد - تحقیرشدگی تاریخی ملت ما را از بین برد، عزت ملی داد

دهها سال ملت ما تحقیر شد. این ملت بزرگ، با این سابقه تاریخی، با این موارث عظیم فرهنگی و علمی و تاریخی، در مقابل حکام زورگو و فاسد، و پشت سر آنها در مقابل مستعمران و سلطهگران بینالمللی تحقیر شد. انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی

امروز ملت ایران احساس عزت می کنند، احساس تشخص می کنند. انقلاب، ضعف نفس و خودکمبینی را در ملت ما از بین برد؛ به جای آن، اعتماد به نفس ملی را به ملت داد. ما خودکمبینی داشتیم؛ فکر می کردیم نه کار علمی از ما برمی آید، نه کار سیاسی از ما برمی آید، نه کار عظیم نظامی از ما برمی آید. ما فکر می کردیم يك ملت ضعیفی هستیم؛ این را به ما تلقین کرده بودند، تزریق کرده بودند. انقلاب این را از ملت گرفت، به جای آن، اعتماد به نفس ملی به ما داد.

ما امروز در همه میدانها اعتماد به نفس داریم؛ می دانیم که می توانیم، و دنبال این توانستن حرکت می کنیم، و همه جا هم بحمدالله به مقاصد ما می رسیدیم.

ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمی داد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به يك ملت آگاه و سیاسی. امروز نوجوانهای ما هم در دورترین نقاط کشور تحلیل سیاسی می کنند، حوادث سیاسی را درک می کنند، روی هر مسئله ای تحلیل می گذارند.

قبل از انقلاب این جور نبود. سیاستگرایی و سیاستفهمی مخصوص يك عده انگشتشمار در این کشور بود. مردم عموماً دور از حوادث کشور بودند؛ دولتها می آمدند و می رفتند، قراردادهای بینالمللی بسته می شد، کارهای بزرگ در دنیا انجام می گرفت، ملت خبر هم نمی شد. اینها خطوط اصلی این انقلاب است که این حوادث را در این کشور به وجود آورد. این اصول، نهادینه شده است؛ تثبیت شده است. این تحولات، سطحی نیست؛ مقطعی نیست. شعارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشاندهنده سلامت انقلاب است.

شعارها مثل انگشت اشاره ای هستند که به هدفها اشاره می کنند، هدفها را ترسیم می کنن. وقتی شعارها تثبیت شده در يك نظامی، در يك انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدفها در این نظام به شکل اول است، هدفها تغییر پیدا نکرده است، دست اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدفهای اصلی منحرف نشده اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.

نقاط قوت و ضعف کشور

در این دوره، در این سی و چند سال، زندگی ما تحت تأثیر همین خطوط اساسی قرار گرفته است ما پیشرفتهایی داشتیم، ضعفها و نقصهایی هم داشتیم. پیشرفتهامان را باید بشناسیم، ضعفهامان را هم باید بشناسیم. اگر ضعفهای خودمان را پنهان کنیم، نشنا سیم، تجاهل کنیم، این ضعفها خواهد ماند، نهادینه خواهد شد؛ برطرف نخواهد شد. همه نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم

نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوانهای عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال، مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم، این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه يك جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب، گاهی کمتر، اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم؛ که امروز محصول آن را داریم مشاهده می کنیم.

نقاط قوت

1. غلبه بر چالشها

مهم ترین نقطه قوت ما در این سی و دو سه سال، عبارت است از غلبه بر چالشها؛ این خیلی مهم است. ما يك ملتی نبودیم که سرمان را پائین بیندازیم، راهمان را برویم، کسی به ما کاری نداشته باشد؛ نه، از روز اول قدرتهای مجهز جهانی، مسلطین جهانی با ما کار داشتند؛ بنای بر اذیت گذاشتند، مانع تراشی گذاشتند؛ علیه ما جنگ تحمیل کردند، صدام را به جان ما انداختند، هشت سال ما را گرفتار کردند، تروریست آوردند، تحریم کردند. ما تا امروز بر همه این چالشها غلبه پیدا کرده ایم؛ یعنی هیچ کدام از این چالشها نتوانسته است ملت ما و انقلاب ما را پشیمان کند، به زانو دریاورد؛ ما بحمدالله راهمان را با قامت استوار ادامه دادیم. این مهم ترین نقطه قوت ما است.

يك نقطه قوت دیگر در این مدت، گسترش خدمات به ملت است، کم و کیفاً این خدمات نه با گذشته نزدیک قبل از انقلاب، بلکه با گذشتههای دور دست هم قابل مقایسه نیست. خدمات عظیمی که در سراسر کشور گسترش پیدا کرده است، هم کیفیتهای این خدمات بالا است، خدمات درجه اول است - مادی و معنوی - هم کمیت و گسترش آنها زیاد است. این يك نقطه قوت مهمی است.

2. پیشرفت علمی

نقطه قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفت‌ها خیلی مهم است. علم، پایه پیشرفت همه‌جانبه یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «**العلم سلطان**؛ علم، اقتدار است.» هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه دنیا زور بگویند البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان یک پیشرفت حتماً لازم است

پیشرفت‌های علمی ما در این مدت سی و چند سال، پیشرفت‌های حیرت‌آوری است. حالا فناوری هسته‌ای تصادفاً معروف شده است و همه توجه دارند - هم در کشور، هم در دنیا - لیکن فقط این نیست؛ فناوری هسته‌ای هست، علوم هوا فضا هست، علوم پزشکی هست - خوشبختانه امروز کشور ما حائز رشته‌های بسیار مهم و دست نیافتنی پزشکی است و کارهای بزرگ پزشکی در این کشور انجام می‌گیرد، زیست‌فناوری هست، نانوفناوری که از علوم جدید و دانش‌های نوئی است، هست، سلول‌های بنیادی که یکی از بزرگ‌ترین کارها در عرصه علم است، هست، شیب‌سازی، ساخت ابررایانه‌ها، فناوری انرژی‌های نو، رادیو داروهای مهم و داروهای ضد سرطان هست؛ و این فهرست ادامه دارد

اینهایی که من عرض می‌کنم، رجزخوانی نیست؛ این گواهی مراکز علمی معتبر دنیا است. آنها می‌گویند سریع‌ترین رشد علمی در همه دنیا در این سالها، در ایران اتفاق افتاده است. این گزارش سال 2011 م است که می‌گوید سریع‌ترین رشد علمی در همه دنیا در ایران اتفاق افتاده است. طبق گزارشی که مراکز علمی معتبر دنیا داده‌اند، رتبه علمی اول منطقه، ایران است. ما این رتبه اول علمی را برای سال 1404 ق در نظر گرفتیم؛ هنوز چهارده سال باقی است. همین سال میلادی گذشته گفتند ایران از لحاظ رتبه علمی در منطقه اول است، در دنیا هفدهم. در سطح دنیا رتبه علمی کشور ما هفدهم است؛ اینها خیلی مهم است. پس یکی از نقاط قوت ما، پیشرفت علمی است

3. پیشرفت در زیر ساخت‌های فنی

یکی دیگر از نقاط قوت ما، پیشرفت‌های کشور در ایجاد زیرساخت‌های فنی و مهندسی و صنعتی است؛ که هر وقت بینندگان خارجی آمدند دیدند و بازدید کردند، آنها را به تحسین وادار کرده است. این کارهای عظیمی که در زمینه ارتباطات، راه‌ها، ارتباطات مخابراتی و زیرساخت‌های گوناگون فنی و مهندسی و صنعتی و امثال اینها انجام گرفته است، یک داستان جداگانه است من واقعاً متأسف می‌شوم وقتی می‌بینم این گزارش‌های روشن و خوب، آنچنان که باید و شاید، به مردم داده نمی‌شود که مردم خوشحال بشوند؛ بفهمند در کشور چه اتفاقی دارد می‌افتد.

4. انتقال ارزشها به نسل دوم و سوم

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزش‌های انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه می‌کنید، می‌بینید این ارزشها را دریافت کرده‌اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضایی‌نژاد، که اوایل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، هژان انقلاب را درک نکردند، اما این جور با شجاعت، با شهامت درس می‌خوانند، تحصیلات می‌کنند، مقامات عالی را طی می‌کنند؛ می‌دانند و می‌فهمند هم که مورد تهدیدند، اما می‌روند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزش‌های انقلاب است در نسل سوم احمدی روشن و رضایی‌نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیایم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسل‌های دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه کار از انقلاب و پشتیبان از انقلاب داشته ایم، اما رویش‌های ما بیشتر از ریزش‌های ما بوده است نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند

5. اثرگذاری در مسائل عمده منطقه و جهان

یکی دیگر از نقاط مثبت ما در این مدت، ارتقاء جهش‌وار در اثرگذاری در مسائل عمده منطقه و مسائل جهان است. امروز نظام جمهوری اسلامی، یک کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر می‌گذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است

6. بنیه قوی در مواجهه با دشمن

یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه با دشمنها است. ما در مقابل دشمنها مضطرب نمی‌شویم، نگران نمی‌شویم، دغدغه پیدا نمی‌کنیم. بنیه نظام و بنیه کشور، بنیه مستحکمی است

7. ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی

یکی دیگر از نقاط قوت ما، ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی ما است؛ یعنی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه. هم حوزه‌های علمیه ما از لحاظ کمی و از لحاظ کیفی ارتقاء پیدا کرده است، هم دانشگاه‌های ما. اینها نقاط قوت ما است، و هر کدام از اینها شرح‌های طولانی می‌طلبند، آمارهایی دنبالش هست، و غیر از اینها هم نقاط قوت زیادی داریم

همه این پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و فنی در شرائط تحریم اتفاق افتاده است؛ این خیلی مهم است دروازه‌های علم را، دروازه‌های فناوری را بر روی ما بستند، راه‌ها را مسدود کردند، محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما این جور پیشرفت کردیم. این اتفاقها در شرائط تحریم افتاده است؛ این است که امیدها افزایش پیدا می‌کند.

نقاط ضعف

ما البته ضعفهایی هم داریم؛ این ضعفها را بایستی از بین ببریم. ضعفهای ما خطرهایی است که در سر راه ما است و در این مدت وجود داشته است و باید بعدها جلوی اینها را بگیریم.

1. گرایش به دنیاطلبی

اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافیگری یواش یواش از قبح افتاد. وقتی ما این جور شدیم، این سرریز می شود به مردم. میل به اشرافیگری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسانها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز می شود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا می شود.

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرفزدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض می‌کنم؛ این خطر است در راه ما. مصرفزدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا يك شایعه‌ای درست می‌شود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که مبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم می‌کند. ما به این مسئله توجه نمی‌کنیم. این یکی از ضعفهای ما است؛ ما این ضعف را بیلد برطرف کنیم.

2. نرسیدن به نقطه مطلوب در پیشرفت اخلاقی

یکی دیگر از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده ایم؛ این عقب‌ماندگی است. البته امروز در مقایسه با قبل از انقلاب، بر مراتب و مراتب بهتر است - در این هیچ شک نیست - اما باید پیشرفت می‌کردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه نفس هم پیشرفت می‌کردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت - ال عمران - 164

(يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) ^{xxxvii} - فقط يك جا از زبان حضرت ابراهیم، تعلیم مقدم است بنابراین ما از تزکیه اخلاقی و نفسی غفلت کردیم

3. عدم تحقق عدالت کامل اجتماعی

در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه مورد نظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده‌ایم؛ این هم از نقطه ضعفهای ما است. این ضعفها را بایستی جبران کنیم. اینها ضعفهایی است که نمی‌شود از آنها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه دارند این ضعفها را برطرف کنند. انشاءالله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعفها را برطرف کنیم و البته می‌شود برطرف کرد؛ اینها بدون تردید برطرف‌کردنی است.

1. مسئولیت پذیری راهکارها

خب، به نظر من کارهایی که باید انجام بگیرد برای اینکه این ضعفها برطرف شود، در درجه اول این نگاه به آینده است؛ در درجه اول مسئولیت پذیری ماها است. همه ما باید احساس مسئولیت کنیم؛ بخصوص مسئولین کشور و خدمتگزاران مردم باید احساس مسئولیت کنند. تقصیرها را گردن هم نیندازیم. اینجور نباشد که اگر يك جا يك نقصی پیدا شد، مجلس بگوید تقصیر دولت است، دولت بگوید تقصیر مجلس است، آن یکی بگوید تقصیر قوه قضائیه است؛ نه، حدود مشخص است. قانون اساسی خطوط را مشخص کرده است. وظائف همه معلوم است. رهبری مسئولیت دارد، دولت مسئولیت دارد، مجلس مسئولیت دارد، قوه قضائیه مسئولیت دارد، نیروهای نظامی مسئولیت دارند، دستگاه های اجرایی هر کدام مسئولیتها را دارند؛ به گردن هم نیندازیم. اشکالی به وجود می‌آید، متوجه رهبری است، رهبری متواضعانه قبول کند که این اشکال متوجه او است و سعی کند آن را برطرف کند. این یکی از اساسی‌ترین کارها است.

2. توجه به اصول

از ارزشهای اصولی نباید غافل شد سرگرم مسائل فرعی و فروع نشویم، از اصول غافل بمانیم

3. حفظ و اتحاد و همدلی

حفظ اتحاد و همدلی، یکی دیگر از وظایف ما است. بارها عرض کرده‌ایم که بین مسئولین باید اتحاد و همدلی باشد. سه قوه و دیگران باید با هم همدلی باشند، همگام باشند، همدست باشند؛ ولو يك جاهایی اختلاف نظرهایی دارند. اختلاف نظر اشکالی ندارد؛ اما بایستی در جهت گیریهای نظام و کشور و انقلاب پشت به پشت یکدیگر بدهند، دست یکدیگر را محکم بغشارند و به پیش بروند؛ هم اینها، هم مردم با هم، هم مردم با مسئولین این اتحاد و همدلی، علاج قطعی بسیاری از مشکلاتی است که در کشور وجود دارد

4. فریب نخوردن از دشمن

فریب لبخند دشمن و وعدههای دروغ جبهه دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند اوایل گاهی بعضی از ما باور می‌کردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعدههای دروغ دشمن را نخوریم. جبهه قدرت مادیای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکند. بدون هیچ دغدغهای عهدشکنی می‌کنند، زیر قولشان می‌زنند، زیر حرفشان می‌زنند، نه از خدا خجالت می‌کشند، نه از خلق خجالت می‌کشند، نه از طرف مذاکره خجالت می‌کشند؛ راحت دروغ می‌گویند! من نمونه‌های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحث نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که آمریکاییها کردند، رئیس جمهور آمریکا کرد؛ نامه ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها يك روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری‌اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فریب لبخند و وعده دروغ اینها را نخوریم

5. پرهیز از تنبلی

یکی هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، يك انسان را، يك خانواده را، يك کشور و يك ملت را تباہ می‌کند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. این که ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی تحرك اقتصادی باید جهادگونه باشد. خب، این راجع به مسائل انقلاب. حرف زیاد است، اما وقت کم است؛ به آن مسائل بعدی هم باید برسم.

انتخابات:

برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات، مصونیت‌بخش به کشور است.

حضور مردمی

آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ می‌کند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان می‌کشانند و آنها را از تعرض منع می‌کند و می‌ترساند، حضور مردمی است؛ که یکی از مظاهرش همین انتخابات است.

هرچه حضور پررنگ‌تر باشد، اعتبار و ارزش ملی بالاتر خواهد رفت. انتخابات هم همین جور است. هرچه صندوقهای رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد.

مشارکت مردم می‌تواند آینده کشور را تأمین و تضمین کند. يك مجلس صالح و سالم و قوی می‌تواند بر عملکرد همه دستگاه‌های کشور اثر بگذارد؛ بر عملکرد دولت، بر عملکرد قوه قضائیه، حتی بر عملکرد نیروهای مسلح می‌تواند اثر بگذارد. مجلس قوی، مجلس صالح، مجلس سالم، يك چینی وضعی دارد. خب، این مجلس را کی می‌تواند تشکیل بدهد، جز مردم؟ دشمن این را نمی‌خواهد. الان دو سه ماه است بوقهای تبلیغاتی دشمن دارند تلاش می‌کنند که مردم را ناامید و مأیوس کنند تا در انتخابات شرکت نکنند؛ بعضی هم در داخل بدون اینکه بفهمند چه کار دارند می‌کنند، متأسفانه با آنها هم صدا می‌شنوند! آنها مغرضند، اینها غافلند.

عدم القاء بحران

مسائل کوچک را نباید بزرگ کرد. نباید القاء بحران کرد. سعی می‌کنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟ کشور آرام، ملت قوی، بانشاط؛ این همه کار از سوی دستگاه‌های گوناگون، از سوی آحاد مردم در این کشور دارد انجام می‌گیرد. به توفیق پروردگار، امنیت کامل برقرار است. دستگاه‌ها با همدیگر همکاری داشته باشند اگر همکاری بکنند، کارها خیلی بهتر هم خواهد شد دشمن این را نمی‌خواهد.

رقابت سالم

آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت زنی و بدگویی به یکدیگر است. فضای انتخابات باید سالم باشد. مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را می‌شناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمی‌شناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند. مجریان انتخابات در اجرای درست انتخابات، دقت کامل را به کار ببرند. اینها چیزهایی است که می‌تواند يك انتخابات خوب را برای کشور به ارمغان بیاورد. این سی و دو سه انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز داشتیم، خوشبختانه همه اینها سالم بوده. البته در همه اینها کسای نی معترض بوده‌اند، اعتراضها رسیدگی هم شده، احیاناً تخلفات بوده است، اما هرگز عدم سلامت در انتخابات وجود نداشته است بعد از این هم باید همین جور باشد.

مسئولان مواظب باشند!

مسئولان از توطئه دشمن در کار انتخابات غافل نشوند آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأکنیاوردگان سال 88 رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه نامزدهای انتخابات و همه هواداران‌شان، خودشان را در مقابل توطئه احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا انشاءالله انتخابات خوبی داشته باشیم.

بازتاب گستردهٔ بیانات مقام معظم رهبری - حفظه الله - در رسانه‌های جهان

خبرگزاری انگلیسی رویترز در گزارشی از خطبه های نماز جمعه تهران نوشت: رهبر عالی ایران روز جمعه تأکید کرد که ایران در برابر فشارها برای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای خود تسلیم نمی‌شود و هشدار داد که ایران به تحریمها پاسخ خواهد داد.

رویترز همچنین به نقل از مقام معظم رهبری- حفظه الله - افزود: "من هیچ هراسی از این ندارم که بگویم ما از هر گروه یا ملتی که بخواهد با رژیم صهیونیستی مقابله کند، حمایت می‌کنیم." برخی روزنامه‌ها از جمله روزنامه پاکستانی داون عینا خبر رویترز را منعکس کردند.

خبرگزاری ترند جمهوری آذربایجان نیز به نقل از مقام معظم رهبری- حفظه الله - نوشت: انقلاب اسلامی برای مردم ایران آزادی و عزت به بار آورد.... انقلاب در ایران رژیم ضد اسلامی را در هم شکست و به جای آن رژیم اسلامی به وجود آورد و دیکتاتوری را به دموکراسی بدل کرد.

ترند همچنین به این فراز از سخنان مقام معظم رهبری- حفظه الله - که به بحرین اختصاص داشت، اشاره کرده و به نقل از معظم‌له، نوشته است: اگر ایران در بحرین دخالت کرده بود، شرایط به گونه‌ای دیگر می‌شد.

خبرگزاری فرانسه نیز به این فراز از سخنان مقام معظم رهبری-حفظه الله - توجه کرده است که ایران به تحریم نفتی و تهدیدات نظامی پاسخ خواهد گفت.

روزنامه صهیونیستی هآرتس نیز با بازنشر خبر خبرگزاری رویترز، به نگرانی نیک کلگ، معاون نخست وزیر انگلیس از هرگونه تجاوز نظامی به جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است.

خبرگزاری اسوشیتدپرس با اشاره به بیانات رهبر انقلاب اسلامی نوشت: رهبر عالی ایران با سرطانی توصیف کردن اسرائیل اعلام کرد که از هر ملت یا گروهی که در مقابل اسرائیل بایستد، حمایت می‌کند. [آیه‌الله] خامنه‌ای همچنین تصریح کرد که ایران از حماس و حزب الله در جریان نبرد با اسرائیل حمایت کرده است.

روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت نیز این فراز از بیانات مقام معظم رهبری- حفظه الله - را که "اسرائیل یک غده سرطانی است" به عنوان تیتر خود در بازتاب بیانات معظم‌له انتخاب کرده است. این روزنامه به نقل از مقام معظم رهبری-حفظه الله - اضافه کرده است که آمریکا هر چه بیشتر ایران را تهدید کند، خود بیشتر آسیب خواهد دید. روزنامه مزبور به هشدار ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز نیز اشاره کرده است.

خبرگزاری آلمان نیز در بازتاب سخنان مقام معظم رهبری- حفظه الله - نوشت: ایران با تحریمها و تهدیدات جنگی آمریکا و اتحادیه اروپا دست از برنامه هسته‌ای خود نخواهد کشید. آیه‌الله خامنه‌ای افزود که تحریمها طی سالهای اخیر باعث شده است که ایران به توانا بیهای بالقوه خود پی برده و از نظر تکنولوژیک از جمله تکنولوژی هسته‌ای پیشرفت کند و تأکید کرد که تحریمهای جدید نیز تفاوتی با تحریمهای گذشته ندارند.

این خبرگزاری همچنین به نقل از رهبر انقلاب اسلامی تصریح کرده است که ایالات متحده از گفتگو با ایران در هراس است و منطقی جز جنگ و خونریزی برای دسترسی به اهداف خود نمی‌شناسد.

خبرگزاری روسی نووستی نیز بیانات مقام معظم رهبری را به نقل از خبرگزاری رویترز بازتاب داده است.^{xxxviii}

چشم انداز فعالیتهای بین‌المللی حوزه تدوین شود

حضرت آیت الله مکارم شیرازی- حفظه الله -، در دیدار اساتید اعزامی حوزه به کشورهای مختلف فرمودند: باید برای فعالیتهای بین‌المللی حوزه یک برنامه کاربردی که تمام مسیر را روشن کند و به دور از کلی‌گویی باشد، تدوین شود.

ایشان در ادامه افزود: برای تبلیغ بین‌المللی باید افراد آماده، زبان دان و آشنا با ادبیات تربیت کنیم؛ البته منابع مالی در برابر برنامه ریزی و تربیت نیرو آسان ترین کار است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی- حفظه الله - با اشاره به ضرورت تهیه اطلس کامل اسلام و تشیع، اظهار داشت: باید افرادی فقط جهت جمع آوری آمار و اطلاعات مسلمانان و شیعیان به کشورهای مختلف اعزام شوند و نتیجه آن به صورت جزوه، در اختیار مبلغان قرار گیرد.

استاد درس خارج حوزه به نکاتی که باید در تبلیغ بین الملل مورد توجه قرار گیرند، اشاره کرد و فرمود: مبلغان بدانند گوش شنوا برای مکتب اهل بیت- علیهم السلام - در دنیا فراوان است؛ چون این مکتب منطقی است.

همچنین دومین نکته قابل اهمیت در تبلیغ بین‌المللی را توجه به آوازه انقلاب اسلامی دانسته و افزودند برای مردم دنیا مستقل ایستادن و دنیای دوقطبی را درهم شکستن مهم است و می‌خواهند بفهمند مکتب اسلام و انقلاب اسلامی چه می‌گوید.^{xxxix}

مردم در انتخابات مجلس به بدخواهان نظام فرصت میدان داری ندهند

حضرت آیت الله حسین نوری همدانی- حفظه الله -، در دیدار شماری از طلاب و دانشجویان، با اشاره به در پیش بودن انتخابات، بر ضرورت حضور حداکثری و پرشور مردم در انتخابات تأکید و تصریح کرد با ایفای مسئولیت و حضور در صحنه، نباید میدان را برای افرادی که علیه نظام فکر و عمل می‌کنند باز کنیم.

ایشان با تأکید بر اینکه همه باید قدردان انقلاب بوده و دین خود را به نظام، امام و شهدا ادا کنند، افزودند: باید توجه داشته باشیم که دشمنان همواره در کمین ما هستند و می‌خواهند به هر طریق ممکن به نظام ضربه بزنند و ما باید در این خصوص هوشیار باشیم.^{xl}

حضرت آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی- حفظه الله - در دیدار مسئولان و اساتید بنیاد علمی و فرهنگی «هاد» اظهار داشتند: مسئولیت روحانی و شخصی که این لباس را می‌پوشد، مسئولیت بسیار بزرگی است. هر چه ما بیشتر قداست مقام و سنگری را که در آن هستیم نگه بداریم و به مردم معنویاتی را که باید داشته باشیم، ارائه دهیم، دین بیشتر تبلیغ می‌شود؛ اهل بیت- علیهم السلام - بیشتر ترویج می‌شوند.

ایشان در ادامه افزودند: در روایات و دستورات، اهل بیت- علیهم السلام - آنچه را که برای هدایت مردم در رشته های مختلف شئون اخلاقی لازم است، بیان کرده‌اند، نهایت این است که باید اینها تبلیغ و به مردم رسانده شود

آیت الله صافی گلپایگانی- حفظه الله - خاطر نشان کردند: بعد هم می‌توانیم با عمل و هم با لفظ و تبلیغ، این اخلاق کریمه را به دنیا انتقال بدهیم. هر کجا هم که این اخلاق بیان شود، فطرت بشر آنها را می‌پذیرند و استقبال می‌کنند.^{cxli}

برکات حضور روحانیت در جبهه‌ها برای جوانان تبیین شود

آیت الله مرتضی مقتدایی، در دیدار مسئولان قرارگاه راهیان نور کشور گفت: بیش از پیش حضور علما و روحانیت را در جبهه های جنگ تحمیلی برای مردم تبیین کرده و با ساخت فیلمها و آثاری در این باره، نشان دهید که حضور علما و روحانیون در جبهه چقدر در روحیه دادن به رزمندگان اسلام مؤثر و با برکت بوده است.

وی افزود: حضور شخصیت‌های بزرگوار هم‌چون شهید آیت الله مدنی، شهید آیت الله اشرفی اصفهانی و نیز مرحوم آیت الله مشکینی و ... در دوران دفاع مقدس در جمع رزمندگان باید برای توده‌های مردم و به ویژه نسل جوان بیان شود

آیت الله مقتدایی اظهار داشت: در این روزگار قطعا، حفظ آثار شهادت و تبیین حماسه های شهدای عزیز باعث می‌شود که جامعه ما همچنان با روحیه شهادت طلبی در مقابل دشمنان بایستد و از نظام و انقلاب به خوبی حراست کند

وی خاطر نشان کرد: حضور اقشار مختلف جامعه اعم از دانشجو، استاد، طلبه و غیره در مناطق عملیاتی دفاع مقدس، باعث تحولی در درون آنها می‌شود که این کار با آموزش روایان و نیز بررسی‌های کارشناسی بیشتر، قطعا تأثیرات به مراتب بیشتری بر جای خواهد گذاشت

مدیر حوزه‌های علمیه یادآور شد: در زمانه ای که تهاجم فرهنگی دشمن، باورها و اعتقادات نسل جوان ما را نشانه رفته است، کار شما در احیای یاد شهدا اثر والایی دارد و به ویژه در راستای مقابله با شیئات اعتقادی و تقویت دین داری و معنویت گرایي مردم و جوانان بسیار مؤثر و کارآمد است

وی در پایان بر لزوم وجود روحانیون در همه کاروانهای راهیان نور کشور تأکید کرد و افزود: سعی کنید که در کاروانها، از وجود روحانیون کارآزموده و مجرب، بهره ببرید و در صورت نیاز، به آنها آموزش‌های لازم را ارائه کنید.^{cxlii}

حضور فعال و مؤثر نیروهای انقلابی در فضای سایبری ضروری است

معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه در جمع طلاب فعال در فضای سایبری اظهار داشت حضور فعال و مؤثر نیروهای انقلابی در فضای سایبری با هدف تقویت جبهه اسلام و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی ضروری است

حجت‌الاسلام والمسلمین نبوی تلاش برای بهره‌گیری هر چه بیشتر از رسانه‌های داخلی و خارجی را یکی از اهداف مهم دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی دانست.

وی در تشریح میزان حضور و بهره‌گیری دشمنان از رسانه‌ها اظهار داشت: مطبوعات یکی از عرصه‌هایی است که دشمن تلاش جدی برای بهره‌گیری از آن دارد؛ لکن به خاطر نظارت نهادها و ارگانهای مربوط، چندان فرصت تخریب و توطئه پیدا نمی‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نبوی افزود: بحمدالله صدا و سیما که یکی از مهم ترین ابزارهای رسانه‌ای است، در اختیار نظام است هر چند گاهی اوقات به خاطر ضعفها، نفوذهایی هم از سوی دشمنان صورت می‌گیرد.

وی فضای سایبری را اساسی ترین و مهمترین جایگاه حضور و فعالیت دشمنان اسلام و انقلاب دانست و گفت: به خاطر کنترل و نظارت کمتر، کم هزینه و ارزان بودن و تنوع حضور افراد در فضای مجازی، دشمنان برای حضور و فعالیت در آن برنامه‌های مختلفی دارند.

معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه اظهار داشت: دشمنان به خاطر هزینه‌ها و لوازمی که برای راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای وجود دارد حتی در این عرصه از رسانه هم کمتر از فضای مجازی حضور دارند

این استاد حوزه و دانشگاه فشارهای سیاسی و اقتصادی دشمنان بر ایران را در 33 سال اخیر بی‌سابقه دانست و تأکید کرد: رهبر انقلاب یکی از بزرگترین نعمتهای خداوند متعال است و درک و فهم عمیق و فوق‌العاده الهی ایشان در برخورد با حرکات دشمنان یکی از مهمترین عوامل پیروزی ما بوده است

وی تصریح کرد: در سال 88 تمام طیف‌های دشمنان داخلی و خارجی بر حضور در انتخابات اتفاق نظر پیدا کرده بودند؛ اما در انتخابات پیش رو حتی کشورهای معاند عربی هم بر عدم حضور تأکید می‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نبوی اظهار داشت: مبلغان در عرصه جامعه و فضای مجازی باید تلاش کنند تا ملاک‌های انتخاب اصلح و ولایی را برای مخاطبان تبیین نمایند.

معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه همچنین از طلاب و روحانیان دعوت کرد تا خدمات، دستاوردها و فعالیت‌های ارزنده نظام و دولت جمهوری اسلامی را برای مردم تشریح کنند.

وي در پایان اظهار امیدواری کرد با لطف و عنایت خداوند متعال و تلاش همه دلسوزان و علاقمندان به نظام مقدس جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس شورای اسلامی با حضور حداکثری مردم فهیم ایران برگزار شود^{cxliii}

فراخوان ایده ها و طرحهای فیلمنامه نویسی

حجت الاسلام جواد اسماعیلی، مدیر دفتر امور رسانه های معاونت تبلیغ گفت: نخستین کارگاه فیلمنامه نویسی پیشرفته به همت اداره امور رسانه های این معاونت، آغاز به کار کرد

وی در ادامه افزود: این کارگاه با هدف تولید محتوای دینی و جریان سازی فرهنگی راه اندازی شده است.

حجت الاسلام اسماعیلی با ابراز خوشنودی از توجه طلاب جوان و مستعد به این کلاسها اظهار داشت: شرکت کنندگان در این کارگاه جمعی از فارغ التحصیلان گرایش هنر و رسانه معاونت تبلیغ در مقطع کارشناسی ارشد هستند

وی خاطر نشان کرد: در آینده دوره های آموزش رسانه در حوزه های علمیة سایر استانها برگزار خواهد شد

مدیر امور رسانه های معاونت تبلیغ یادآور شد: همچنین از طلاب و مبلغان علاقمند دعوت می شود جهت بهرمندی از سیاستهای حمایتی، ایده ها و طرحهای خود را در زمینه های داستانی، کودک، مستند، گزارشی و مقالات پژوهشی در حوزه های مختلف رسانه و ...، در بانک ایده این اداره به ثبت برسانند.

وی تأکید کرد: با توجه به برنامه ریزیهای صورت گرفته، حق مالکیت معنوی آثار، برای ثبت کنندگان محفوظ خواهد بود^{cxliiv}

نا امن کردن انتخابات از برنامه های جدی دشمنان است

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن نبوی در مراسم گرامی داشت دهه فجر انقلاب اسلامی در جمع بانوان طلبه جامعه الزهرا- علیها السلام - قم گفت: نعمت هدایت از همه نعمتها بالاتر است و خداوند نعمت امیرالمؤمنین علیه السلام - در این زمینه را به ما عنایت کرده است

وی با بیان این که نعمت حکومت دینی از دیگر نعمات خداوند است که باید شکر آن را به جای بیاوریم، افزود: امروز در سراسر کره زمین کدام حکومت است که یک دهم نظام اسلامی به دنبال اجرای معارف قرآن و اهل بیت- علیهم السلام - باشد.

معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیة با بیان این که برای بدست آوردن این نعمت هزینه های زیادی کرده ایم خاطر نشان کرد: خداوند ما را به جهان فضیلت داده؛ چرا که یک کشور تحقیر شده که کارمند همجنسهاز سفارت آمریکا به شاه آن کشور، دستور می داد امروز در اوج قدرت است.

وی یادآور شد: امروز ایران تبدیل به کشوری شده است که تمام تفکرات آمریکایی و اروپایی جمع شده و برای تحریم آن برنامه می ریزند، اما مقام معظم رهبری- حفظه الله - در یک سخنرانی یک ساعته همه آنها را له می کند.

حجت الاسلام والمسلمین نبوی بیان داشت: ایران را تحریم نفتی کرده اند و ایران گفت: اصلا به شما نفت نمی دهیم، چهار کشور اروپایی دست و پا می زنند و خواهش می کنند که به ما فرصت دهید تا آن تحریمها را لغو کنیم

وی ادامه داد: در بعد علمی آنقدر ایران تحقیر شده بود که اصلا نمیتوانست فکر کند که پا به پای آمریکا موشک قاره پیمای و ماهواره بر می سازد.

معاون تبلیغ حوزه گفتند: به دلیل تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در جهان، مردم در 80 شهر آمریکا به نفع ایران تظاهرات کردند

وی با اشاره به این که حاکمان مزدور کشورهای عرب و تمام دنیای کفر، بر تحریم انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران تأکید دارند گفت: پیش بینی آنها شرکت 30 درصد مردم در انتخابات است. تمام پیشرفتهای ایران به پشتوانه مردمی نظام اسلامی است؛ بنابراین مردم باید با حضور گسترده در پای صندوقهای رأی چشم جهان کفر را کور کنند

حجت الاسلام والمسلمین نبوی با بیان این که بعضی ها می گویند شرکت ما در انتخابات و راهپیماییها چه تأثیری دارد افزود: تمام ماهواره های غرب دقیقا شهرهای ایران را یک یک رصد می کنند و حضور مردم در صحنه، در مراکز تصمیم ساز آنها مورد تحلیل قرار گرفته و اگر در شهری حضور کمی مشاهده گردد، به آن شهر طمع بیشتری می کنند.

وی با اشاره به انتخاب افراد اصلح برای مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: نظام به دنبال حذف نیروهای اصلاح طلب نیست، بلکه به دنبال حذف نیروهای فاسد است چه اصلاح طلب باشند و چه غیر آن؛ بنابراین باید نیروهای ولایتی وارد مجلس شوند

معاون تبلیغ حوزه با اشاره به سخنان صریح مقام معظم رهبری- حفظه الله - در خطبه های نماز جمعه اخیر تهران تصریح کرد: مقام معظم رهبری- حفظه الله - با صراحت اعلام کردند که هرکس با اسرائیل مخالفت کند ما از او حمایت می کنیم! بعضی ها می گویند: چرا ایشان با این صراحت می گویند، عرض می کنم چرا نگویند؛ چرا آمریکا صراحتا از اسرائیل به خاطر کینه و دشمنی با اسلام حمایت می کند ولی ما از دشمنان اسرائیل به خاطر اسلام حمایت نکنیم^{cxlv}

بانک اطلاعاتی طلاب هنرمند (طه)

حجت الاسلام اسماعیلی، مدیر کل دفتر امور رسانه های معاونت تبلیغ حوزه های علمیة طلاب هنرمند در رشته های مختلف هنری و رسانه ای دعوت به همکاری می کند.

وی در ادامه افزود: این اداره کل در راستای تحقق اهداف عالی تولیدی و نظارتی خود، نیازمند حضور فعال دانش آموختگان هنر و رسانه است

حجت الاسلام اسماعیلی اظهار داشت: از طلاب واجد شرایط دعوت می شود تا با نام نویسی در بانک اطلاعاتی طلاب هنرمند (طه)، در رشته های مختلف تجسمی، تصویری، نمایشی و.. با مشارکت در تمرکز فعالیتهای هنری طلاب و روحانیون، در اولویت همکاری با این مرکز قرار گیرند

گفتنی است، اداره کل امور رسانه های معاونت تبلیغ حوزه های علمیه، تنها تشکل رسمی حوزه است که به نمایندگی از این نهاد با رسانه های کشور ارتباط و همکاری دارد^{cxlvi}

از آنجا که مبلغان گرامی در بعضی از مواقع نیاز به برقراری ارتباط با برخی مراکز پاسخگویی به مسائل دینی پیدا می کنند، اسامی آنها به همراه طریقه ارتباط گرفتن با این مراکز به ترتیب ذیل ارائه می گردد؛ امید است در جهت پیشبرد اهداف متعالی دین مبین اسلام و خدمت رسانی به جامعه مبلغان و روحانیون گرامی، مفید واقع شود

مراکز پاسخگویی اینترنتی

1. ستاد ساماندهی پاسخگویی دینی (<http://www.porsojoo.com>)
2. اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها (<http://www.pasokhgoo.ir>)
3. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی (<http://www.morsalat.com>)
4. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی شعبه اصفهان (<http://www.eporsesh.com>)
5. پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی خراسان [ایپرسش] (<http://www.eporsesh.com>)
6. مؤسسه در راه حق (<http://www.darrahehaq.com>)
7. مؤسسه فرهنگی رواق حکمت (<http://www.islamquest.net>)
8. فرهنگسرای پرسش (<http://www.porsesh.ir>)
9. مرکز تخصصی مهدویت (<http://www.mahdi313.org>)
10. اداره پاسخگویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی (<http://www.razavi.tv>)
11. مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات [حوزه علمیه قم] (<http://www.andisheqom.com>)
12. پژوهشکده دار الحدیث [واحد پاسخگویی به پرسشهای حدیثی] (<http://www.hadith.net>)
13. واحد پاسخگویی به سؤالات جامعه الزهراء-علیها السلام - [ویژه خواهران] (<http://www.jz.ac.ir>)
14. مشاوره و پاسخگویی مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان (<http://www.tebyan.net>)
15. مؤسسه آموزشی- پژوهشی مذاهب اسلامی (<http://www.mazaheb.com>)
16. بعثه مقام معظم رهبری [مرکز تحقیقات حج] (<http://whc.ir/www.hajj.ir>)
17. مؤسسه مشاوره و پاسخگویی مؤسسه امام خمینی- رحمه الله - (<http://www.moshavere.org>)
18. پژوهشکده تحقیقات اسلامی [نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران] (<http://www.tooba.net>)
19. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی [پاسخگویی حوزه نت] (<http://www.hawzah.net>)
20. مؤسسه آینده روشن [پژوهشکده مهدویت] (<http://www.intizar.ir>)
21. مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر. (<http://www.valiasr-aj.com>)
22. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی (<http://www.erfan.ir>)
23. مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (<http://www.quransc.com>)
24. مؤسسه قرآنی معجزه ماندگار خاتم (<http://www.qurankhatam.ir>)
25. دبیرخانه دائمی اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی (<http://www.ejasmahdi.ir>)
26. شبکه رادیو معارف [برنامه های پرسش و پاسخ] (<http://www.radiomaaref.ir>)
27. مجمع جهانی آل البيت (<http://www.al-shia.org>)
28. مجمع جهانی شیعه شناسی (<http://www.shiastudies.com>)
29. مرکز نشر معارف اسلامی در جهان (<http://www.musavilari.org>)

30. مرکز حقایق اسلامی (<http://www.al-milani.com>)
31. مرکز پژوهشهای اعتقادی (<http://www.aqaed.com>)
32. بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء (<http://www.esra.ir>)
33. مؤسسه صدای بهار (<http://www.eshia.ir>)
34. مؤسسه فرهنگی هنری نور راسخون (<http://www.rasekhood.net>)
35. مؤسسه فرهنگی اطلاع رسانی نور پورتال (<http://www.noorportal.net>)
36. مرکز تحقیقات رایانه ای فاطمیه اصفهان (<http://www.ghaemiyeh.com>)
37. مرکز اسلامی امام علی- علیه السلام - (<http://www.markazeslami.com>)
38. مؤسسه فرهنگی میرداماد استان گلستان (<http://www.mirdamad.org>)
39. مؤسسه فرهنگی و دینی نور معرفت کرج (<http://www.nooremarefat.ir>)
40. مؤسسه فرهنگی موعود مشهد (<http://www.iran-nlp.com>)
41. مؤسسه بیان معرفت مشهد (<http://www.bayanemarefat.com>)
42. کانون رهپویان وصال شیراز (<http://www.rahpouyan.com>)
43. کانون اندیشه جوان (<http://www.porsan.ir>)
44. شبکه گسترش اطلاعات فرهنگی رافد (<http://www.rafed.net>)
45. مؤسسه فرهنگی- تحقیقاتی امیرالمؤمنین- علیه السلام - (<http://www.nahjbalaghe.com>)
46. مؤسسه جهانی سبطيند (<http://www.sibtayn.com>)
47. مؤسسه جهانی تبلیغ و ارشاد (<http://www.alawy.net>)
48. مرکز تحقیقاتی جواد الائمه- علیه السلام - (<http://www.emamjavad.com>)
49. مؤسسه فرهنگی نجم الهدی (<http://www.najmolhoda.ir>)
5. مؤسسه اسلام و مسیحیت (<http://www.ngoic.com>)
51. مؤسسه گفتگوی دینی (<http://www.goftogo.ir>)
52. مؤسسه ابوطالب- علیه السلام - (<http://www.abutalib.in>)
53. معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (<http://www.balagh.net>)
54. معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه (<http://www.mobaleghan.com>)
55. پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی [دفتر تبلیغات اسلامی] (<http://www.monjee.com>)
56. مرکز فرهنگ و معارف قرآن [دفتر تبلیغات اسلامی] (<http://www.maarefquran.com>)
57. مؤسسه تعلیماتی تحقیقاتی امام صادق- علیه السلام - [آیت الله العظمی سبجانی] (<http://www.imamsadeq.com>)
58. مؤسسه بهداشت معنوی (<http://www.behdashtemanavi.com>)
59. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی (<http://www.taghrib.ir>)
60. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (<http://www.islamicfeqh.com>)
61. دفتر پژوهشی و اطلاع رسانی وتر آل یاسین (<http://www.emammahdi.com>)

62. دانشکده اصول الدین (<http://www.osool.ac.ir>)
63. مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما (<http://www.irc.ir>)
64. مؤسسه ولاء منتظر (<http://www.v-montazar.com>)
65. دائرة المعارف کامپیوتری علوم اسلامی (<http://www.mawsoah.org>)
66. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (<http://www.womenrc.com>)
- مراکز پاسخگویی آنلاین
1. اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها (<http://www.porseman.org/qa>)
 2. سایت جامع تبلیغ «ذی طوی» (www.zitova.ir)
 3. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی (<http://www.09640.ir>)
- انجمنهای پاسخگویی
1. انجمن پاسخگویی «ذی طوی» (www.zitova.com)
 2. انجمن پاسخگویی کانون گفتگوی قرآنی (www.Askquran.ir)
 3. انجمن پاسخگویی گفتگوی دینی (www.Askdin.com)
- مراکز پاسخگویی الکترونیک
1. اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها (info@porseman.org)
 2. مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی (info@pasokhgoo.ir)
 3. مرکز پاسخگویی به سؤالات دینی شعبه اصفهان (porsesh@morsalat.com)
 4. پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی خراسان [ایپرسش] (eporsesh@gmail.com)
 5. مؤسسه فرهنگی رواق حکمت (info@islamquest.net)
 6. مؤسسه در راه حق (info@darrahehaq.com)
- مراکز پاسخگویی تلفنی
1. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی: 09640
 2. سامانه پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی [سازمان تبلیغات اسلامی]: 09650
 3. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی شعبه اصفهان: 09640
 4. فرهنگسرای پرسش: 03112351300
 5. مرکز تخصصی مهدویت: 02517833770
 6. آستان قدس رضوی [اداره پاسخگویی به سؤالات دینی و اطلاع رسانی]: 05112020
 7. پژوهشکده دارالحدیث [واحد پاسخگویی به پرسشهای حدیثی]: 02517741412
 8. مرکز مشاوره و پاسخگویی مؤسسه امام خمینی-رحمه الله -: 02512113653-5
 9. مرکز مشاوره حوزه علمیه قم: 02517832855
 10. پژوهشکده تحقیقات اسلامی: 0517222215
 11. مؤسسه آینده روشن: 02517800800

12. مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی: 02517735357
 13. واحد پاسخگویی به سؤالات مسجد مقدس جمکران: 02517739968
 14. مرکز حقائق اسلامی: 02517739968
 15. بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء: 02517717500
 16. دفتر پاسخگویی به سؤالات دینی حوزه علمیہ قزوین: 02812246058
 17. مرکز تحقیقات رایانہی قائمیہ اصفهان: 03112350534
 18. مرکز اسلامی امام علی- علیہ السلام - : 02294370349
 19. مؤسسہ فرهنگي منیر تبریز: 04114419222
 20. مؤسسہ فرهنگي پژوهشي قرآني منهاج اندیشہ کرمانشاہ: 08318212100
 21. مؤسسہ دین پژوهان مهز: 02517759880
 22. مؤسسہ فرهنگي میرداماد استان گلستان: 0911952500
 23. طرح مبین ستاد پاسخگویی به سؤالات در پاکدشت: 02617302340
 24. مؤسسہ جهانی سبطين- علیہما السلام -: 02517725228
 25. مؤسسہ اسلامی جهانی تبلیغ و ارشاد: 02517741737
 26. کلینیک مشاوره و راهنمایی بلاغ: 0251738687
 27. مرکز تحقیقاتي جواد الائمه- علیہ السلام - : 02517837163
 28. دفتر پژوهشہای اسلامی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور: 02517744858
 29. بنیاد فرهنگي پیام اسلام: 02517741847
 30. مرکز مشاوره قرآني بشري: 02512906657
 31. جامعہ علوم القرآن: 02512934425
 32. مرکز فرهنگي - تبلیغی قرآن و عتہ نبی- صلی اللہ علیہ وآلہ -: 02517831199
- مراکز پاسخگویی پیامکی
1. اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبري در دانشگاهها: 30001619
 2. مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی: 30009640
 3. پاسخگویی به سؤالات و شبہات دینی خراسان [ایپرسش]: 30007461
 4. مؤسسہ در راه حق: 1000222333444
 5. مؤسسہ فرهنگي میرداماد گلستان: 30007650001115

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه‌ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهی

مدیران محترم مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند

پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردکتر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

1. وظایف کسانی که دارای قدرت، ثروت و اعتبار مردمی هستند، نسبت به محرومان جامعه چیست؟

الف. شناخت نیازمندان و کمک به آنها

ب. سازماندهی مردم و کمکهای مردمی و شرکت در جلسات کمک رسانی

ج. دفاع از حقوق محرومان و اطلاع رسانی به متولیان

2. ... می فرماید: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ ...»

الف. امام باقر- علیه السلام - سَرَّ اللهُ

ب. پیامبر گرامی اسلام- صلی الله علیه وآله - سَرَّ اللهُ

ج. امام باقر- علیه السلام - از قول پیامبر- صلی الله علیه وآله - سَرَّتى

3. جمله «علمای اسلام موظف اند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند» از کیست؟

الف. شهید مطهری- رحمه الله -

ب. امام خمینی- قدس سره -

ج. شهید بهشتی- رحمه الله -

4. اولین گردهمایی توأبیین بعد از شهادت امام حسین علیه السلام - در منزل چه کسی صورت گرفت؟

الف. سلیمان بن صُرد

ب. مسیب بن نجبه

ج. رفاعه بن شداد

5. روایت «الْعُمْرُ الَّذِي أَعَدَّ اللَّهُ فِيهِ إِلَى ابْنِ آدَمَ سِتُونَ سَنَةً» از کیست؟

الف. امام صادق- علیه السلام -

ب. امام علی- علیه السلام -

ج. امام رضا- علیه السلام -

6. سلیمان بن صرد پس از آنکه رهبری قیام توأبیین را به عهده گرفت، چه کرد؟

الف. در بیرون شهر کوفه اردو زد تا برای انتقام از قاتلین امام حسین-علیه السلام - آماده شود.

ب. نامه هایی به بزرگان شیعه نوشت و آنان را از گردهمایی توأبیین و تصمیمشان باخبر ساخت.

ج. نامه ای به حاکم کوفه نوشت و او را از نیت خود باخبر ساخت

7. اختلاف نظرهای مختار با توأبیین در چه بود؟

الف. توأبیین معتقد بودند پیش از جنگ با امویان، بایستی مجرمان کوفه را از بین برد؛ ولی مختار بر این عقیده نبود

ب. مختار، سلیمان بن سُرْد را برای فرماندهی توأبین شایسته نمی‌دانست.

ج. هدف مختار تشکیل حکومت مستقل نبود؛ لکن توأبین در تدارک تشکیل حکومتی شیعی بودند.

8. برخی برخوردهای مستقیم امام حسن عسکری علیه السلام - با منحرفان عبارتند از:

الف. تلاش وسیع علمی - برخورد با ثنویه

ب. توجیه و راهنمایی بزرگان شیعه - برخورد با منحرفان از امت

ج. برخورد با غلات - برخورد با صوفیه

9. فرقه‌هایی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام - فعالیت داشتند، عبارتند از:

الف. صوفیه، غلات، ثنویه

ب. ثنویه، شیخیه، منحرفین از امت

ج. بهائیه، غلات، صوفی

10. چرا برخی از امامزادگان به ایران سفر کردند؟

الف. علاقه، آگاهی و معرفت شیعیان ایران نسبت به ایشان و هجرت امام رضا علیه السلام - به خراسان.

ب. رحلت و دفن پیکر مطهر حضرت فاطمه معصومه- علیها السلام - در قم و ایجاد شرایطی بهتر برای جذب نیرو علیه حاکمان وقت.

ج. همه موارد

11. «سید موسی مبرقع» از نوادگان ... و اکنون در ... مدفون است .

الف. امام هادی- علیه السلام - . وادی السلام نجف اشرف

ب. امام جواد- علیه السلام - . چهل اختران قم

ج. امام رضا- علیه السلام - . قبرستان ابوطالب

12. تاریخچه تأسیس حوزه علمیه قم به چه زمانی باز می‌گردد؟

الف. قرن اول هجری که عبدالله اشعری اولین کرسی فقهی را در قم پایه گذاری کرد

ب. در عصر امام حسن عسکری- علیه السلام - که علی بن بابویه آن را تأسیس کرد

ج. در دوران صفویه که آیت الله حائری یزدی آن را تأسیس کرد

13. این روایت از کیست؟

[تَأْرُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ

«سَتَخْلُو كَوْفَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْرُرُ بِأَرْزُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرُرُ بِطَهْرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ»

الف. امام رضا- علیه السلام -

ب. امام صادق- علیه السلام -

ج. امام عسکری- علیه السلام -

14. «خاطره» به معنای ... است.

الف. انعکاس یک رویداد یا پدیده تلخ و شیرین

ب. انعکاس رویدادی شیرین و دلنشین

ج. هیچکدام

15. جمله زیر از کیست؟

«انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مردم سالار به جای آن نشاند.»

الف. امام خمینی- رحمه الله -

ب. شهید بهشتی

ج. مقام معظم رهبری- حفظه الله -

پاسخنامه مجله مبلغان شماره 150

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
															الف
															ب
															ج

نام:.....نام خانوادگی:.....کد یا شماره پرونده.....

آدرس:.....

.....

- i. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۳، ص ۳۷۱.
- ii. بلد/ ۱۱ تا ۱۶.
- iii. کافی، شیخ کلینی، ج ۸، ص ۱۳۳.
- iv. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- v. آثار موضوعی امام(، تبیان، دفتر دهم، ص ۲۷۴؛ ولایت فقیه، ص ۲۸.
- vi. آثار موضوعی امام(، تبیان، دفتر دهم، ص ۲۷۵؛ صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۸.
- vii. آثار موضوعی امام(، تبیان، دفتر دهم، ص ۲۷۶؛ صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۹.
- viii. اعلام الوری، طبرسی، ص ۳۲۷.
- ix. تاریخ طبري، طبري، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید، ج ۴، ص ۴۲۶.
- x. الكامل في التاريخ، ابن اثیر جزري، عز الدين ابو الحسن علي بن محمد، ج ۳، ص ۳۳۲.
- xi. همان، ج ۴، ص ۱۵۹.
- xii. کامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۰.
- xiii. المجهرة انساب العرب، ابن الحزم الأندلسي، ابو محمد علي بن احمد بن سعيد، ص ۲۹۹.
- xiv. بحار الانوار، مجلسي، محمد باقر، ج ۴۵، ص ۲۳۳.
- xv. تاریخ طبري، طبری، ج ۴، ص ۴۳۱؛ کامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.
- xvi. تاریخ طبري، طبری، ج ۴، ص ۴۲۹.
- xvii. همان، ص ۴۳۱.
- xviii. الكامل في التاريخ، ابن اثیر جزري، ج ۴، ص ۳۴۰.
- xix. انساب الاشراف، البلاذري، احمد بن يحيى بن جابر، ج ۵، ص ۳۰۷.
- xx. تاریخ طبري، طبری، ج ۷، ص ۶۷.
- xxi. همان، ج ۷، ص ۵۴.
- xxii. بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ۴۵، ص ۲۳۳.
- xxiii. اعراف / ۲۳.
- xxiv. کامل، في التاريخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۳۴۰.
- xxv. رجال الطوسي، شیخ طوسي، ابو جعفر محمد بن الحسن، ص ۵۸.
- xxvi. مَرُوجُ الذهب و معادن الجواهر، المسعودي، ابو الحسن علي بن الحسين، ترجمه ابو القاسم پابنده، ج ۳، ص ۹۳.
- xxvii. تاریخ طبري، طبری، ج ۴، ص ۴۵۸.
- xxviii. همان، ج ۴، ص ۴۵۹.
- xxix. مختار الثقفی، باقر شريف قرشي، ص ۷۳.
- xxx. تحف العقول عن آل الرسول، علی بن شعبه الحزاني، ترجمه صادق حسن زاده، ص ۸۸، ج ۸.
- xxxi. ر.ک: مقاله گوشه های از تلاش علمی امام حسن عسکری - علیه السلام -، مجله میلغان، ش ۶۶.
- xxxii. كشف الغمّه في معرفة الاثمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۳، ص ۲۱۱.
- xxxiii. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام -، محمد بن علی بن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۵۹.
- xxxiv. همان، ج ۴، ص ۴۷۲.
- xxxv. از سران غلات در زمان امام حسن عسکری علیه السلام -.
- xxxvi. یا «فأشخ».
- xxxvii. یا «بالصخر».
- xxxviii. معجم رجال الحديث، آیت الله خویی، صص ۳۴۳-۳۴۴؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، ج ۲۵، ص ۳۱۶.
- xxxix. مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱، ص ۳۸، باب ۴۹؛ اعلام الهدایه، ج ۱۳، ص ۱۴۴.
- xl. همان.
- xli. ر.ک: مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۵۷؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، صص ۶۲۸ - ۶۳۰.
- xlii. مجمع البحرین، طریحی، ج ۱، ص ۷۸.
- xliiii. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۶۲؛ اعلام الهدایه، ج ۱۳، ص ۱۴۲؛ کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۱۱، ج ۲۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ۵۰، ص ۲۹۳.
- xliiv. بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ۵۰، ص ۲۹۴؛ و كشف الغمّه، اربلی، ج ۳، ص ۲۲۱؛ اعلام الهدایه، ج ۱۳، ص ۱۴۴.
- xlv. اثبات الوصیة، مسعودی، ص ۲۳۴.
- xlvi. ر.ک: بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ۵۰، صص ۲۴۷ - ۳۰۳؛ مجله میلغان، شماره ۹۰، صص ۱۵-۱۹.
- xlvii. كشف الغمّه، اربلی، ج ۳، ص ۲۳۲؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۳.
- xlviii. بحار الانوار، علامه مجلسي، ص ۲۹۴.
- xlix. ر.ک: تحف العقول، علی بن شعبه الحزاني، ص ۸۸ به بعد؛ اعلام الهدایه، صص ۱۹۰ - ۱۹۳.
- l. تحف العقول، حرانی، ص ۸۸.

- li. همان، ص ۸۸۶.
- lii. ر.ک: کمال الدین، شیخ مفید، ص ۴۷۵؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۶۰؛ بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۰، ص ۳۳۲.
- liii. تاریخ تشیع، محمد حسین مظفر، صص ۲۸۷-۲۸۵؛ ام‌امزادگان ری، محمد مهدی فقیه بحر العلوم، صص ۱۱۲-۱۱۳.
- liiv. انوارالمشعشعین، محمد علی کچولی اردستانی، ج ۱، ص ۹۶.
- lv. سفینه البحار، محدث قمی، ج ۴، صص ۱۳۶-۱۲۹؛ مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۸۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۰، صص ۲۱۸-۲۱۵.
- lvi. تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص ۷۷.
- lvii. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، صص ۱۱۶-۱۱۵.
- lviii. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ج ۳، ص ۲۳؛ دلائل الامام ؑ، محمدبن جریر طبری، ص ۲۱۶؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۱۹.
- lix. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۹۵؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۰؛ تحلیلی از زندگانی امام هادی، باقر شریف قرشی، صص ۲۰-۲۰۰.
- lx. دلائل الامامه، طبری آملی، ص ۲۱۶؛ اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۹۶.
- lxi. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۳، صص ۴۵۹-۴۶۰؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، صص ۱۴۶-۱۴۷.
- lxii. اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۸۶؛ تاریخ حرم کاظمین، شیخ محمد حسین آل یاسین، صص ۲۵-۲۴.
- lxiii. اضواء علی حیاة موسی المبرقع و ذریه، کشمیری، ص ۱۲۸؛ تحف العقول، ابن شعبه حرانی، محمد باقر کمره ای، ص ۵۰۳.
- lxiv. اصول کافی، کلینی، ج ۲، صص ۱۱۳-۱۱۲.
- lxv. تتمه المنتهی، محدث قمی، صص ۲۰-۲۰۰.
- lxvi. همان، صص ۲۱۰-۲۰۹؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، صص ۴۸۰-۴۷۹.
- lxvii. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، صص ۵۰-۵۲۷-۵۳۱-۵۳۸-۵۴۲؛ تحلیلی از زندگی و دوران امام محمد تقی- علیه السلام -، فضل الله صلواتی، صص ۴۸۴-۴۸۵.
- lxviii. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۵۸.
- lxix. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۶۰، ص ۲۱۴.
- lxx. سرسلسله العلویة، ابی نصر بخاری، ص ۳۹.
- lxxi. تاریخ قم، حسن بن محمدبن حسن قمی، صص ۳۱۲-۳۱۱؛ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، صص ۶۱۹-۶۱۸.
- lxxii. آرامگاههای خاندان پاک پیامبر-، سید عبدالرزاق کمونه حسینی، ص ۲۱۵.
- lxxiii. تاریخ قم، ناصرالشریعه، ص ۱۱۵؛ بدر مشعشع فی احوال موسی المبرقع، محدث نوری، ص ۱.
- lxxiv. تاریخ قم، حسن بن محمدبن حسن قمی، ص ۳۱۳؛ تاریخ قم، ناصرالشریعه، ص ۱۱۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۱۸؛ تحلیلی از زندگی امام محمد تقی، ص ۴۸؛ چهارده اختر تابناک، ص ۲۱.
- lxxv. کشف الغمّه فی معرفه الائمه، اربلی، ج ۳، ص ۲۱۵؛ عمده الطالب، ابن عنبه، ص ۱۷۹.
- lxxvi. تاریخ سامرا، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج ۱، ص ۲۱۶ و ج ۳، ص ۳۰۳.
- lxxvii. تحلیلی از زندگی امام محمد تقی، باقر شریف قرشی، ص ۴۸.
- lxxviii. آرامگاههای خاندان پاک پیامبر-، سید عبدالرزاق کمونه، ص ۲۱۵؛ تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، ص ۳۱۳.
- lxxix. عمده الطالب، ابن عنبه، ص ۱۸۲؛ منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج ۲، صص ۶۲۲-۶۱۸.
- lxxx. سبز پوشان، احمد محیطی اردکانی، صص ۹۶-۹۶.
- lxxxix. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۲، صص ۲۱ و ۲۲؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، صص ۷۱ و ۷۲.
- lxxxix. حوزه علمیه شیعه در گستره جهان، سیدعلی رضا سید کباری، ص ۳۷.
- lxxxiii. انقلاب اسلامی ایران در دایره المعارفهای جهان، محسن مدیرشانه چی، ص ۲۴۰.
- lxxxiv. جریانهای حوزه علمیه قم در دهه ۴۰ و ۵۰، سلیمان طائی حسنلوئی، صص ۷۱ و ۷۲.
- lxxxv. مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، سید محمدحسین منظور الاجداد، ص ۳۱۸.
- lxxxvi. همان، ص ۳۱۹؛ جریانهای حوزه علمیه قم در دهه ۴۰ و ۵۰، سلیمان طائی حسنلوئی، صص ۷۴ و ۷۵.
- lxxxvii. تاریخ سیاسی حوزه یا تأسیس حوزه علمیه قم، روح الله حسینیان، ص ۴۴.
- lxxxviii. مجله یاد، شماره ۴، پاییز ۱۳۶۵، ص ۲۵.
- lxxxix. آثار الحجّه یا تاریخ دایره المعارف حوزه علمیه قم، محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۵۳.
- xc. جریانهای حوزه علمیه قم در دهه ۴۰ و ۵۰، سلیمان طائی حسنلوئی، ص ۷۵.
- xc. آثار الحجّه یا تاریخ دایره المعارف حوزه علمیه قم، محمدشرف رازی، ج ۱، ص ۷۰.
- xcii. همان، ص ۳۰.
- xciii. ولایت فقیه [حکومت اسلامی]، امام خمینی(ع)، صص ۳۲ و ۲۸۱.
- xciv. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، صص ۱۵۸ و ۱۵۸.
- xcv. مصاحبه نگارنده با آیت الله محمدجواد علوی بروجردی نوه آیت الله العظمی بروجردی، صص ۱۵۷ و

- ۱۵۸ .xcvi صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۷ .xcvii سیره مبارزاتی امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ج ۴۵ و ۴۹ .xcviii بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، ج ۵، ص ۲۱۳ .xcix کیهان، ۱۷ فروردین، ۱۳۴۰، ص ۱ .c فن داستان نویسی، محسن سلیمانی، ص ۲۳۲ .ci از روی دست رمان نویس، ترجمه محسن سلیمانی، ص ۲۸ .cii فن داستان نویسی، ص ۲۳۵ .ciii از روی دست رمان نویس، ص ۵۱ .civ زندگینامه معروف ترین نویسندگان و شعرای جهان، مهرداد مهرین، ص ۲۸ .cv همان، ص ۴۴ و ۴۵ [با اندکی تصرف] .cvi همان، ص ۵۱ .cvii از روی دست رمان نویس، ص ۴۵ .cviii همان، ص ۸۹ .cix همان، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ .cx راه هنرمند، جولیا کامرون، ترجمه گیتی خوشدل، ص ۱۷۸ .cxi آموزش خاطره نویسی، سید حسین حسینی نژاد، ص ۱۷ .cxii همان، ص ۱۸ .cxiii همان، ص ۱۹ و ۲۰ .cxiv هر اتاقی مرکز جهان است، سایه محمدی، ص ۱۴۶ و ۱۴۷ .cxv قلمهای پر آب، کاغذهای تشنه، سوزان آریل رینبوکندی (سارک)، ترجمه مجید شریف خدایی، ص ۸۹ .cxvi هر اتاقی مرکز جهان است، ص ۱۶۸ و ۱۶۹ .cxvii «اشراق اندیشه»، سال سوم، ش ۱۴، ص ۱۳ .cxviii زندگینامه معروف ترین نویسندگان و شعرای جهان، ص ۲۵ .cxix همان، ص ۴۱ و ۴۲ .cxx ر.ک: «قلمهای پر آب، کاغذهای تشنه»، نوشته سوزان آریل رینبوکندی [سارک]، ترجمه مجید شریف خدایی .cxxi بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۸، ص ۶، ح ۲۳؛ کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۲۶۵ .cxxii کامل، ابن اثیر، ص ۱۳۹، باب ۵۴، ح ۱؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲۲، ح ۵ - ۱۴؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۰، ص ۲۳۶، ح ۶ .cxxiii وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۹۸، باب ۶۴، ح ۹؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۱۹، ح ۵ .cxxiv وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۳۳۱، باب ۲، ح ۲۲؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲، ح ۱۰ .cxxv بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲۸، ص ۶۰، ح ۲۳ .cxxvi فضل زیارة الحسین- علیه السلام -، محمد بن علی علوی شجری، ص ۴۰، ح ۱۲ .cxxvii وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۲۵، باب ۳۷، ح ۴۰؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲۶، ح ۳۰ .cxxviii وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۵، باب ۴۵؛ کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۶۸، باب ۲۲، ح ۱؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۳۵، ح ۴۲ و ح ۴۳ .cxxix وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۵۲، باب ۳۷، ح ۸؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲۸۵، ح ۱۰۷ .cxxx وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۲۳، باب ۳۷، ح ۳۴؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۲۱، ح ۱ .cxxxii بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲۰، ح ۹؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۹۹، باب ۶۴، ح ۱۰ .cxxxiii بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۴۶، ح ۵؛ کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۶۸، باب ۶۹، ح ۵؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۰، ص ۲۳۹، ح ۱۷ .cxxxiiii کامل الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۵، ب ۶۱، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۴۲، ح ۱؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ص ۴۱۳، باب ۳۷، ح ۸؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۳، ح ۸ و ۱۲ .cxxxv کامل، ابن اثیر، ص ۱۴۳، باب ۵۶، ح ۳؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۴۵۲، باب ۴۵، ح ۱۸؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۱۸، ح ۱؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۰، ص ۳۰۹، ح ۱ .cxxxvi فضل زیارة الحسین، همان، ص ۶۴، ح ۴۶ .

.cxxxvi. میرزا علی اکبر خرم قزوینی.

.cxxxvii. آل عمران/۶۴.

.cxxxviii. خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۰۱۱۱۴۰۰۰۵۰۳.

.cxxxix. پایگاه اطلاع رسانی مرکز خبر حوزه های علمیه، کد خبر: ۱۳۰۸۰۶.

.cxl. خبرگزاری رسا، کد خبر: ۱۲۲۱۸۴.

.cxli.

.cxlii. مرکز خبر حوزه های علمیه، کد خبر: ۱۳۰۲۸۰.

.cxliii. پایگاه اطلاع رسانی معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه، کد خبر :

.۱۳۱۱۱۵.

.cxliv. همان، کد خبر: ۱۳۰۲۴۶.

.cxlv. مرکز خبر حوزه، کد خبر: ۱۳۱۰۵۹.

.cxlvi. پایگاه اطلاع رسانی معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه، کد خبر :

.۱۱۸۰۰۷.